مهدی

کلمات قصار امام زمان

بسم الله الرحمن الرحیم

کلمات قصار امام زمان (علیه السلام)

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کلمات قصار امام زمان علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - عنوان و نام پدیدآور : کلمات قصار امام زمان علیه السلام/ مولف محمد تقی اکبرنژاد. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص. شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۸۹-۹ : وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری. یادداشت : چاپ دوم. یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۴۲] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع : محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- کلمات قصار شناسه افزوده : اکبرنژاد ، محمدتقی شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۵۱/۲ /الف ۷ ک۸ ۷۸۳۱ رده بندی دیویی : ۹۵۹/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۶۰۰

مقدمه ناشر

استقبال مردم به خصوص جوانان متدین و غیور کشور اسلامی ایران از معارف اهل بیت علیهم السلام به ویژه معارف مهدوی علیه السلام ما را بر آن داشت که اثر پیش روی شما عزیزان، را که برگرفته از کلام حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام است و با تلاش و تحقیق برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین اکبرنژاد جمع آوری شده به زیور طبع آراسته گردد.

امید است مورد تأیید حضرت حقّ و عنایت حضرت صاحب الزمان حجت بن الحسن عسکری علیهما السلام قرار گیرد. ان شاء اللّه.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مقدمه مؤلف

سلام بر مهدی یگانه منجی عالم بشریت بعد از اتمام کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی، بلافاصله درخواست ترجمه آن برای استفاده هموطنان فارسی زبان داده شد. با اشتیاق از این درخواست استقبال کردم و با تمام توان شروع به ترجمه کتاب نامبرده نمودم. تا شاید بتوانم خدمتی به عرصه فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی کرده باشم.

همزمان با شروع ترجمه کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی تصمیم گرفتم که گلچینی کامل از سخنان قصار و ماندگار آن امام همام را خدمت دوستان عرضه کنم. از آنجا که کلمات قصار امام زمان علیه السلام جمع آوری نشده بود و تنها به بیان چهل حدیث از بیانات ایشان اکتفا شده بود، مصمم شدم تا این کار را به صورت جامع به انجام برسانم. از این رو همزمان با ترجمه موسوعه که کامل ترین مجموعه سخنان امام زمان علیه السلام است، اقدام به انتخاب و گزینش فرمایشات گهربار ایشان کردم. به همین دلیل نیز آن را براساس موضوع بندی و فهرست موسوعه توقیعات منظم کردم. در آغاز آدرس های روایات را به جهت اتکاء به منابع موسوعه نیاورده

بودم. دوستان گرانقدرم در انتشارات مسجد مقدس جمکران توصیه کردند تا آدرس ها و منابع کلمات قصار را بدان بیفزایم. از این پیشنهاد استقبال کرده و منابع را بدان افزودم.

مجموعه ای که پیش رویتان قرار دارد. بی شک کامل ترین مجموعه از کلمات قصار آن حضرت است. در این مجموعه بیشتر به مسائل عمومی و غیر تخصصی پرداخته شده است. به عنوان مثال از نقل مسائل فقهی اختلافی به شدت پرهیز شده است. زیرا این مسائل باید توسط اهل فن آن مورد بررسی های فقهی قرار گیرند.

نکته اول: روش آدرس دهی در کتاب حاضر

اکثریت قاطع منابع و مأخذ روایات مجموعه حاضر، از کتاب شریف بحارالانوار علامه مجلسی رحمه الله نقل شده است. و به همین مقدار بسنده نشده و علاوه بر این دو از منابع دیگری نیز آدرس داده شده است. از آنجا که کتاب های مختلف معمولاً با قدری اختلاف روایات را نقل کرده اند. به همین جهت معیار در نقل ما، تنها کتاب بحارالانوار می باشد.

نکته دوم

با توجّه به این که برخی از نامه ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام طولانی و حاوی کلمات قصار متعددی می باشند از این رو گاه چندین جمله از یکی از نامه های آن حضرت استفاده شده است.

به همین جهت نیاز به آدرس جدیدی نداشتند. لذا در اولین جمله، آدرس به طور کامل ذکر شده و در سایر جملاتی که از آن نامه استفاده شده است، آدرس نیامده است. بنابراین مادامی که آدرس جدیدی ذکر نشده باشد، بدان معناست که از همان مآخذ قبلی می باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی محمد تقی اکبرنژاد

۱۸/۶/۸۵ مصادف با نیمه شعبان

کلمات قصار

دعا برای در امان ماندن از فتنه ها(۱)

عَافَانَا اللَّه وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ؛

خداوند ما و شما را از فتنه ها مصون دارد. به ما و شما روح یقین عنایت کند و همه ما را از بد عاقبتی، در پناه خود حفظ کند.

امام و غم شیعیان غَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا وَسَأَوْنَا فِيكُمْ لَا فِينَا؛

این مسئله ما را ناراحت و آزرده کرد؛ البته نه به خاطر خودم بلکه به خاطر خود شما.

امام و بی نیازی از دیگران

أَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَهَ بِنَا إِلی غَیْرِهِ؛

خدا با ما است، به همین خاطر ما نیازی به غیر او نداریم.

امام و نترسیدن از تنهایی

اَلْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ یُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا؛

حق با ماست، از این رو از روگردانی دیگران هراسی نداریم.

امام و تربیت بندگان

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا؛

ما تربیت یافتگان خداییم و بقیه مخلوقات، تربیت یافتگان ما هستند.

امام و انتقاد از شیعیان

یَا هؤُلآءِ مَا لَکُمْ فِی الرَّیْبِ تَتَرَدَّدُونَ وَفِی الْحَیْرَهِ تَنْعَکِسُونَ؟

آقایان! چه شده است که در تردید به سر می برید و در حیرت خود سرگردانید! (از شما بعید است).

امام و راز امامت

أَوَ مَا رَأَیْتُمْ کَیْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَکُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَیْهَا وَأَعْلاماً تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلی أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِی علیه السلام؛

آیا توجه نکردید که خداوند از زمان آدم تاکنون مراکزی را قرار داد تا آن ها را قصد کنید و نشانه هایی را برایتان نصب کرد تا به واسطه آن ها هدایت شوید؟

امام و استمرار امامت

کُلَّمَا غَابَ عَلَمٌ بَدَا عَلَمٌ؛

هرگاه نشانه ای گم شد، نشانه ای دیگر جایگزین آن می شود.

إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛

هرگاه ستاره ای افول می کرد، ستاره ای دیگر طلوع می کند.

امامت و باطل شدن دین

فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ أَبْطَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ؛

متأسفانه زمانی که پدرم فوت کرد، گمان کردید که خداوند متعال دینش را باطل کرد و واسطه میان خود و خلقش را از میان برداشت!

امام و توصیف پدر

إِنَّ الْمَاضِيَ علیه السلام مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ علیهم السلام حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

پدرم با سعادت کامل درگذشت. او روش و سیره پدرانش را قدم به قدم پیروی کرد.

امام و انتقال علوم

فِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ وَمَنْ هُوَ خَلَفُهُ وَمَنْ يَسُدُّ مَسَدَّهُ؛

اکنون نیز وصیت و علم او نزد من است. من جانشین و جایگزین او هستم.

امام و عظمت امامت

لَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَسِرَّهُ لَا يَظْهَرُ وَلَا يُعْلَنُ لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبْهَرُ مِنْهُ عُقُولُكُم وَيُزِيلُ شُكُوكَكُمْ؛

اگر چنین نبود که اراده خدا بر پوشیده ماندن فضایل ما مغلوب نمی شود و اسرارش فاش نمی گردد، عظمت ما آشکار می شد و عقل های شما را مبهوت خود می کرد و شک و تردیدهایتان را از بین می برد.

وظایف شیعیان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛

پس از خدا بترسید و تسلیم اوامر ما شده و مسائل را به ما واگذارید.

امام و وظایف امامت

فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ؛

صدور و یا عدم صدور امر از و ظیفه ماست.

وظایف شیعیان و کنجکاوی بی مورد

لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّیَ عَنْکَمْ؛

در صدد کشف اموری که از شما پوشیده شده است، نباشید.

وظایف شیعیان و راست و چپ

لَا تَمِیلُوا عَنِ الْیَمِینِ وَتَعْدِلُوا إِلَی الْیَسَارِ؛

از صراط مستقیم به راست و چپ منحرف نشوید.

وظایف شیعیان و راه نزدیک شدن به امام

اجْعَلُوا قَصْدَکُمْ إِلَیْنَا بِالْمَوَدَّهِ عَلَی السُنَّهِ الْوَاضِحَهِ؛

توجّه تان را نسبت به ما براساس محبت و سنت های روشن شرعی قرار دهید.

امام و دلسوزی نسبت به شیعیان

لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّهِ صَلَاحِکُمْ وَرَحْمَتِکُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَیْکُمْ لَکُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِکُمْ فِی شُغُلٍ مِمَّا قَدْ إِمْتَحَنا؛

آری اگر محبت و علاقه و دلسوزی ما نسبت به شما نبود، از ارتباط و گفت و گوی با شما به امتحانات الهی مشغول می شدیم.

حضرت زهراعلیها السلام الگوی امام

فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله لِی أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ؛

دختر رسول خداصلی الله علیه وآله برای من الگوی مناسبی است.(۲)

نتیجه حماقت و جهالت

سَیُرَدَّی الْجَاهِلُ رِدَاءَ عَمَلِهِ؛

به زودی جاهل گمراه، لباس عملش را به تن خواهد کرد.

دعا برای عافیت از آفت ها

عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِیَّاکُمْ مِنَ الْمَهَالِکِ وَالْأَسْوَاءِ وَالآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ کُلِّهَا بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند همه ما و شما را به واسطه رحمتش از مهلکه ها، بدی ها و آفت ها دور کند.

بدترین زمان ها(۳)

فَإِنَّ الزَّمَانَ أَصْعَبُ ما کَانَ؛

زمان ما سخت ترین زمان ها است.

امام و توصیف خدا(۴)

یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ تَعَالَی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَمَّا یَصِفُونَ سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ؛

ای محمد بن علی خداوند عزّوجل فراتر از آن چیزی است که او را می ستایند. او را منزه دانسته و ستایش می کنم.

امام و مبارزه با غلو

لَیْسَ نَحْنُ شُرَکَاءَهُ فِی عِلْمِهِ وَلا فِی قُدْرَتِهِ بَلْ لا یَعْلَمُ الْغَیْبَ غَیْرُهُ؛

ما شرکای او در علم و قدرتش نیستیم. بلکه کسی غیر از او از علم غیب خبر ندارد.(۵)

أَنَا وَجَمِیعُ آبَائِی مِنَ الْأَوَّلِینَ آدَمُ وَنُوحٌ وَإِبْرَاهِیمُ وَمُوسَی وَغَیْرُهُمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَمِنَ الْآخِرِینَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَالْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَغَیْرُهُمْ مِمَّنْ مَضَی مِنَ الْأَئِمَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ إِلَی مَبْلَغِ أَیَّامِی وَمُنْتَهَی عَصْرِی عَبِیدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

و من و تمام پدرانم از اولین که عبارتند از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر ایشان از پیامبران و از آخرین که محمد فرستاده خدا و علی بن ابی طالب و حسن و حسین و غیر ایشان از ائمه گذشته صلوات اللّه علیهم اجمعین تا روزگار من و پایان دوره من، همه و همه بندگان خداوند عزّوجلّ می باشیم.

شیعه موذی

یَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ(۶) قَدْ آذَانَا جُهَلاءُ الشِّیعَهِ وَحُمَقَاؤُهُمْ وَمَنْ دِینُهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَهِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛

ای محمد بن علی! جاهلان و بی خردان از شیعیان، ما را اذیت می کنند و همین طور کسانی که بال مگس بر دین آنان رجحان دارد.(۷)

امام و شهادت به عقاید حقه

أُشْهِدُ اللَّهَ الَّذِی لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَکَفَی بِهِ شَهِیداً وَمُحَمَّداً رَسُولَهُ وَمَلائِکَتَهُ وَأَنْبِیَاءَهُ وَأَوْلِیَاءَهُ؛

شهادت می دهم که خدایی جز اللّه نیست و برای شهادت بر اعمال کافی است. شهادت می دهم بر محمد که فرستاده اوست و ملائکه و انبیاء و اولیایش.

امام و بیزاری از غالیان

أُشْهِدُکَ وَأُشْهِدُ کُلَّ مَنْ سَمِعَ کِتَابِی هَذَا أَنِّی بَرِی ءٌ إِلَی اللَّهِ وَإِلَی رَسُولِهِ مِمَّنْ یَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَیْبَ أَوْ نُشَارِکُ اللَّهَ فِی مُلْکِهِ أَوْ یُحِلُّنَا مَحَلاًّ سِوَی الْمَحَلِّ الَّذِی نَصَبَهُ اللَّهُ لَنَا وَخَلَقَنَا لَهُ؛

تو را و همه آن ها که از نوشته من باخبر خواهند شد، شاهد می گیرم که من بیزارم از تمام کسانی که مدعی اند ما علم غیب می دانیم(۸) یا در ملک خدا با او شریک هستیم و یا برای ما جایگاهی غیر از شأنی که خداوند برایمان عنایت کرده است و ما را برای آن خلق نموده، در نظر بگیرد.

فَکُلُّ مَنْ فَهِمَ کِتَابِی وَلَمْ یَرْجِعْ إِلی مَا قَدْ أَمَرْتُهُ وَنَهَیْتُهُ فَلَقَدْ حَلَّتْ عَلَیْهِ اللَّعْنَهُ مِنَ اللَّهِ وَمِمَّنْ ذَکَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِینَ؛

بنابراین هر کسی که از نوشته من باخبر شود و به آنچه که امر کردم و از آنچه که نهی نمودم، باز نگردد، پس لعنت خدا و بندگان صالحی که از آن ها نام بردم(۹) بر او حلال خواهد شد.

امام و پناه بردن به خدا از گمراهی(۱۰)

أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمْی بَعْدَ الْجِلاءِ وَمِنَ الضَّلالَهِ بَعْدَ الْهُدَی وَمِنْ مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَمُرْدِیَاتِ الْفِتَنِ؛

من از کوری بعد از بینایی و گمراهی بعد از هدایت و از اعمال و فتنه های هلاک کننده به خدا پناه می برم.

انتقاد از شیعیان و بی توجهی به روایات

کَیْفَ یَتَسَاقَطُونَ فِی الْفِتْنَهِ وَیَتَرَدَّدُونَ فِی الْحَیْرَهِ وَیَأْخُذُونَ یَمِیناً وَشِمَالاً فَارَقُوا دِینَهُمْ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّوَایَاتُ الصَّادِقَهُ وَالْأَخْبَارُ الصَّحِیحَهُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِکَ فَتَنَاسَوْا؛

بنگر که چگونه در فتنه ها سقوط می کنند و در تحیّر و سرگردانی می گردند. به راست و چپ می روند و از دینشان فاصله می گیرند. آیا آن ها در مورد حق دچار تردید شده اند؟ یا عناد می ورزند؟ یا این که از روایات راست و خبرهای صحیحی که به آن ها رسیده است، بی خبرند؟ یا این که آن ها را می دانند اما از یاد برده اند؟

امام و ضرورت امامت

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لا تَخْلُو مِنْ حُجَّهٍ إِمَّا ظَاهِراً وَإِمَّا مَغْمُوراً؛

آیا نمی دانند که خدا زمین را خالی از حجت نمی کند؛ حجتی که یا ظاهر است یا پنهان و در پرده.

امام و توصیف پدر

أَفْضَی الْأَمْرُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَی الْمَاضِی یَعْنِی الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَقَامَ مَقَامَ آبَائِهِ علیهم السلام یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ

وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ؛

تا این که دوره امام قبلی یعنی حسن بن علی علیه السلام تمام شد، او جای پدرش نشست و به راه حق و راست هدایت کرد.

كَانَ نُوراً سَاطِعاً وَقَمَراً زَهْراً؛

نور درخشان و ماه تابانی بود.

اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ؛

خداوند او را برای علم خودش انتخاب کرده بود.

فَمَضَى عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ علیهم السلام حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ عَلَى عَهْدٍ عَهِدَهُ وَوَصِيَّةٍ أَوْصَى بِهَا إِلَى وَصِيٍّ؛

او با روش پدرانش زندگی کرد؛ قدم به قدم بر عهد و پیمان و وصیتی که هر وصی بعد از خودش کرد، عمل نمود.

امام و توصیف امام

وَصِيٍّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةٍ وَأَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيَّتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَالْقَدَرِ النَّافِذِ وَفِينَا مَوْضِعُهُ وَلَنَا فَضْلُهُ؛

جانشینی که خدا او را تا مدتی پنهان کرده بود و مکانش را مخفی داشته است. البته همه این ها با قضای حتمی قبلی او و قدر جاری او صورت گرفت.(۱۱) محل استقرار جانشینی و فضایل آن در ما است.

امام و عظمت امامت

لَوْ قَدْ أَذِنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَأَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لَأَرَاهُمُ الْحَقَّ ظَاهِراً بِأَحْسَنِ حِلْيَةٍ وَأَبْيَنِ دَلالَةٍ وَأَوْضَحِ عَلامَةٍ وَلَأَبَانَ عَنْ نَفْسِهِ وَقَامَ بِحُجَّتِهِ؛

اگر خداوند به چیزی که از آن منع کرده است(۱۲) اجازه می داد و آنچه را که از حکم حکیمانه اش جاری کرده است، برمی داشت، حق را آشکارا و با آراستگی تمام و ادّله روشن و نشانه های واضح ظاهر می کردم. آن وقت آن حجّت پنهان از خودش پرده برمی داشت و ادّله خود را بیان می کرد.

اراده خدا

لَكِنَّ أَقْدَارَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لا تُغَالَبُ وَإِرَادَتَهُ لا تُرَدُّ وَتَوْفِيقَهُ لا يُسْبَقُ؛

لکن آنچه که قدرت خدا است مغلوب نمی شود و اراده او برنمی گردد و کسی نمی تواند از توفیقش سبقت بگیرد.

وظایف شیعیان در بازگشت به امام

فَلْيَدَعُوا عَنْهُمُ اتِّبَاعَ الْهَوَی وَلْيُقِيمُوا عَلَی أَصْلِهِمُ الَّذِی كَانُوا عَلَيْهِ؛

آن ها بايد از هوس های نفس خود تبعيت نكنند و به اصل خودشان كه بر آن بوده اند بازگردند.(۱۳)

وظايف شيعيان و تجسس ممنوع

لا يَبْحَثُوا عَمَّا سُتِرَ عَنْهُمْ فَيَأْثَمُوا؛

آنچه را كه خداوند پوشانيده است، جست و جو نكنند؛ زيرا در اين صورت به معصيت می افتند.

لا يَكْشِفُوا سَتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَنْدَمُوا؛

ستر خدا را برندارند؛ زيرا پشيمان می شوند.(۱۴)

امامت و معدن حقيقت

لِيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ لا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِیٌّ؛

شيعيان بايد بدانند كه حق با ما و در ميان ماست. كسی غير از ما آن را بيان نمی كند، مگر دروغگوی افترا زننده(۱۵) و كسی غير از ما مدعی آن نمی شود مگر گمراه سرگردان.

وظايف شيعيان و ممنوعيت تجسس

فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَی هَذِهِ الْجُمْلَهِ دُونَ التَّفْسِيرِ وَيَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّعْرِيضِ دُونَ التَّصْرِيحِ؛

بنابراين بيش از آنچه را كه در باب امامت گفتم، نخواهيد. و به اشاره كردن من قناعت كنيد. و انتظار تصريح و توضيح نداشته باشيد.

امام و دفاع از حقوق شخصی(۱۶)

يَا جَعْفَرُ مَا لَكَ تَعْرِضُ فِی حُقُوقِی فَتَحَيَّرَ جَعْفَرٌ؛

ای جعفر آيا به ارثيه(۱۷) من دست دراز می كنی؟

جعفر از اين حرف متحير و مبهوت شد.

يَا جَعْفَرُ دَارُكَ هِیَ ثُمَّ غَابَ؛

زمانی كه جده امام زمان و همسر(۱۸) امام علی النقی عليه السلام وصيت كرد كه او را در خانه خودش دفن كنند، جعفر اجازه

دفن نمی داد و می گفت که خانه به من رسیده است و اجازه دفن کسی را نمی دهم. امام علیه السلام دوباره از نقطه نامعلومی پیدا شد و فرمود: «جعفر اینجا خانه توست؟» و ناپدید شد.

دقت امام در مطالعه نامه ها(۱۹)

أَحاطَتْ مَعْرِفَتِی بِجَمِیعِ مَا تَضَمَّنَهُ عَلَی اخْتِلافِ أَلْفَاظِهِ وَتَکَرُّرِ الْخَطَاءِ فِیهِ؛

متوجه تمام مطالب آن و تناقض گویی هایی که در نامه جعفر بود و خطاهای تکراری آن، شدم.

اراده خدا درباره حق و باطل

أَبَی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلّا إِتْمَاماً وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقاً؛

خداوند اراده کرده است که حق را تمام کند و باطل را از بین ببرد.

إِنَّهُ لَمْ یَجْعَلْ لِصَاحِبِ الْکِتَابِ عَلَی الْمَکْتُوبِ إِلَیْهِ وَلا عَلَیْکَ وَلا عَلَی أَحدٍ مِنَ الْخَلْقِ إِمَامَهً مُفْتَرَضَهً وَلا طَاعَهً وَلا ذِمَّهً؛

بی شک خداوند امامت و اطاعت نویسنده نامه(۲۰) را نه بر مخاطب آن و نه بر تو و نه بر احدی از مخلوقاتش واجب نساخته است.

راز بعثت و امامت در اراده الهی

یَا هَذَا یَرْحَمُکَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی لَمْ یَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثاً وَلا أَهْمَلَهُمْ سُدیً بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً وَقُلُوباً وَأَلْبَاباً ثُمَّ بَعَثَ إِلَیْهِمُ النَّبِیِّینَ علیهم السلام مُبَشِّرِینَ وَمُنْذِرِینَ یَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَیَنْهَوْنَهُمْ عَنْ مَعْصِیَتِهِ وَیُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهِلُوهُ مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِینِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَیْهِمْ کِتَاباً وَبَعَثَ إِلَیْهِمْ مَلائِکَهً یَأْتِینَ بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَیْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِی جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَیْهِمْ وَمَا آتَاهُمْ مِنَ الدَّلائِلِ الظَّاهِرَهِ وَالْبَرَاهِینِ الْبَاهِرَهِ وَالآْیَاتِ الْغَالِبَهِ؛

ای احمد - که خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد - بی تردید خداوند متعال مخلوقش را بی دلیل نیافریده است و آن ها را سر خود رها نکرده است. بلکه آن ها را با قدرت خویش آفریده و آن ها را مجهّز به اسبابی چون گوش و چشم و روح(۲۱) و عقل کرده است. بعد از آن، پیامبرانی را جهت بشارت دادن و ترساندن ایشان برانگیخت تا آن ها را به اطاعت او امر کرده و از معصیتش نهی کنند. آن دسته از اوامر الهی و دینی را که با عقل هایشان درک نمی کردند، به ایشان بیاموزند. کتاب هایی را بر ایشان نازل کرد و ملائکه ای را میان خود و ایشان مأمور ساخت. زیرا ایشان را بر دیگران فضلیت داده بود و آن ها را به دلیل های

روشن و نشانه های غالب مجهّز کرده بود.

امام و بیان سیر نبوت

مِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً وَاتَّخَذَهُ خَلِيلًا؛

یکی از آن ها کسی بود که آتش را برای او خنک و دلنشین ساخت و او را به دوستی خود انتخاب نمود.

مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيماً وَجَعَلَ عَصَاهُ ثُعْبَاناً مُبِيناً؛

دیگری نیز کسی بود که به وفور با او سخن گفت و عصایش را اژدهای آشکاری قرار داد.

مِنْهُمْ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ؛

برخی نیز با اذن و اجازه خدا مردگان را زنده می کرد و کور مادرزاد و افراد مبتلا به پیسی را شفا می داد.

مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ؛

به برخی نیز سخن گفتن با پرندگان را آموخت و از تمام امور او را بهرمند ساخت.(۲۲)

بَعَثَ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَتَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً؛

در نهایت نیز محمدصلی الله علیه وآله را برای مورد رحمت قرار دادن عالمیان برانگیخت. نعمتش را با بعثت او تمام کرد و نبوتش را با او خاتمه داد و او را به سوی تمامی انسان ها فرستاد.

قَبَضَهُ صلی الله علیه وآله حَمِيداً فَقِيداً سَعِيداً؛

بعد از انجام رسالت از دار دنیا رفت. در حالی که ستوده و سعادتمند بود.

امام و بیان سیر امامت

جَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِداً وَاحِداً؛

بعد از خودش، امر خلافت را به برادر(۲۳) و پسر عمویش و وصی و وارثش علی بن ابی طالب علیه السلام و اگذار کرد. بعد از او نیز به فرزندانش، یکی بعد از دیگری منتقل ساخت.

حکمت نصب امامان معصوم علیهم السلام

أَحْيَا بِهِمْ دِينَهُ وَأَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ؛

دینش را با وجود آن ها زنده نگه داشت و نور هدایتش را با آن ها به اتمام رساند.

چرا خداوند ائمه را با استعدادهای فوق العاده بیشتری آفرید؟

جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَبَنِى عَمِّهِمْ وَالْأَدْنَيْنَ فَالْأَدْنَيْنَ مِنْ ذَوِى أَرْحَامِهِمْ فُرْقَاناً بَيِّناً يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَحْجُوجِ وَالْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ بِأَنْ عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأَهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَجَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَأَيَّدَهُمْ بِالدَّلائِلِ وَلَوْ لا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَآءٍ وَلَادَّعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَلَمَا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا الْعَالِمُ مِنَ الْجَاهِلِ؛

میان آن ها و برادران و پسر عموهایشان و تمام نزدیکانشان تفاوت فاحشی قرار داد تا حجّت الهی از غیر حجت و امام از مأموم شناخته شود و مشتبه نشود. به این صورت که آن ها را از گناهان مصونیت بخشید و از عیب ها پیراسته ساخت و از پلیدی ها دور کرد و از اشتباهات پاک نمود و آن ها را گنجینه علم و امانت دار حکمت و محل استقرار سرّش قرار داد و آن ها را با ادّله مختلف یاری کرد. و اگر این تفاوت ها نبود، همه مردم یکسان می شدند و هر کسی مدعی وصیت الهی می شد و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شد.

امام و جعفر کذّاب

قَدِ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرِى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلا أَدْرِى بِأَيَّةِ حَالَةٍ هِىَ لَهُ رَجَاءَ أَنْ يُتِمَّ دَعْوَاهُ؛

این مرد فاسد که به خداوند افتراهای دروغین می بندد، مدعی امامت شده است و من نمی دانم که به خاطر کدامین فضیلت امید به چنین مقامی دوخته است!؟

أَبِفِقْهٍ فِى دِينِ اللَّهِ فَوَ اللَّهِ مَا يَعْرِفُ حَلالاً مِنْ حَرَامٍ وَلا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطَاءٍ وَصَوَابٍ؛

آیا فقیه دین شناس است؟ به خدا قسم که او حلال را از حرام تشخیص نمی دهد و خطا را از درست جدا نمی کند.

أَمْ بِعِلْمٍ فَمَا يَعْلَمُ حَقّاً مِنْ بَاطِلٍ

وَلا مُحْكَماً مِنْ مُتَشَابِهٍ وَلا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلاهِ وَوَقْتَهَا؛

آیا به علم خود امیدوار شده است؟ در حالی که حق را از باطل تشخیص نمی دهد و محکم را از متشابه نمی شناسد؛ حتی او احکام نماز و اوقات آن را نمی داند!

أَمْ بِوَرَعٍ فَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلاهَ الْفَرْضَ أَرْبَعِينَ يَوْماً يَزْعُمُ ذَلِكَ لِطَلَبِ الشَّعْوَذَهِ وَلَعَلَّ خَبَرَهُ قَدْ تَأَدَّى إِلَيْكُمْ وَهَاتِيكَ ظُرُوفُ مُسْكِرِهِ مَنْصُوبَهٌ وَآثَارُ عِصْيَانِهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَشْهُورَهٌ قَائِمَهٌ؛

آیا زهد و ورعش امید امامت را در دل او کاشته است؟ خدا شاهد است که او چهل روز نماز را ترک کرد تا شعبده بازی را یاد بگیرد. شاید به این زودی ها خبر آن به شما نیز برسد.(۲۴) ظرف های شرابش در کنار هم چیده شده اند و آثار معصیت پروردگارش شناخته شده و برپاست.

أَمْ بِآيَهٍ فَلْيَأْتِ بِهَا أَمْ بِحُجَّهٍ فَلْيُقِمْهَا أَمْ بِدَلالَهٍ فَلْيَذْكُرْهَا؛

آیا نشانه ای بر امامتش دارد؟ پس بیاورد! آیا دلیل بر امامتش دارد؟ پس، اقامه کند! آیا آیه و روایتی بر امامت او دلالت می کند؟ اگر چنین است، آن را ذکر کند.

فَالْتَمِسْ تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَامْتَحِنْهُ وَسَلْهُ عَنْ آيَهٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرْهَا أَوْ صَلاهِ فَرِيضَهٍ يُبَيِّنْ حُدُودَهَا وَمَا يَجِبُ فِيهَا لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَمِقْدَارَهُ وَيَظْهَرَ لَكَ عُوَارُهُ وَنُقْصَانُهُ؛

خداوند توفیقت دهد! از این ظالم درخواست کن و او را امتحان کن و از او درباره آیه ای سؤال کن تا آن را برای تو تفسیر کند. یا از نماز بپرس تا احکام و واجبات آن را برایت توضیح دهد. تا از حال و روز او و شأن و منزلتش برایت روشن شود و ایرادات و نواقصش برایت آشکار گردد.

اراه خدا در حفظ حق

حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ

وَأَقَرَّهُ فِی مُسْتَقَرِّهِ؛

خداوند حق را برای اهلش حفظ خواهد کرد و آن را در محل خودش استقرار خواهد داد.

امام شدن دو برادر!

قَدْ أَبَی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ یَکُونَ الْإِمَامَهُ فِی أَخَوَیْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ علیه السلام؛

خداوند نمی خواهد که امامت بعد از حسن وحسین در دو برادر جمع شود.(۲۵)

عظمت امام

وَإِذَا أَذِنَ اللَّهُ لَنَا فِی الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ عَنْکُمْ؛

زمانی که خدا به ما اجازه سخن گفتن دهد، حق آشکار می شود و باطل از بین می رود و از تسلط بر شما فرو می ماند.(۲۶)

امام و توکل بر خدا

إِلَی اللَّهِ أَرْغَبُ فِی الْکِفَایَهِ وَجَمِیلِ الصُّنْعِ وَالْوِلایَهِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ؛

کفایت و رفتار نیکو و ولایت را از خدا می خواهم و او ما را کفایت می کند و چه وکیل خوبی است!

هدیه ای که امام رد کرد!(۲۷)

أَیَجُوزُ أَنْ أَمُدَّ یَداً طَاهِرَهً إِلَی هَدَایَا نَجِسَهٍ وَأَمْوَالٍ رَجِسَهٍ قَدْ شِیبَ أَحَلُّهَا بِأَحْرَمِهَا؛

آیا جایز است که دستان پاکم را به سوی هدایای نجس و آلوده دراز کنم!؟ هدایایی که حلال و حرام آن با هم مخلوط شده اند.

امام و تفسیر امّ المؤمنین بودن زنان پیامبرو حق طلاق برای حضرت امیرعلیه السلام(۲۸)

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَتَعَالَی عَظَّمَ شَأْنَ نِسَاءِ النَّبِیِ صلی الله علیه وآله فَخَصَّهُنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله یَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ هَذَا الشَّرَفَ بَاقٍ لَهُنَّ مَا دُمْنَ لِلَّهِ عَلَی الطَّاعَهِ فَأَیَّتُهُنَّ عَصَتِ اللَّهَ بَعْدِی بِالْخُرُوجِ عَلَیْکَ فَأَطْلِقْ لَهَا فِی الْأَزْوَاجِ وَأَسْقِطْهَا مِنْ شَرَفِ أُمُومَهِ الْمُؤْمِنِینَ؛

خداوند متعال به زنان پیامبر شرافت داد و آن ها را به مادر مؤمنین بودن مخصوص کرد. رسول خداصلی الله علیه وآله نیز به حضرت امیر فرمودند: ای علی! شرافت ام المؤمنین بودن مادامی است که این ها معصیت خدا را نکنند. هر کدام از آن ها که عصیان کرد و بر تو شورید، او را طلاق بده و او را از شرافت ام المؤمنین بودن ساقط کن.

اگر خدا ذلیل کند...

مَنْ أَخْزَاهُ فَقَدْ أَبْعَدَهُ وَمَنْ أَبْعَدَهُ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرَبَهُ؛

اگر خداوند قصد خوار کردن کسی را داشته باشد، او را از رحمت خود دور می کند. و هرکه خدا او را دور کرد کسی حق ندارد به او نزدیک شود.

امام و معنای فاخلع نعلیک

إِنَّ مُوسَى علیه السلام نَاجَى رَبَّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّهَ مِنِّي وَغَسَلْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَكَانَ شَدِيدَ الْحُبِّ لِأَهْلِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ أَيِ انْزِعْ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَهً وَقَلْبُكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَى مَنْ سِوَایَ مَغْسُولاً؛

زمانی که موسی علیه السلام با خدا در وادی مقدس مناجات می کرد. عرض کرد: خدایا بی تردید من تمام محبتم را برای تو خالص کردم و دلم را از محبت غیر تو شستم. این در حالی بود که او علاقه شدیدی به همسر و فرزندانش داشت. از این رو خدا فرمود: کفش هایت را در بیاور؛ یعنی اگر محبتت را برای من خالص کرده ای و دلت را از غیر من شسته ای در این صورت محبت خانواده ات را به کلّی از دلت خارج کن.(۲۹)

نام حسین و اشک روان بر گونه های زکریا!

أَنَّ زَكَرِيَّاعلیه السلام سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَسْمَاءَ الْخَمْسَهِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلَ علیه السلام فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّداً وَعَلِيّاً وَفَاطِمَهَ وَالْحَسَنَ سُرِیَ عَنْهُ هَمُّهُ وَانْجَلَى كَرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَهُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهْرَهُ فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعاً مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدْمَعُ عَيْنِي وَتَثُورُ زَفْرَتِي فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ؛

زکریاعلیه السلام از خدا خواست تا اسماء خمسه را به او بیاموزد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و آن ها را به او آموخت. زکریا هرگاه که نام های محمّد، علی، فاطمه و حسن را می برد، تمام غم و اندوهش از بین می رفت و گرفتاری اش برطرف می شد، امّا هرگاه که نام حسین را می آورد، بی اختیار اشک می ریخت و غم و اندوه دلش را فرا می گرفت. روزی به

خدا عرض کرد: الهی چرا هرگاه نام چهار تن اوّل را می برم، دلم آرام می شود، اما هرگاه نام حسین را بر زبان جاری می کنم اشکم جاری می شود و طوفانی از غم و اندوه مرا فرا می گیرد؟ پس خدا نیز او را از داستان حسین علیه السلام باخبر ساخت.

امام و تفسیر کهیعص

کهیعص فَالْکَافُ اسْمُ کَرْبَلاءَ وَالْهَاءُ هَلاکُ الْعِتْرَهِ وَالْیَاءُ یَزِیدُ وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَیْنِ وَالْعَیْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ؛

کهعیص: «کا» کربلاء، «ها» کشته شدن، عترت پیامبر، «یا» یزید است که به حسین ظلم کرد. «عین» عطش و «صاد» صبر حسین است.

حضرت یحیی علیه السلام تجسمی از امام حسین علیه السلام

فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِکَ زَکَرِیَّاعلیه السلام لَمْ یُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلاثَهَ أَیَّام وَمَنَعَ فِیهَا النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَیْهِ وَأَقْبَلَ عَلَی الْبُکَاءِ وَالنَّحِیبِ وَکَانَتْ نُدْبَتُهُ إِلَهِی أَتُفَجِّعُ خَیْرَ خَلْقِکَ بِوَلَدِهِ أَتُنْزِلُ بَلْوَی هَذِهِ الرَّزِیَّهِ بِفِنَائِهِ إِلَهِی أَتُلْبِسُ عَلِیاً وَفَاطِمَهَ ثِیَابَ هَذِهِ الْمُصِیبَهِ إِلَهِی أَتُحِلُّ کُرْبَهَ هَذِهِ الْفَجِیعَهِ بِسَاحَتِهِمَا ثُمَّ کَانَ یَقُولُ إِلَهِی ارْزُقْنِی وَلَداً تَقَرُّ بِهِ عَیْنِی عَلَی الْکِبَرِ وَاجْعَلْهُ وَارِثاً وَصِیّاً وَاجْعَلْ مَحَلَّهُ مَحَلَّ الْحُسَیْنِ فَإِذَا رَزَقْتَنِیهِ فَافْتِنِّی بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِی بِهِ کَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّداً حَبِیبَکَ بِوَلَدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ یَحْیَی علیه السلام وَفَجَّعَهُ بِهِ؛

زمانی که زکریاعلیه السلام از سرّ مسئله باخبر شد، سه روز پی در پی از محل نمازش جدا نشد و اجازه نداد کسی نزد او بیاید. مدام گریه می کرد و فریاد می کشید و می گفت: الهی آیا بهترین بندگانت را به مصیبت فرزندش گرفتار خواهی کرد!؟ آیا چنین بلایی را بر او نازل خواهی کرد!؟ الهی آیا لباس این مصیبت را به تن علی و فاطمه خواهی کرد!؟ الهی آیا آن ها را گرفتار این فاجعه خواهی نمود!؟ سپس پیوسته عرض می کرد: خدایا در این سنّ پیری فرزندی به من عطا کن و او را وارث و وصی من قرار بده و او را مانند حسین کن. زمانی که او را به من عنایت کردی، محبّت او را در دل و جان من بینداز و آن گاه مرا به مصیبت او گرفتار کن، همان طور که محمّد را که دوست

توست به مصیبت فرزندش مبتلا خواهی ساخت. خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد و یحیی را به او عنایت کرد و آن گاه پدرش را به مصیبت او گرفتار کرد.

یکی از شباهت های امام حسین و حضرت یحیی

كَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛

همان طور که یحیی شش ماه زاده شد، حسین نیز شش ماهه زاده شد.(۳۰)

انتخاب امام؛ مردم یا خدا؟

هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خِيَرَتُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لا يَعْلَمَ أَحَدٌ بِمَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلاحٍ أَوْ فَسَادٍ

قُلْتُ: بَلَى قَالَ: فَهِيَ الْعِلَّةُ؛

آیا ممکن است که انتخاب مردم اشتباه از آب دربیاید و شخص فاسدی را انتخاب کنند؟ زیرا آن ها از اعماق دل همدیگر خبر ندارند.

عرض کردم: بله ممکن است.

فرمود: علت همان است.

اشتباه موسی علیه السلام در انتخاب صالحان امّت

مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ مَعَ وُفُورِ عَقْلِهِ وَكَمَالِ عِلْمِهِ وَنُزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتَارَ مِنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَوُجُوهِ عَسْكَرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلاً مِمَّنْ لا يَشُكُّ فِي إِيمَانِهِمْ وَإِخْلاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خِيَرَتُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ؛

حضرت موسی که با خدا سخن می گفت، با آن همه عقل و علم و نزول وحی بر او، بهترین های قومش را که هفتاد تن بودند، برای میقات پروردگارش انتخاب کرد. آن ها کسانی بودند که موسی علیه السلام در ایمانشان و اخلاصشان شک نداشت. اما تمام آن ها منافق از آب در آمدند.

حق اختیار با کیست؟

أَنْ لا اخْتِيَارَ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُكِنُّ الضَّمَائِرُ وَيَتَصَرَّفُ عَلَيْهِ السَّرَائِرُ؛

حق انتخاب تنها برای کسی است که از زوایای مخفی قلب ها آگاه باشد و سراپرده پنهان افراد برای او آشکار باشد.

چرا مهاجرین و انصار حق انتخاب نداشتند؟

أَنْ لا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بَعْدَ وُقُوعِ خِيَرَهِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِی الْفَسَادِ لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلاحِ؛

انتخاب مهاجرین و انصار ارزش نخواهد داشت؛ زیرا ما دیدیم که انبیاء زمانی که قصد انتخاب مصلحین را دارند، مفسدین را انتخاب می کنند!

دلیل مسلمان شدن ابوبکر و عثمان

أَسْلَمَا طَمَعاً لِأَنَّهُمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَيَسْتَخْبِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُونَ فِی التَّوْرَاهِ وَسَائِرِ الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَهِ النَّاطِقَهِ بِالْمَلاحِمِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ مِنْ قِصَّهِ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله وَمِنْ عَوَاقِبِ أَمْرِهِ فَكَانَتِ الْيَهُودُ تَذْكُرُ أَنَّ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله يُسَلَّطُ عَلَى الْعَرَبِ كَمَا كَانَ بُخْتُ نَصَّرُ سُلِّطَ عَلَى بَنِی إِسْرَائِيلَ وَلا بُدَّ لَهُ مِنَ الظَّفَرِ بِالْعَرَبِ كَمَا ظَفَرَ بُخْتُ نَصَّرُ بِبَنِی إِسْرَائِيلَ غَيْرَ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِی دَعْوَاهُ فَأَتَيَا مُحَمَّداً فَسَاعَدَاهُ عَلَى [قَوْلِ شَهَادَهِ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبَايَعَاهُ طَمَعاً فِی أَنْ يَنَالَ كُلٌّ مِنْهُمَا مِنْ جِهَتِهِ وِلايَهَ بَلَدٍ إِذَا اسْتَقَامَتْ أُمُورُهُ وَاسْتَتَبَّتْ أَحْوَالُهُ؛

آن ها از روی طمع ایمان آورده بودند؛ زیرا آنان با یهودیان نشست و برخاست داشتند. تا آن ها از تورات و سایر کتب گذشتگان درباره سرنوشت قیام محمدصلی الله علیه وآله خبر دهند. یهودیان به آن ها گفته بودند که محمّدصلی الله علیه وآله قطعاً بر تمام عرب مسلط می شود همان طور که بخت النصر(۳۱) بر تمام بنی اسرائیل مسلط شده بود. تنها تفاوتشان در آن است که بخت النصر در ادعای خود دروغگو بود، امّا محمّدصلی الله علیه وآله صادق خواهد بود.

به همین جهت آن دو نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمدند و او را با شهادت بر یگانگی خدا یاری کردند و به خاطر طمع در این که بعد از پیروزی بر عرب آن ها را بر شهر و دیاری حکمفرما خواهد کرد، با او

بیعت کردند.

طراحی توطئه قتل پیامبر!

فَلَمَّا أَیِسَا مِنْ ذَلِکَ تَلَثَّمَا وَصَعِدَا الْعَقَبَهَ مَعَ أَمْثَالِهِمَا مِنَ الْمُنَافِقِینَ عَلَى أَنْ یَقْتُلُوهُ فَدَفَعَ اللَّهُ کَیْدَهُمْ وَرَدَّهُمْ بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْراً؛

زمانی که دیدند پیامبر آن ها را فرمانروا نکرد، صورت خود را با چند نفر دیگر پوشانیدند و از گردنه بالا رفتند تا او را به قتل برسانند. امّا خداوند حیله آن ها را برهم زد و آن ها را با عصبانیت تمام برگرداند.

دلیل بیعت طلحه و زبیر

أَتَى طَلْحَهُ وَالزُّبَیْرُ عَلِیّاًعلیه السلام فَبَایَعَاهُ وَطَمِعَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْ یَنَالَ مِنْ جِهَتِهِ وِلایَهَ بَلَدٍ فَلَمَّا أَیِسَا نَکَثَا بَیْعَتَهُ وَخَرَجَا عَلَیْهِ؛

طلحه و زبیر با علی علیه السلام بیعت کردند؛ زیرا امیدوار بودند که هر کدام به فرمانروایی شهر و دیاری برسند. به همین خاطر زمانی که مأیوس شدند، بیعتش را شکستند و بر علیه او شوریدند.

امام و سفرای او

امام و خبر مرگ عثمان بن سعید عمری رحمه الله اولین سفیر امام علیه السلام

کلمه ترجیع(۳۲)

إِنَّا لِلَّهِ ِوَإِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ تَسْلِیماً لِأَمْرِهِ وَرِضیً بِقَضَائِهِ؛

ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت؛ زیرا تسلیم امر او هستیم و راضی به قضای او می باشیم.

امام و ستایش عثمان بن سعید عمری عَاشَ أَبُوکَ سَعِیداً وَمَاتَ حَمِیداً فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَأَلْحَقَهُ بِأَوْلِیَائِهِ وَمَوَالِیهِ؛

پدرت عثمان با سعادت زیست و با ستودگی درگذشت. خداوند او را رحمت کند و او را با اولیایش ائمه معصومین علیهم السلام ملحق کند.

لَمْ یَزَلْ مُجْتَهِداً فِی أَمْرِهِمْ سَاعِیاً فِیمَا یُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَیْهِمْ نَضَّرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَهُ عَثْرَتَهُ؛

او پیوسته در اطاعت اوامرشان می کوشید و در تقرب به خدا و ایشان شتاب می کرد.خداوند او را گشاده رو کند و گرفتاری هایش را برطرف سازد.

تعزیت امام عصر به محمد بن عثمان رحمه الله در ماتم پدرش

أَجْزَلَ اللَّهُ لَکَ الثَّوَابَ وَأَحْسَنَ لَکَ الْعَزَاءَ؛

خداوند در این مصیبت به تو پاداش نیکو دهد و صبر تو را بیشتر کند.

رُزِئْتَ وَرُزِئْنا وَأَوْحَشَکَ فِرَاقُهُ وَأَوْحَشَنَا؛

مصیبت او تو و ما را داغدار کرد. دوری او تو و ما را گرفتار تنهایی ساخت.

امام و ستایش محمّد بن عثمان رحمه الله به عنوان دومین سفیر

أَنَّ مِنْ کَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَداً مِثْلَکَ یَخْلُفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَیَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَیَتَرَحَّمُ عَلَیْهِ؛

از جمله سعادت های او آن بود که خداوند فرزندی مانند تو را به او عنایت کرد تا راه او را ادامه دهد و جانشین او گردد و بر او رحمت فرستد!

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَیِّبَةٌ بِمَکَانِکَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِیکَ وَعِنْدَکَ؛

خدا را ستایش می کنم که ما را به سبب تو و آنچه که در وجود تو و نزد تو قرار داده است، آرامش بخشید.

أَعَانَکَ اللَّهُ وَقَوَّاکَ وَعَضَدَکَ وَوَفَّقَکَ وَکَانَ لَکَ وَلِیّاً وَحَافِظاً وَرَاعِیاً؛

خداوند تو را یاری کند و موفق گرداند و سرپرست و محافظ و نگهبان تو باشد.(۳۳)

تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمّد بن ابراهیم بن مهزیاررحمه الله(۳۴)

الِابْنُ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ یَزَلْ ثِقَتَنَا فِی حَیَاةِ الْأَبِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ؛

خداوند پسر عثمان را حفظ کند. او حتی در زمان پدرش مورد اطمینان کامل ما بود. خداوند از او راضی باشد... و چهره اش را خوش رو کند.

یَجْرِی عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَیَسُدُّ مَسَدَّهُ؛

محمّد در نزد من مانند پدرش است و جانشین او می باشد.

امام علیه السلام و لزوم تبعیت از منصوبین ایشان

عَنْ أَمْرِنَا یَأْمُرُ الْابْنُ وَبِهِ یَعْمَلُ تَوَلَّاهُ اللَّهُ؛

فرزند او از طرف ما امر و نهی می کند و به اوامر ما عمل می کند؛ زیرا خدا او را دوست دارد.

فَانْتَهِ إِلَی قَوْلِهِ؛

بنابراین سخن او را با جان و دل بپذیر.

عَرِّفْ مُعَامَلَتَنَا ذَلِکَ؛

متوجه جایگاه او در نزد ما باش!

مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِیُّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِیهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ ثِقَتِی وَكِتَابُهُ كِتَابِی(۳۵)

در مورد محمد بن عثمان و پدرش سؤال کرده بودی، او مورد اطمینان من است و نامه هایی که او به شما می دهد، از سوی من است.

تقدیر امام عصرعلیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر(۳۶)

نَعْرِفُهُ عَرَّفَهُ اللَّهُ الْخَیْرَ كُلَّهُ وَرِضْوَانَهُ وَأَسْعَدَهُ بِالتَّوْفِیقِ؛

حسین بن روح برای ما شناخته شده است. خداوند همه خیرات و بهشت را به او نصیب کند و بر توفیقاتش بیفزاید.

هُوَ ثِقَتُنَا بِمَا هُوَ عَلَیْهِ؛

او در نیابت مورد اعتماد من است.

أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَهِ وَالْمَحَلِّ اللَّذَیْنِ یَسُرَّانِهِ؛

او در نزد من به منزله دو نایب قبلی است.

زَادَ اللَّهُ فِی إِحْسَانِهِ إِلَیْهِ؛

خداوند عنایاتش را نسبت به او بیشتر کند.

امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمّد سمری رحمه الله

امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمّد سمری رحمه الله

خبر مرگ(۳۷)

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِیكَ فَإِنَّكَ مَیِّتٌ مَا بَیْنَكَ وَبَیْنَ سِتَّهِ أَیَّامٍ؛

ای علی بن محمّد سمری! خداوند اجر و پاداش برادرانت را که در مرگ تو سوگوار می شوند، زیاد کند. زیرا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد.

دستورات نهایی

فَأَجْمِعْ أَمْرَکَ؛

پس تمام حساب و کتاب هایت را جمع و جور کن.

لا تُوصِ إِلَی أَحَدٍ فَیَقُومَ مَقَامَکَ بَعْدَ وَفَاتِکَ؛

برای نیابت بعد از خودت به کسی وصیّت نکن.

خبر از وقوع غیبت کبری

فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَیْبَهُ التَّامَّهُ فَلا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی؛

غیبت کبری واقع شد و ظهور من تا زمانی که خدا اجازه دهد، به تأخیر افتاد.

زمان ظهور

ذَلِکَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَهِ الْقُلُوبِ وَامْتِلاءِ الْأَرْضِ جَوْراً؛

اجازه خدا زمانی صادر می شود که زمانی طولانی بگذرد و قلب ها سنگی و سخت شوند و زمین پر از ظلم و ستم گردد.

مدّعیان نیابت

سَیَأْتِی شِیعَتِی مَنْ یَدَّعِی الْمُشَاهَدَهَ؛

به زودی برخی ادعای دیدار من را خواهند کرد.

أَلا فَمَنِ ادَّعَی الْمُشَاهَدَهَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْیَانِیِّ وَالصَّیْحَهِ فَهُوَ کَذَّابٌ مُفْتَرٍ؛

آگاه باشید که اگر کسی قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار با من را داشته باشد، دروغگویی افترا زننده است.(۳۸)

امام و مدعیان دروغین نیابت

امام و مدعیان دروغین نیابت

امام و لعن احمد بن هلال کرخی(۳۹)

قَدْ کَانَتْ أَشْیَاءُ خَرَجَتْ إِلَیْکُمْ عَلَی یَدَیْ أَحْمَدَ بْنِ هِلالٍ وَغَیْرِهِ مِنْ نُظَرَائِهِ وَکَانَ مِنِ ارْتِدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلامِ مِثْلُ مَا کَانَ مِنْ هَذَا

عَلَيْهِمْ لَعَنَهُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ؛

قبل از این نیز، نامه هایی به شما ارسال شده است که از سوی احمد بن هلال و غیر او از افرادی که مانند شلمغانی مرتد شده اند و مورد لعن و غضب خدا بوده اند، می باشد.

جواز عمل به روایاتی که مدعیان دروغین قبل از انحراف نقل کرده اند

أَلا مَنِ اسْتَثْبَتَ فَإِنَّهُ لا ضَرَرَ فِی خُرُوجِ مَا خَرَجَ عَلَی أَیْدِیهِمْ وَإِنَّ ذَلِکَ صَحِیحٌ؛

بدانید که ضرری در نامه هایی که از آن ها به دستتان رسیده است، وجود ندارد؛ زیرا آن ها صحیح هستند.

امام و لعن شلمغانی(۴۰)

اعْرِفْ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَکَ وَعَرَّفَکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ وَخَتَمَ بِهِ عَمَلَکَ مَنْ تَثِقُ بِدِینِهِ وَتَسْکُنُ إِلَی نِیَّتِهِ مِنْ إِخْوَانِنَا أَدَامَ اللَّهُ سَعَادَتَهُمْ بِأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْمَعْرُوفَ بِالشَّلْمَغَانِیِّ عَجَّلَ اللَّهُ لَهُ النَّقِمَهَ وَلا أَمْهَلَهُ قَدِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلام وَفَارَقَهُ وَأَلْحَدَ فِی دِینِ اللَّهِ وَادَّعَی مَا کَفَرَ مَعَهُ بِالْخَالِقِ جَلَّ وَتَعَالَی وَافْتَرَی کَذِباً وَزُوراً وَقَالَ بُهْتَاناً وَإِثْما عَظِیماً کَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَعِیداً وَخَسِرُوا خُسْرانا مُبِیناً؛

خدا تو(۴۱) را حفظ کند و به انجام همه خیرات موفق کرده و عاقبت کارت را به خیرات ختم کند.

به تمام کسانی که اطمینان داری بگو که محمد بن علی معروف به شلمغانی - خداوند به او مهلت ندهد و سریعاً او را عذاب نماید - از اسلام برگشته و جدا شده است. او مدعی اموری شده است که با اعتقاد به آن ها کافر می شود. او سخنان باطل و دروغ های بسیاری گفته و به گناه بزرگی آلوده شده است. کسانی که از خدا رویگردان شده اند، دروغ گفته و به گمراهی شدیدی مبتلا شده اند. آن ها زیانکاران واقعی هستند.

امام و بیزاری از شلمغانی و پیروان او

إِنَّا بَرِئْنَا إِلَی اللَّهِ تَعَالَی وَإِلَی رَسُولِهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلامُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکَاتُهُ عَلَیْهِمْ مِنْهُ وَلَعَنَّاهُ عَلَیْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ تَتْرَی فِی الظَّاهِرِ مِنَّا وَالْبَاطِنِ فِی السِّرِّ وَالْجَهْرِ وَفِی کُلِّ وَقْتٍ وَعَلَی کُلِّ حَالٍ وَعَلَی مَنْ شَایَعَهُ وَتَابَعَهُ وَبَلَغَهُ هَذَا الْقَوْلُ مِنَّا فَأَقَامَ عَلَی تَوَلِّیهِ بَعْدَهُ؛

من از او به خدا و رسول خدا و خاندانش بیزاری می جویم و لعنت همیشگی خدا را برای او طلب می کنم. چه آن گاه که در معرض ما است و چه آن گاه که از ما پنهان است. در هر زمانی و در هر حالی که بوده باشد. نه تنها خودش را

که همه آنان که از او تبعیت کرده و یاری نمودند و بعد از رسیدن نامه من در دوستی خود ثابت قدم ماندند مورد لعن و نفرین من هستند.

امام و ترس از مدعیان دروغین

أَعْلِمْهُمْ تَوَلَّاكُمُ اللَّهُ أَنَّنا فِی التَّوَقِّی وَالْمُحاذَرَهِ مِنْهُ عَلَی مِثْلِ مَا كُنَّا عَلَیْهِ مِمَّنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ نُظَرَائِهِ مِنَ الشَّرِیعِیِّ وَالنُّمَیْرِیِّ وَالْهِلالِیِّ وَ الْبِلالِیِّ وَغَیْرِهِمْ؛

به آن ها بگو که من در هراس از او به سر می برم، همان طورکه از مدعیان قبل از او در هراس بودم. افرادی مانند شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و غیر آن ها.

امام و مقام تسلیم

عَادَهُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ مَعَ ذَلِكَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ عِنْدَنَا جَمِیلَهٌ وَبِهِ نَثِقُ وَإِیَّاهُ نَسْتَعِینُ؛

سنت خدای بزرگ در این موارد نزد ما زیبا و پذیرفته شده است.(۴۲) ما نیز به او اعتماد می کنیم و از او کمک می گیریم.

ادعای شلمغانی و لعن امام(۴۳)

قَدْ وَقَفْنَا عَلَی هَذِهِ الرُّقْعَهِ وَمَا تَضَمَّنَتْهُ فَجَمِیعُهُ جَوَابُنَا وَلا مَدْخَلَ لِلْمَخْذُولِ الضَّالِّ الْمُضِلِّ الْمَعْرُوفِ بِالْعَزَاقِرِیِّ لَعَنَهُ اللَّهُ فِی حَرْفٍ مِنْهُ؛

نامه و تمام مطالب آن را مطالعه کردم. همه آن ها جواب های من است و عزاقری ملعون که گمراه و گمراه کننده است، حتی در یک حرف از آن ها سهمی ندارد.

امام و علمای اسلام

حمایت امام از محمد بن جعفر(۴۴)

بِالرَّیِّ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْعَرَبِیُّ فَلْیُدْفَعْ إِلَیْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا؛

محمد بن جعفر عربی در ری است. می توانید وجوهاتتان را به او پرداخت کنید. او از افراد مورد اعتماد ماست.

امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند!(۴۵)

أَلْهَمَكَ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَجَنَّبَ مَعْصِیَتَهُ(۴۶)

خدا تو را به طاعت خودش هدایت کند و از معصیتش دور گرداند.

نصب حسن بن قاسم بن علاء به جای پدرش!

قَدْ جَعَلْنَا أَبَاكَ إِمَاماً لَکَ وَفَعَالَهُ لَکَ مِثَالًا(۴۷)

من پدرت را امام تو و اعمالش را الگوی تو قرار دادم.(۴۸)

امام و اظهار عشق و شعف به...(۴۹)

يَا اَبَا إِسْحَاقَ لَقَدْ كَانَتِ الْأَيَّامُ تَعِدُنِی وُشْكَ لِقَائِکَ وَالْمُعَاتِبُ بَيْنِی وَبَيْنَکَ عَلَى تَشَاحُطِ الدَّارِ وَتَرَاخِی الْمَزَارِ تَتَخَيَّلُ لِی صُورَتَکَ حَتَّى كَأَنْ لَمْ نَخْلُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ طِيبِ الْمُحَادَثَهِ وَخَيَالِ الْمُشَاهَدَهِ وَأَنَا أَحْمَدُ اللَّهَ رَبِّی وَلِیَّ الْحَمْدِ عَلَى مَا قَيَّضَ مِنَ التَّلَاقِی وَرَفَّهَ مِنْ كُرْبَهِ التَّنَازُعِ وَالِاسْتِشْرَافِ؛

خوش آمدی ابا اسحاق!

روزها که می گذشتند، و مژده نزدیک شدن دیدار تو را به من می دادند. اگرچه ما از هم دور بودیم. اما چهره تو همیشه در ذهن من حاضر بود. آروزی دیدار و ملاقات با شما حتی به اندازه چشم برهم زدنی از من دور نمی شد. به همین جهت خدا را ستایش می کنم که زمینه دیدار ما را فراهم کرد و رنج دوری را به آسایش وصل، خاتمه داد.

وصیت پدرم این بود...

إِنَّ أَبِی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَهِدَ إِلَیَّ أَنْ لا أُوَطِّنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَأَقْصَاهَا إِسْرَاراً لِأَمْرِی وَتَحْصِيناً لِمَحَلِّی مِنْ مَكَايِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَالْمَرَدَهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْأُمَمِ الضَّوَالِّ فَنَبَذَنِی إِلَى عَالِيَهِ الرِّمَالِ وَجُبْتُ صَرَائِمَ الْأَرْضِ؛

پدرم صلوات اللَّه علیه با من عهد کرد که در مخفی ترین و دورترین مناطق ساکن شوم. تا در محل زندگی ام از شر حیله های دشمنان و گمراهان در امان بمانم. به این دلیل خدا محل زندگی ام را در بلندای تپه های رملی قرار داد و مرا ساکن ریگزارهای زمین کرد.

من منتظرم!

تُنْظِرُنِی الْغَايَهُ الَّتِی عِنْدَهَا يَحِلُّ الْأَمْرُ وَيَنْجَلِی الْهَلَعُ؛

منتظر زمان ظهور باشم. تا فرج فرا برسد و وحشت حکمفرما گردد.

انتقال علم امامت

كَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْبَطَ لِی مِنْ خَزَائِنِ الْحِكَمِ وَكَوَامِنِ الْعُلُومِ مَا إِنْ أَشَعْتُ إِلَيْکَ مِنْهُ جُزْءاً أَغْنَاکَ عَنِ الْجُمْلَهِ؛

پدرم صلوات اللَّه علیه گنجینه هایی از علم را برایم جوشانید که اگر تنها پرده از روی برخی از آن ها بردارم، از تمام علوم بی

نیاز خواهی شد.

وصیت های پدرم

إِعْلَمْ يَا اَبَا إِسْحَاقَ! أَنَّهُ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْلِيَ أَطْبَاقَ أَرْضِهِ وَأَهْلَ الْجِدِّ فِی طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ بِلا حُجَّهٍ يُسْتَعْلی بِهَا وَإِمَامٍ يُؤْتَمُّ بِهِ وَيُقْتَدَی بِسُبُلِ سُنَّتِهِ وَمِنْهَاجِ قَصْدِهِ؛

ای ابا اسحاق! پدرم صلوات اللّه علیه فرمود:

پسرم! هیچ گاه خداوند متعال زمین و بندگان صالحش را از حجتی که با آن کمال یابند و امامی که به او اقتدا کنند و روش او را الگوی خود قرار دهند و به نور وجودش هدایت شوند، خالی نخواهد گذاشت.

أَرْجُو يَا بُنَيَّ! أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِنَشْرِ الْحَقِّ وَطَيِّ الْبَاطِلِ وَإِعْلاءِ الدِّينِ وَإِطْفَاءِ الضَّلالِ؛

پسرم! امیدوارم که تو یکی از آن هایی باشی که خداوند آن ها را برای انتشار حق و برچیدن باطل و راست کردن قامت دین و خاموش کردن شعله های گمراهی ذخیره کرده است.

فَعَلَيْکَ يَا بُنَيَّ! بِلُزُومِ خَوَافِي الْأَرْضِ وَتَتَبُّعِ أَقَاصِيهَا فَإِنَّ لِكُلِّ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُدُّواً مُقَارِعاً وَضِدّاً مُنَازِعاً افْتِرَاضاً لِمُجَاهَدَهِ أَهْلِ نِفَاقِهِ وَخِلافِهِ أُولِي الإِلْحَادِ وَالْعِنَادِ؛

پسرم! نقاط مخفی و دور از دسترس زمین را برای زندگی انتخاب کن؛ زیرا برای هر یک از اولیای خدا دشمنی قدرتمند و ضدی جنگ طلب وجود دارد. تا امام با آن ها که اهل نفاق و الحاد و دشمنی هستند مبارزه و جهاد کند.

اصحاب امام زمان علیه السلام در دوره غیبت از زبان امام حسن عسکری

مؤمنان مانند پرنده به دنبال لانه می گردند

فَلا يُوحِشَنَّکَ ذَلِکَ وَاعْلَمْ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَهِ وَالْإِخْلاصِ نُزَّعٌ إِلَيْکَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْكَارَهَا وَهُمْ مَعْشَرٌ؛

اگرچه این دشمنان هستند، از آن ها نترس؛ زیرا تو تنها نیستی. بدان که دل های بندگان خالص خدا شیفته به دنبال توست، همان طور که پرندگان مهاجر با شور و شوق و دسته جمعی به سوی لانه های خود حرکت می کنند.

ذّلت را تحمل می کنند

يَطْلُعُونَ بِمَخَائِلِ الذِّلَّهِ وَالِاسْتِكَانَهِ وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَرَرَهٌ أَعِزَّاءُ؛

آنان ذلت و خواری را احساس می کنند، اما در نزد خدا عزیز و بزرگوارند.

اهل قناعتند

يَبْرُزُونَ بِأَنْفُسٍ مُخْتَلَّهٍ مُحْتَاجهٍ وَهُمْ أَهْلُ الْقَنَاعَهِ وَالِاعْتِصَامِ؛

افراد محتاجی به نظر می رسند، در حالی که آن ها اهل قناعت و بزرگواری هستند.

دین شناسند

اسْتَنْبَطُوا الدِّينَ فَوَازَرُوهُ عَلَى مُجَاهَدَهِ الْأَضْدَادِ؛

دین را به خوبی آموخته اند و در جهاد برعلیه دشمنان از آن کمک می گیرند.

سنگ زیرین آسیاب

خَصَّهُمُ اللَّهُ بِاحْتِمَالِ الضَّيْمِ لِيَشْمُلَهُمْ بِاتِّسَاعِ الْعِزِّ فِي دَارِ الْقَرَارِ؛

خدا آن ها را مبتلا به ظلم کرده است تا در روز رستاخیر به عزت کامل برسند.

بسیار صبورند

جَبَلَهُمْ عَلَى خَلائِقِ الصَّبْرِ لِتَكُونَ لَهُمُ الْعَاقِبَهُ الْحُسْنَى وَكَرَامَهُ حُسْنِ الْعُقْبَى؛

آن ها را صبور آفریده است تا حیات نیکو و بزرگواری آخرت را نصیبشان نماید.

توصیه های پدر

حکمت صبر

اقْتَبِسْ يَا بُنَيَّ! نُورَ الصَّبْرِ عَلَى مَوَارِدِ أُمُورِكَ تَفُزْ بِدَرْكِ الصُّنْعِ فِي مَصَادِرِهَا؛

پسرم! از نور صبر در انجام کارها کمک بگیر تا هر کاری را در محل و زمان مناسب آن انجام دهی.

عزت در لابلای حوادث

اسْتَشْعِرِ الْعِزَّ فِيمَا يَنُوبُكَ تُحْظَ بِمَا تُحْمَدُ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

عزت را در اتفاقاتی که برایت می افتد، جستجو کن تا ستوده شوی. ان شاء اللّه.

ظهورت نزدیک است!

كَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ! بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ قَدْ آنَ وَتَيْسِيرِ الْفَلَجِ وَعُلُوِّ الْكَعْبِ قَدْ حَانَ؛

پسرم! تو به نصرت الهی نزدیک شده ای و روزگار رستگاری و بلند مرتبگی نزدیک شده ای.

پرچم هایت را می بینم

كَأَنَّكَ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَالْأَعْلامِ الْبِيضِ تَخْفِقُ عَلَى أَثْنَاءِ أَعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَزَمْزَمَ؛

گویا می بینم که پرچم های زرد در اطراف تو و در میان حطیم و زمزم نصب شده است.

شیعیان دورت حلقه زده اند

كَأَنَّكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَهِ وَتَصَافِى الْوَلاءِ يَتَنَاظَمُ عَلَيْكَ تَنَاظُمَ الدُّرِّ فِى مَثَانِى الْعُقُودِ وَتَصَافُقِ الْأَكُفِّ عَلَى جَنَبَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَد تَلُوذُ بِفِنَائِكَ مِنْ مَلإٍ؛

گویا می بینم که یارانت به سبب بیعت های محکم و صفای ولایت و دوستی به صورت منظم مانند دانه های تسبیح، در کنار تو چیده شده اند. آن ها در کنار حجرالاسود از سر شوق به تو هجوم می آورند. به گونه ای که از شدت ازدحام دست هایشان به هم می خورد.

عنایت خدا به یاران تو

بَرَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَهِ الْوَلاءِ وَنَفَاسَهِ التُّرْبَهِ مُقَدَّسَهٌ؛

خداوند آن ها را به واسطه طهارت ولایت و طینت نفیس، پاک گردانیده است.

قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النِّفَاقِ مُهَذَّبَهٌ؛

دل هایشان از آلودگی دورویی خالی است.

أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ رِجْسِ الشِّقَاقِ لَيِّنَهٌ؛

ارواحشان از پلیدی مخالفت، پاک و نرم است.

عَرَائِكُهُمْ لِلدِّينِ خَشِنَهٌ؛

خلقتشان در عمل به دین، خشن و استوار است.

ضَرَائِبُهُمْ عَنِ الْعُدْوَانِ وَاضِحَهٌ بِالْقَبُولِ؛

خلق و خویشان از دشمنی کردن با حسن قبول پاک شده است.

أَوْجُهُهُمْ نَضْرَةٌ بِالْفَضْلِ؛

سیمایشان از فضل خدا، گشاده است.

عِيدَانُهُمْ يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ؛

متدین به دین حق می باشند.

فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ وَتَقَوَّمَتْ أَعْمَادُهُمْ قُدَّتْ بِمُكَاثَفَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأُمَمِ؛

زمانی که قوای آن ها محکم و استوار شود، دشمنان اسلام متفرق خواهند شد.

إِذْ تَبِعَتْكَ فِي ظِلالِ شَجَرَةٍ دَوْحَةٍ بَسَقَتْ أَفْنَانُ غُصُونِهَا عَلَى حَافَاتِ بُحَيْرَةِ الطَّبَرِيَّهِ فَعِنْدَهَا يَتَلأْلأُ صُبْحُ الْحَقِّ وَيَنْجَلِي ظَلامُ الْبَاطِلِ؛

زمانی که آن ها در سایه درختی که شاخه های آن تا اطراف بحیره طبریه را گرفته است، دور تو را بگیرند، صبح حق طلوع می کند و ظلمت جای خود را به روشنایی می دهد.

خدا به به واسطه تو ...

يَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ وَيُعِيدُ مَعَالِمَ الإِيمَانِ وَيُظْهِرُ بِكَ أَسْقَامَ الْآفَاقِ وَسَلامَ الرِّفَاقِ؛

خداوند به واسطه تو سرکشی را کم می کند و نشانه های ایمان را باز می گرداند و بیماری دشمنان و سلامتی دوستانت بر همگان روشن می شود.

تَهْتَزُّ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بَهْجَةً وَتُهَزُّ بِكَ أَغْصَانُ الْعِزِّ نَضْرَةً وَتَسْتَقِرُّ بَوَانِي الْعِزِّ فِي قَرَارِهَا؛

تمام دنیا را شادی و سرور فرا می گیرد. شاخه های عزت و سربلندی به اهتزاز در می آیند و بانیان این عزت در جایگاه خودشان قرار می گیرند.

تَئُوبُ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا؛

دشمنان دین به لانه های خود می خزند.

يَتَهَاطَلُ عَلَيْكَ سَحَائِبُ الظَّفَرِ فَتَخْنُقُ كُلَّ عَدُوٍّ وَتَنْصُرُ كُلَّ وَلِيٍّ؛

ابرهای پیروزی به سوی تو می آیند پس عرصه را بر دشمنانت تنگ می کنی و

دوستانت را یاری می نمایی.

فَلا یَبْقَی عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ وَلا جَاحِدٌ غَامِطٌ وَلا شَانِئٌ مُبْغِضٌ وَلا مُعَانِدٌ کَاشِحٌ؛

در نتیجه هیچ متکبر ظالم، منکر خوار، عیب جوی کینه توز و لجوج کینه ورز بر روی زمین نخواهد ماند.

کودکان و شوق دیدار

یَوَدُّ الطِّفْلُ فِی الْمَهْدِ لَوِ اسْتَطَاعَ إِلَیْکَ نُهُوضاً؛

کودکان در گهواره های خود آروزی آمدن به سوی تو را می کنند.

حیوانات وحشی در جستجوی راه

نواسط [نَوَاشِطُ] الْوَحْشِ لَوْ تَجِدُ نَحْوَکَ مَجَازاً؛

وحوش بیابان اگر راهی برای دیدارت می یافتند، درنگ نمی کردند.

إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ قَدْراً؛

زیرا خداوند اراده خودش را محقق می کند و برای هر چیز حدود و ضوابطی قرار داده است.(۵۰)

به نامحرمان نگو!

یَا أَبَا إِسْحَاقَ! لِیَکُنْ مَجْلِسِی هَذَا عِنْدَکَ مَکْتُوماً إِلَّا عَنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْأُخُوَّهِ الصَّادِقَهِ فِی الدِّینِ؛

ای ابا اسحاق! ماجرای این دیدار را از دیگران مخفی کن. مگر از اهل صدق و برادرانی که در دینشان صادقند.

وظایف شیعیان در هنگام ظهور

إِذَا بَدَتْ لَکَ أَمَارَاتُ الظُّهُورِ وَالتَّمْکِینِ فَلا تُبْطِئ بِإِخْوَانِکَ عَنَّا وَبِأَهْلِ الْمُسَارَعَهِ إِلَی مَنَارِ الْیَقِینِ وَضِیَاءِ مَصَابِیحِ الدِّینِ تَلْقَ رُشْداً إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

زمانی که نشانه های ظهور پیدا شد، از دوستانت که به سوی ما می آیند، عقب نمان، کسانی که به سوی نور یقین و روشنایی چراغ های دین می شتابند. در این صورت هدایت خواهی شد. ان شاء اللّه

امام به فکر همه چیز است!

یَا أَبَا إِسْحَاقَ! اسْتَعِنْ بِهِ عَلَی مُنْصَرِفِکَ فَإِنَّ الشُّقَّهَ قُذْفَهٌ وَفَلَوَاتِ الْأَرْضِ أَمَامَکَ جُمَّهٌ وَلا تَحْزَنْ لِإِعْرَاضِنَا عَنْهُ فَإِنَّا قَدْ أَحْدَثْنَا لَکَ

شُکْرَهُ وَنَشْرَهُ وَأَرْبَضْنَاهُ عِنْدَنَا بِالتَّذْکِرَهِ وَقَبُولِ الْمِنَّهِ؛

ای ابا اسحاق! آن ها را خرج راهت کن، چون سختی ها و بیابان ها در پیش است.

از این که هدیه های شما را نپذیرفتم ناراحت نشو! زیرا ما پول نگرفته از تو قدردانی کردیم و از این لطف تو یاد خواهیم کرد. (۵۱)

امام و دعای ابراهیم بن مهزیار

فَتَبَارَکَ اللَّهُ لَکَ فِیمَا خَوَّلَکَ وَأَدَامَ لَکَ مَا نَوَّلَکَ وَکَتَبَ لَکَ أَحْسَنَ ثَوَابِ الْمُحْسِنِینَ وَأَکْرَمَ آثَارِ الطَّائِعِینَ فَإِنَّ الْفَضْلَ لَهُ وَمِنْهُ؛

خداوند به دارایی ات برکت دهد و برایت حفظ کند و بهترین ثواب نیکوکاران را به تو ارزانی دارد و کریمانه ترین اعمال فرمانبرداران را برایت بنویسد، چون تمام عنایات متعلق به او و از اوست.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ یَرُدَّکَ إِلَی أَصْحَابِکَ بِأَوْفَرِ الْحَظِّ مِنْ سَلامَهِ الأَوْبَهِ وَأَکْنَافِ الْغِبْطَهِ بِلِینِ الْمُنْصَرَفِ؛

از خدا می خواهم تا تو را با سلامتی کامل به دوستانت ملحق کند و بازگشتت را آسان نماید.

لا أَوْعَثَ اللَّهُ لَکَ سَبِیلاً وَلا حَیَّرَ لَکَ دَلِیلاً وَاسْتَوْدِعْهُ نَفْسَکَ وَدِیعَهً لا تَضِیعُ وَلا تَزُولُ بِمَنِّهِ وَلُطْفِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

راهت را سخت و نشانه های راه را مبهم نکند. خودت را به امانت نزد خدا بسپار تا از فضل خدا تلف نشوی.ان شاء اللَّه

امام و قناعت پیشگی

یَا أَبَا إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ قَنَّعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَفَوَائِدِ امْتِنَانِهِ؛

ای ابا اسحاق! خدا ما را به عنایات خودش قانع کرده است.

محبت و نصیحت خالصانه

صَانَ أَنْفُسَنَا عَنْ مُعَاوَنَهِ الْأَوْلِیَاءِ إِلاَّ عَنِ الإِخْلاصِ فِی النِّیَّهِ وَإِمْحَاضِ النَّصِیحَهِ وَالْمُحَافَظَهِ عَلَی مَا هُوَ أَتْقَی وَأَبْقَی وَأَرْفَعُ ذِکْراً؛

روح و جانمان را مصونیت بخشید تا دوستانمان را نه از سر طمع که از سر اخلاص و خیرخواهی و به قصد رسیدن به ثواب الهی که ماندگارتر و رفیع تر است، یاری کنیم.

فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفیدرحمه الله(۵۲)

نامه امام به برادرش!(۵۳)

لِلْأَخِ السَّدِیدِ وَالْوَلِیِّ الرَّشِیدِ الشَّیْخِ الْمُفِیدِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَازَهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَی الْعِبَادِ؛

نامه ای به برادر مستحکم در ایمان و دوست کامل شیخ مفید ابی عبداللّه محمد بن محمد بن نعمان که خداوند عزت او را به خاطر عهدی که بر بندگانش گرفته است، پایدار گرداند.

سَلامٌ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْمَوْلَی الْمُخْلِصُ فِی الدِّینِ الْمَخْصُوصُ فِینَا بِالْیَقِینِ فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَیْکَ اللَّهَ الَّذِی لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ؛

سلام بر تو ای دوستی که در دین خود خالص شده ای و در یقین به ولایت ما مورد توجه خاص بوده ای. ما به خاطر داشتن دوستی مثل تو، خدای یکتا را سپاس می گوییم.

أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِیقَکَ لِنُصْرَهِ الْحَقِّ وَأَجْزَلَ مَثُوبَتَکَ عَلَی نُطْقِکَ عَنَّا بِالصِّدْقِ؛

خداوند توفیق تو را در یاری دین خود، بیشتر کند و اجر و پاداشت را به خاطر سخنان صادقانه ات، درباره ما افزایش دهد.

خدا اجازه داد تا نامه بنویسم

أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِی تَشْرِیفِکَ بِالْمُکَاتَبَهِ وَتَکْلِیفِکَ مَا تُؤَدِّیهِ عَنَّا إِلَی مَوَالِینَا قِبَلَکَ أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَکَفَاهُمُ الْمُهِمَّ بِرِعَایَتِهِ لَهُمْ وَحِرَاسَتِهِ؛

لازم است به اطلاعتان برسانم که به من اجازه داده شده است تا شما را با نوشتن نامه تکریم کنم و طی آن شما را مکلف به ابلاغ پیام ما به شیعیانی که نزدتان هستند، بکنم. خداوند آن ها را با فرمانبرداری از خویش عزت بخشد و مشکلات ایشان را برطرف کند.

نامه را به دیگران هم بده

فَقِفْ أَمَدَّکَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَی أَعْدَائِهِ الْمَارِقِینَ مِنْ دِینِهِ عَلَی مَا نَذْکُرُهُ وَاعْمَلْ فِی تَأْدِیَتِهِ إِلَی مَنْ تَسْکُنُ إِلَیْهِ بِمَا نَرْسِمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

خداوند متعال شما را با نصرت و یاری خود بر دشمنانش مسلط گرداند. چیزی را که برایتان می نویسم مطالعه کنید و آن را به دوستان مورد اعتمادتان برسانید. ان شاء اللّه.

محل زندگی امام زمان علیه السلام

کُنَّا ثَاوِینَ بِمَکَانِنَا النَّائِی عَنْ مَسَاکِنِ الظَّالِمِینَ حَسَبَ الَّذِی أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَی لَنَا مِنَ الصَّلاحِ وَلِشِیعَتِنَا الْمُؤْمِنِینَ فِی ذَلِکَ مَا دَامَتْ دَوْلَهُ الدُّنْیَا لِلْفَاسِقِینَ؛

محل زندگی ما تا زمانی که حکومت های ظلم پابرجا هستند، به خاطر مصلحت ما و شیعیانمان از ظالمان دور است.

امام و آگاهی از حوادث

فَإِنَّا یُحِیطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَائِکُمْ وَلا یَعْزُبُ عَنَّا شَیْ ءٌ مِنْ أَخْبَارِکُمْ؛

ما از اخبار شما اطلاع کاملی داریم و هیچ یک از اتفاقاتی که برای شما می افتد از ما مخفی نمی ماند.

امام و لغزش امت

مَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِی أَصَابَکُمْ مُذْ جَنَحَ کَثِیرٌ مِنْکُمْ إِلَی مَا کَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً؛

از لغزش های شما باخبریم. از زمانی که بسیاری از شما از روش گذشتگان صالحتان دور شدید.

گلایه از پیمان شکنی شیعیان

نَبَذُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ مِنْهُمْ وَراءَ ظُهُورِهِمْ کَأَنَّهُمْ لا یَعْلَمُونَ؛

عهد خدا را در تبیعت از ما به دست فراموشی سپردید! گویا نمی دانید

امام همیشه بیدار

إِنَّا غَیْرُ مُهْمِلِینَ لِمُرَاعَاتِکُمْ وَلا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ وَلَوْ لا ذَلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَکُمُ الْأَعْدَاءُ؛

ما در رسیدگی به مسائل شما کوتاهی نمی کنیم و همیشه به یاد شما هستیم اگر چنین نبود حوادث و بلایا شما را احاطه می کردند و دشمنان، شما را نابود می کردند.

وظایف شیعیان در کمک به خودشان

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَی انْتِیاشِکُمْ مِنْ فِتْنَهٍ قَدْ أَنَافَتْ عَلَیْکُمْ؛

بنابراین از خدا بترسید و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه های آینده، یاری کنید.

نشانه قیام

هِیَ أَمَارَهٌ لِأُزُوفِ حَرَکَتِنَا وَمُبَاثَّتِکُمْ بِأَمْرِنَا وَنَهْیِنَا وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ... وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ؛

فتنه ها، نشانه های شروع حرکت ما(۵۴) و اقدامات انقلابی شما به امر و نهی ما است. خداوند نور هدایتش را بر سرتاسر گیتی کامل خواهد کرد. اگر چه مشرکین از به آن راضی نباشند.(۵۵)

وظایف شیعیان و تقیه

اعْتَصِمُوا بِالتَّقِیَّهِ مِنْ شَبِّ نَارِ الْجَاهِلِیَّهِ یَحْشُشْهَا عَصَبٌ أَمَوِیَّهٌ تَهُولُ بِهَا فِرْقَهً مَهْدِیَّهً؛

در برابر شعله های آتش جاهلیت که توسط جریانات اموی(۵۶) برافروخته خواهد شد، به تقیه پناه ببرید؛(۵۷) زیرا هدف آن ها آسیب زدن به فرقه هدایت یافته شیعه است.

من ضامن نجات عاقل ها هستم!

أَنَا زَعِیمٌ بِنَجَاهِ مَنْ لَمْ یَرُمْ مِنْهَا الْمَوَاطِنَ الْخَفِیَّهَ وَسَلَکَ فِی الطَّعْنِ مِنْهَا السُّبُلَ الرَّضِیَّهَ؛

من نجات کسانی را ضمانت می کنم که در این جریانات مخفیگاه های خود را ترک نکنند و در تبلیغات علیه آنان روش های ملایم تری را اتخاذ نماید.

وظایف شیعیان و دستورالعمل امام علیه السلام

فَیَعْمَلُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْکُمْ مَا یَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِیَتَجَنَّبَ مَا یُدْنِیهِ مِنْ کَرَاهِیَتِنَا وَسَخَطِنَا؛

به دنبال کارهایی بروید که شما را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از کارهایی که باعث دوری و خشم و غضب ما می شوند، کناره گیری کنید.(۵۸)

دعای برادر

وَاللَّهُ یُلْهِمُکَ الرُّشْدَ وَیَلْطُفُ لَکُمْ بِالتَّوْفِیقِ بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند متعال تو را هدایت کند و توفیقاتت را افزون گرداند.

نامه امام به برادر

هَذَا کِتَابُنَا عَلَیْکَ أَیُّهَا الْأَخُ الْوَلِیُّ وَالْمُخْلِصُ فِی وُدِّنَا الصَّفِیُّ وَالنَّاصِرُ لَنَا الْوَفِیُّ حَرَسَکَ اللَّهُ بِعَیْنِهِ الَّتِی لا تَنَامُ فَاحْتَفِظْ بِهِ؛

این نوشته ما به شماست، ای برادر عزیزی که در محبت ما خالص شده ای و با تهذیب نفس خود ما را یاری می کنی. خداوند تو را با علم همیشه تابانش حفظ کند.

کسی که مایه مباهات امام است!(۵۹)

سَلامٌ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ الدَّاعِی إِلَی کَلِمَهِ الصِّدْقِ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ إِلَیْکَ؛

سلام بر تو ای یاور حق و منادی اسلام! ما همیشه خدا را به خاطر داشتن دوستانی چون تو سپاس می گوییم.

فَقَدْ کُنَّا نَظَرْنَا مُنَاجَاتَکَ؛

ما به مناجات تو توجه کردیم.(۶۰)

حفظ اسرار از نامحرمان

لا تُظْهِرْ عَلَى خَطِّنَا الَّذِی سَطَرْنَاهُ بِمَا لَهُ ضَمِنَّاهُ أَحَداً وَأَدِّ مَا فِیهِ إِلَى مَنْ تَسْکُنُ إِلَیْهِ وَأَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَیْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

مراقب نامه باش و آن را به کسی نشان نده. مگر این که از افراد کاملاً مطمئن بوده باشند. در ضمن به آن ها بگو که به مطالب آن عمل کنند. ان شاء اللَّه

امام خانه به دوش

شَفَّعَنَا ذَلِکَ الْآنَ مِنْ مُسْتَقَرٍّ لَنَا یُنْصَبُ فِی شِمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءَ [بُهْمَى] صِرْنَا إِلَیْهِ آنِفاً مِنْ غَمَالِیلَ أَلْجَأَ إِلَیْهِ السَّبَارِیتُ مِنَ الْإِیمَانِ وَیُوشِکُ أَنْ یَکُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَحْصَحٍ مِنْ غَیْرِ بُعْدٍ مِنَ الدَّهْرِ وَلَا تَطَاوُلٍ مِنَ الزَّمَانِ؛

من این نامه را از بلندای کوهی که برای سکونت انتخاب کرده ایم، برایت می نویسم. ما تازه به اینجا آمده ایم. قبلاً در منطقه خوش آب و هوا و خرامانی زندگی می کردیم. اما مردمانی بی تقوا بدانجا آمدند. از این رو ما آنجا را ترک کردیم. البته به زودی به دشتی که نزدیک آبادی است خواهیم رفت.

امام و خبر دادن از آینده

یَأْتِیکَ نَبَأٌ مِنَّا بِمَا یَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِکَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ الزُّلْفَهِ إِلَیْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوَفِّقُکَ لِذَلِکَ بِرَحْمَتِهِ فَلْتَکُنْ حَرَسَکَ اللَّهُ بِعَیْنِهِ الَّتِی لَا تَنَامُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِکَ فَفِیهِ تُبْسَلُ نُفُوسُ قَوْمٍ حَرَثَتْ بَاطِلاً لِاسْتِرْهَابِ الْمُبْطِلِینَ وَتَبْتَهِجُ لِدَمَارِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَیَحْزَنُ لِذَلِکَ الْمُجْرِمُونَ؛

از اتفاقات آینده،(۶۱) به تو خبر می دهم. تا اولاً بدانی که به واسطه اعمال صالحی که خداوند توفیق داده، جزو مقرّبان ما شده ای؛ و از سوی دیگر خودت را برای آن ها آماده کنی. حوادثی که دشمنان را در هم می شکند و رنجور می کند و دوستان را خوشحال و مسرور می سازد.

نشانه های قیام

آیَهُ حَرَکَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللُّوثَهِ حَادِثَهٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ مُسْتَحِلٍّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ یَعْمِدُ بِکَیْدِهِ أَهْلَ الْإِیمَانِ وَلَا یَبْلُغُ بِذَلِکَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانِ لِأَنَّنَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالدُّعَاءِ الَّذِی لَا یُحْجَبُ عَنْ مَلِکِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلْیَطْمَئِنَّ بِذَلِکَ مِنْ أَوْلِیَائِنَا الْقُلُوبُ وَلْیَثِقُوا بِالْکِفَایَهِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ؛

نشانه شروع حرکت ما حادثه ای است که در مکه مکرمه رخ می دهد و منافقی پست که ریختن خون مسلمانان را حلال می داند، بر اهل ایمان غلبه پیدا می کند. اما به آرزوی خودش در قتل و غارت ایشان نمی رسد؛ زیرا دعای مستجاب و قطعی ما از پشت سر آن ها را پشتیبانی می کند. بنابراین دل هایشان به این پیروزی قرص و محکم باشد و بدانند که خدا آن ها را کفایت

و یاری می کند. البته مشکلاتی خواهند داشت.

وظایف شیعیان و سرنوشت آن ها

الْعَاقِبَهُ لِجَمِیلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَکُونُ حَمِیدَهً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهِیَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ؛

اگر شیعیان ما از معصیت دوری کنند، پایان کار طبق حکمت خداوند متعال به نفع آنان خواهد بود.

وظایف شیعیان و ضمانت امام

نَحْنُ نَعْهَدُ إِلَیْکَ أَیُّهَا الْوَلِیُّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِینَا الظَّالِمِینَ أَیَّدَکَ اللَّهُ بِنَصْرِهِ الَّذِی أَیَّدَ بِهِ السَّلَفَ مِنْ أَوْلِیَائِنَا الصَّالِحِینَ أَنَّهُ مَنِ اتَّقَی رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِکَ فِی الدِّینِ وَخَرَجَ عَلَیْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ کَانَ آمِناً مِنَ الْفِتْنَهِ الْمُظِلَّهِ وَمِحَنِهَا الْمُظْلِمَهِ الْمُضِلَّهِ وَمَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَی مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ یَکُونُ خَاسِراً بِذَلِکَ لِأُولاهُ وَآخِرَتِهِ؛

ای دوست مخلص و مجاهد در راه ما در برابر ظالمان – خداوند شما را با همان نیرویی که گذشتگان از دوستان صالحمان را یاری کرد، تقویت کند – من تعهد می کنم اگر برادران دینی ات تقوا پیشه کنند و حقوق واجبی که به گردن دارند به مستحقان آن ها بدهند، از این فتنه های سیاه و گرفتاری های گمراه کننده با آسایش نجات پیدا کنند. اما کسی که نعمت های خدا را که در دست او به عاریت سپرده است، از مستحقّان بخل بورزد، در این صورت در دنیا و آخرت زیان خواهد کرد.

وظایف شیعیان و دلیل تأخیر ظهور

لَوْ أَنَّ أَشْیَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَی اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَهُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَی حَقِّ الْمَعْرِفَهِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛

اگر شیعیان ما – که خداوند آن ها را به اطاعت خود موفق کند. – با دل های همراه و بهم پیوسته به عهد ما وفا می کردند، برکت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت و شناخت و صداقت در اعمال به زودی نصیبشان می شد.

مَا یَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلاَّ مَا یَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَکْرَهُهُ وَلا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ؛

آری خبر اعمال زشت و ناپسندی که از آن ها به ما می رسد، باعث کنارگیری ما از آن ها می شود.

امام و نامه به برادر

هَذَا کِتَابُنَا إِلَیْکَ أَیُّهَا الْوَلِیُّ الْمُلْهَمُ لِلْحَقِّ الْعَلِیُّ بِإِمْلائِنَا وَخَطِّ ثِقَتِنَا فَأَخْفِهِ عَنْ کُلِّ أَحَدٍ وَاطْوِهِ وَاجْعَلْ لَهُ نُسْخَهً یَطَّلِعُ عَلَیْهَا مَنْ تَسْکُنُ إِلی أَمَانَتِهِ مِنْ أَوْلِیَائِنَا شَمِلَهُمُ اللَّهُ بِبَرَکَتِنَا وَدُعَائِنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

ای دوست هدایت یافته به نور حقیقت، این نوشته نامه ای است که با بیان من و خط یکی از نزدیکانم نوشته شده است.

بنابراین آن را از دیگران مخفی کن و از آن رونویسی کن و در اختیار دوستان مورد اطمینانت قرار بده. ان شاء اللّه که خداوند متعال آن هارا مشمول برکات و عنایات ما قرار دهد.

امام زمان علیه السلام در رثای شیخ مفیدرحمه الله(۶۲)

لا صوت الناعی بفقدک انه یوم علی آل الرسول عظیم ان کنت قد غیبت فی جدث الثری فالعلم والتوحید فیک مقیم والقائم المهدی یفرح کلما

تلیت علیک من الدروس علوم ای کاش صدای مرثیه خوانان در مرگ تو بلند نمی شد؛ زیرا این روز، روزی است که بر خاندان رسول خدا بسیار سنگین و دشوار است.

اگر تو در میان خاک ها پنهان شدی، در واقع علم و توحید نیز با تو مدفون شد.(۶۳) مهدی قائم هرگاه که صدای طلبه هایت را می شنید که علوم الهی را در نزد تو می خواندند، خوشحال می شد.(۶۴)

دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت اللّه اصفهانی(۶۵)

قُلْ لَهُ رَخِّصْ نَفْسَکَ وَاجْعَلْ مِجْلِسَکَ فِی الدِهلِیزْ وَاقْضِ حَوائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُکَ؛

به او بگو: خودت را در دسترس همه قرار بده و دهلیز خانه ات را محل نشستنت قرار بده و حاجت های مردم را برآور. نگران نباش ما یاری ات می کنیم.(۶۶)

توقیعات فقهی

امام و انکار نسبت فامیلی با خدا(۶۷)

لَیْسَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَیْنَ أَحَدٍ قَرَابَهٌ مَنْ أَنْکَرَنِی فَلَیْسَ مِنِّی وَسَبِیلُهُ سَبِیلُ ابْنِ نُوحٍ؛

میان خدا و هیچ یک از مخلوقاتش نسبت فامیلی وجود ندارد. از این رو کسانی که از نزدیکانم، وصیت مرا انکار می کنند، مثلش مثل پسر نوح است.(۶۸)

امام و مَثَلِ جعفر

وَأَمَّا سَبِیلُ عَمِّی جَعْفَرٍ وَوُلْدِهِ فَسَبِیلُ إِخْوَهِ یُوسُفَ علیه السلام؛

امّا(۶۹) راه عمویم جعفر و فرزندانش همان راه براداران یوسف است.(۷۰)

حکم آبجو

وَأَمَّا الْفُقَّاعُ فَشُرْبُهُ حَرَامٌ؛

اما خوردن آب جو حرام است.

شرایط وجوهات مورد قبول امام

وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ؛

اما وجوهات شرعیه؛ اگر ما آن ها را می پذیریم به خاطر آن است که اموال شما پاک شود. با این حساب هر کسی که می خواهد بدهد و هر کسی که نمی خواهد ندهد.(۷۱) چون آنچه که خداوند متعال به ما می دهد، بهتر از آن چیزی است که شما می دهید.

زمان ظهور

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛

اما زمان ظهور من به دست خداست و کسانی که برای آن تعیین وقت کنند، دروغ می گویند.

تحریف عاشورا

وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام لَمْ يُقْتَلْ فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلالٌ؛

اما کسی که گفته است حسین علیه السلام کشته نشده است، سخن کفرآمیز و دروغ و گمراه کننده ای را به زبان آورده است.

جانشینان امام زمان در دوره غیبت

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛

اما در حوادثی که پیش خواهد آمد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. زیرا آن ها از سوی من مردم را راهنمایی می کنند و من نیز از سوی خدا آن ها را راهنمایی می کنم.(۷۲)

شرط پذیرش وجوهات شرعی

وَأَمَّا مَا وَصَلْتَنَا بِهِ فَلا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلاَّ لِمَا طَابَ وَطَهُرَ؛

اما آنچه که از وجوهات برایم فرستاده بودی، تنها در صورت پاک بودن از مال حرام، مورد قبول خواهد بود.(۷۳)

درآمد ترانه خوانی

وَثَمَنُ الْمُغَنِّيَهِ(۷۴) حَرَامٌ؛

مزدی که زنان ترانه خوان می گیرند، حرام است.

امام و لعن ابوالخطاب غالی

وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی زَیْنَبَ الْأَجْدَعُ فَإِنَّهُ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ مَلْعُونُونَ فَلَا تُجَالِسْ أَهْلَ مَقَالَتِهِمْ فَإِنِّی مِنْهُمْ بَرِیءٌ وَآبَائِی علیهم السلام مِنْهُمْ بُرَاءٌ؛

اما ابو الخطاب محمّد بن ابی زینب(۷۵) او و اصحابش ملعون هستند. در مجالس آن ها شرکت نکن. زیرا من و پدرانم از آن ها بیزاریم.

دست بردن در مال امام

وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنِ اسْتَحَلَّ شَیْئاً مِنْهَا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا یَأْكُلُ النِّیرَانَ؛

امّا کسانی که دستشان به اموال ما آلوده شده است، اگر از آن ها بخورند، در واقع آتش می خورند.

کسانی که از پرداخت وجوهاتشان پشیمانند!

وَأَمَّا نَدَامَةُ قَوْمٍ شَكُّوا فِی دِینِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقَلْنَا مَنِ اسْتَقَالَ وَلا حَاجَةَ لَنَا إِلَى صِلَةِ الشَّاكِّینَ؛

امّا عده ای که در دین خود دچار شک شدند و از این که وجوهاتشان را برای ما فرستاده بودند، پشیمانند، اگر آن ها بخواهند که وجوهاتشان را پس بگیرند، ما پس می دهیم. ما نیازی به وجوهات تردیدکنندگان نداریم.

دلیل غیبت امام

وَأَمَّا عِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَیْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ إِنَّهُ لَمْ یَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِی إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِی عُنُقِهِ بَیْعَةٌ لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ وَإِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَلا بَیْعَهَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِیتِ فِی عُنُقِی؛

امّا از علّت غیبت من پرسیده بودی. مگر خدا نفرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! از مسائلی که اگر بدانید به زیانتان تمام می شود، سؤال نکنید!(۷۶) هر یک از پدرانم مجبور بودند که با ظالمان زمان خودشان مدارا کرده و با آن ها بیعت کنند. اما من زمانی که خروج می کنم و قیام خودم را شروع می کنم، بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نخواهد بود.

کیفیت بهرمندی از امام غایب

وَأَمَّا وَجْهُ الِانْتِفاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَكَالْإِنْتِفاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

اما نحوه بهرمندی از من در زمان غیبت، مانند بهرمندی از خورشید پشت ابر است.

فواید وجود امام

وَإِنِّی لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛

همانا من موجبات امنیت اهل زمین هستم. همان طور که وجود ستارگان باعث امنیت اهل آسمان می شود.

وظایف شیعیان و سؤالات ممنوع

فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لا یَعْنِیکُمْ وَلا تَتَکَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ کُفِیتُمْ؛

درهای سؤالات بی فایده را بر روی خودتان ببندید و خودتان را به زحمت فراگیری مسائلی که از آن ها بی نیاز شده اید، نیندازید.

وظایف شیعیان و دعای تعجیل فرج

وَأَکْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِیلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِکَ فَرَجُکُمْ؛

برای تعجیل فرج من خیلی دعا کنید؛ زیرا فرج من باعث گشایش مشکلات و گرفتاری های شماست.

فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب(۷۷)

فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِیحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِیبِ النَّوَافِلِ کَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ؛

همان اندازه که واجبات بر مستحبّات فضیلت دارند، دعا و ذکر بعد از واجبات نیز بر دعا و ذکر بعد از مستحبّات فضیلت دارد.

فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز(۷۸)

إِذَا تَرَکَ سُورَةً مِمَّا فِیهَا الثَّوَابُ وَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ لِفَضْلِهِمَا أُعْطِیَ ثَوَابَ مَا قَرَأَ وَثَوَابَ السُّورَةِ الَّتِی تَرَکَ؛

اگر سوره ای را با وجود ثوابی که دارد، ترک کند و به جای آن ها قل هو اللّه احد و انا انزلناه را به خاطر فضیلتشان بخواند، در این صورت ثواب سوره خوانده شده و سوره ای که ترک کرده را یکجا خواهد داشت.

امام و دعا برای شیعیان

جَمَعَ اللَّهُ لَکَ وَلِإِخْوَانِکَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ(۷۹)

خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برای تو و برادرانت یکجا عنایت کند.

زایمان در بهشت(۸۰)

إِنَّ الْجَنَّةَ لا حَمْلَ فِیهَا لِلنِّسَاءِ وَلا وِلادَةَ وَلا طَمْثَ وَلا نِفَاسَ وَلا شَقَاءَ بِالطُّفُولِیَّةِ وَفِیهَا ما تَشْتَهِیهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْیُنُ کَمَا قَالَ

سُبْحَانَهُ فَإِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَداً خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلا وِلادَهٍ عَلَى الصُّورَهِ الَّتِی یُرِیدُ کَمَا خَلَقَ آدَمَ علیه السلام عِبْرَهً؛

زن ها در بهشت نه حامله می شوند و نه می زایند و نه حیض می بینند و نه نفاس می شوند و نه گرفتاری های تربیت بچه را خواهند داشت. بلکه همان طور که خداوند متعال فرموده است: هر آنچه که دوست داشته باشند و چشمانشان ازآن لذت ببرد، برایشان مهیا خواهدبود.(۸۱) حتی اگراهل بهشت، بچه بخواهند،خداوند بدون حمل و ولادت کودکی را با همان خصوصیاتی که دوست دارند، برایشان می آفریند.(۸۲) همان طور که آدم علیه السلام را آفرید.

تسبیحی از جنس تربت حسینی

یُسَبِّحُ بِهِ فَمَا مِنْ شَیْ ءٍ مِنَ التَّسْبِیحِ أَفْضَلَ مِنْهُ وَمِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ یَنْسَی التَّسْبِیحَ وَیُدِیرُ السُّبْحَهَ فَیُکْتَبُ لَهُ التَّسْبِیحُ؛

ذکری بهتر از ذکری که با تسبیح ساخته شده از تربت باشد، وجود ندارد. حتی اگر صاحب تسبیح ذکر گفتن را فراموش کند و دانه های تسبیح را با انگشتانش بچرخاند، ثواب ذکر را خواهد داشت.

کیفیت نماز خواندن در حرم های مطهر

أَمَّا السُّجُودُ عَلَی الْقَبْرِ فَلا یَجُوزُ فِی نَافِلَهٍ وَلا فَرِیضَهٍ وَلا زِیَارَهٍ وَالَّذِی عَلَیْهِ الْعَمَلُ أَنْ یَضَعَ خَدَّهُ الْأَیْمَنَ عَلَی الْقَبْرِ وَأَمَّا الصَّلاهُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَیَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلا یَجُوزُ أَنْ یُصَلِّیَ بَیْنَ یَدَیْهِ وَلا عَنْ یَمِینِهِ وَلا عَنْ یَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ علیه السلام لا یُتَقَدَّمُ عَلَیْهِ وَلا یُسَاوَی؛

سجده بر روی قبر در هیچ حالی جایز نیست. آنچه باید بدان عمل کرد، آن است که گونه راستش را روی قبر بگذارد. در نماز می توان قبر معصوم را در سمت قبله قرار داد. اما نمی توان در سه جهت دیگر نماز خواند؛ زیرا کسی حق ندارد جلوتر و یا مساوی با امام بایستد.

امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان(۸۳)

لَعْنَهُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ عَلَی مَنِ اسْتَحَلَّ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَماً؛

لعنت خدا و ملائکه و بندگان صالح بر کسانی که از اموال ما درهمی را حلال بدانند.

لَعْنَهُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ عَلَی مَنْ أَکَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَماً حَرَاماً؛

لعنت خدا و ملائکه و تمامی انسان ها بر کسی است که از مال ما ولو یک درهم بخورد.

مَنْ یَسْتَحِلُّ مَا فِی یَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا أَوْ یَتَصَرَّفُ فِیهِ تَصَرُّفَهُ فِی مَالِهِ مِنْ غَیْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِکَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَنَحْنُ خُصَمَاؤُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَقَدْ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه وآله الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِی مَا حَرَّمَ اللَّهُ مَلْعُونٌ عَلَی لِسَانِی وَلِسَانِ کُلِّ نَبِیٍّ مُجَابٍ فَمَنْ ظَلَمَنَا کَانَ فِی جُمْلَهِ الظَّالِمِینَ لَنَا وَکَانَتْ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ أَلا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ(۸۴)

کسانی که بـدون اجازه، در اموال ما ماننـد اموال خودشان دخل و تصـرّف می کننـد، چنین افرادی ملعون هسـتند و ما در روز قیامت دشمن آنها خواهیم بود. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: کسی که اموال عترتم را حلال بداند،

توسط من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای لعن شده است. کسی که در حق ما ظلم کند، در زمره ظالمین به ما خواهد بود و طبق صریح آیه قرآن، لعنت خدا بر او خواهد بود. «آگاه باشید ظالمان مورد لعن خدا هستند.»

خاک مالی بینی شیطان

فَمَا أُرْغِمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْ ءٍ مِثْلِ الصَّلاهِ فَصَلِّهَا وَأَرْغِمْ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛

چیزی بهتر از نماز، بینی شیطان را بر زمین نمی مالد. پس نماز هنگام طلوع و غروب را بخوان و بینی شیطان را بر زمین بمال.

شکایت زمین

إِنَّ الْأَرْضَ تَضِجُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً؛

زمین از بول کسی که ختنه نکرده است، چهل روز ناله می کند.

تأخیر نماز صبح و عشاء(۸۵)

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِکَ النُّجُومُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاهَ إِلَى أَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ وَدَخَلَ الدَّارَ؛

ملعون است ملعون است، کسی که نماز عشاء را تا زیاد شدن ستارگان به تأخیر بیاندازد. ملعون است، ملعون است، کسی که نماز صبح را تا ناپدید شدن ستارگان به تأخیر اندازد.

سرزنش صمیمانه(۸۶)

مَتَّعَنِيَ اللَّهُ بِکَ قَرَأْتُ رُقْعَهَ فُلانٍ فَأَصَابَنِي وَاللَّهِ مَا أَخْرَجَنِي إِلَى بَعْضِ لائِمَتِکَ؛

خدا تو را برای من نگه دارد. نامه فلانی را خواندم. به قدری ناراحت شدم که می خواهم کمی تو را سرزنش کنم.

توجه کامل به مشکلات شیعیان

سُبْحَانَ اللَّهِ أَنْتَ تَعْلَمُ حَالَهُ مِنَّا حَقّاً وَمِنْ طَاعَتِنَا وَأُمُورِنَا فَمَا مَنَعَکَ مِنْ نَقْلِ الْخَبَرِ إِلَيْنَا لِنَسْتَقْبِلَ الْأَمْرَ بِبَعْضِ السُّهُولَهِ أَوْ جَعَلْتَهُ أَنَّهُ رَأَى رُؤْيَا فِي مَنَامِهِ أَوَ بَلَغَ سِنٌّ إِلَيْهِ أَوْ أَنْکَرَ شَيْئاً مِنْ نَفْسِهِ کَانَ يُدْرِکُ بِهَا حَاجَتَهُ وَکَانَ الْأَمْرُ يَخِفُّ وُقُوعُهُ وَيَسْهُلُ خَطْبُهُ وَيَحْتَسِبُ هَذِهِ الْأُمُورَ عِنْدَ اللَّهِ بِالْأَمْسِ نَذْکُرُهُ فِي اللَّفْظِهِ بِأَنْ لَيْسَ أَحَدٌ يَصْلُحُ لَهَا غَيْرُهُ وَاعْتِمَادُنَا عَلَيْهِ عَلَى مَا تَعْلَمُ نَحْمَدُ اللَّهَ کَثِيراً وَ نَسْأَلُهُ الِاسْتِمْتَاعَ بِنِعْمَتِهِ وَبِأَصْلَحِ الْمَوَالِي وَأَحْسَنِ الْأَعْوَانِ عَوْناً وَبِرَحْمَتِهِ وَمَغْفِرَتِهِ؛

سبحان اللّه تو از تشیع و ولایت مداری و اطاعت پذیری او خبر داشتی و مرا در جریان مشکل او نگذاشتی؟! تا خیلی زودتر از این ها به راحتی مشکلش را حل کنیم! یا این که او را رها کرده بودی تا خوابی ببیند و یا مصیبتی به او برسد و یا از خودش چیزی را که می توانست با آن مشکلش را حل کند، انکار نماید.(۸۷) برخی از مشکلات به آسانی اتفاق می افتند و به راحتی

قابل برطرف کردن هستند. اما این امور در روز قیامت و نزد خدا محاسبه خواهند شد.

راه حل را می نویسم به گونه ای که کسی غیر از او صلاحیت آن را نداشته باشد و تو می دانی که ما چقدر به او اعتماد داریم. ثنای بی کران مخصوص خداست. از او درخواست می کنم تا با رحمت و مغفرتش، ما را از نعمت ها و دوستان صالح و یاران خوب بهرمند سازد.(۸۸)

دستور العمل امام زمان برای کسانی که خود را

برای مرگ آماده می کنند(۸۹)

مُرْ فُلاناً لا فَجَعَنَا اللَّهُ بِهِ بِمَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنَ الصِّيَامِ عَلَى مَا أَصِفُ؛

إِمَّا كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْماً وَيَوْماً لا أَوْ ثَلاثَةً فِي الشَّهْرِ

وَلا يَخْلُو كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ مِنْ صَدَقَةٍ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِيناً أَوْ

مَا يُحَرِّكُهُ عَلَيْهِ النِّيَّهُ وَمَا جَرَى وَتَم وَيَسْتَعْمِلُ نَفْسَهُ فِی صَلاهِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ اسْتِعْمَالاً شَدِیداً

وَكَذَلِكَ فِی الاسْتِغْفَارِ

وَقِرَاءَهِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَالِاعْتِرَافِ فِی الْقُنُوتِ بِذُنُوبِهِ وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا

وَيَجْعَلُ أَبْوَاباً فِی الصَّدَقَهِ وَالْعِتْقِ عَنْ أَشْيَاءَ يَسِمُهَا مِنْ ذُنُوبِهِ وَيُخْلِصُ نِیَّتَهُ فِی اعْتِقَادِ الْحَقِّ وَيَصِلُ رَحِمَهُ وَيَنْشُرُ الْخَيْرَ فِيهَا؛

به فلانی که خداوند ما را به مصیبت او مبتلا نکند، برسان که تا می تواند، طبق دستور العملی که خواهم گفت، روزه بگیرد.

یا هر روز یا یک روز در میان و یا سه روز در ماه هر روز یا هر دو روز یکبار به شصت فقیر یا همان مقداری که نیتش به آن تعلق یابد، صدقه بدهد.

به شدت خود را به نماز شب و روز مشغول کند.

همین طور استغفار کند.

و قرآن بخواند.

خدا را یاد کند.

در قنوت ها به گناهانش اقرار کند و از آن ها استغفار نماید.

برای گناهانی که به خاطر دارد، صدقه بدهد و بنده آزاد کند.

نیتش را در اعتقاد به امامت خالص کند و صله رحم کرده و به آن ها نیکی نماید.

امام و ستایش دوستان واقعی

وَنَرْجُو أَنْ يَنْفَعَهُ مَكَانُهُ مِنَّا وَمَا وَهَبَ اللَّهُ مِنْ رِضَانَا عَنْهُ وَحَمْدِنَا إِيَّاهُ(۹۰)

امیدوارم که ارتباط و علاقه او نسبت به ما و رضایت و ستایش ما از او، برایش سودمند باشد.

غم امام در مصایب شیعیان

فَلَقَدْ وَاللَّهِ سَاءَنِی أَمْرُهُ فَوْقَ مَا أَصِفُ عَلَى أَنَّهُ أَرْجُو أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِی عُمُرِهِ وَيُبْطِلَ قَوْلَ الْمُنَجِّمِ فَمَا أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَى الْغَيْبِ؛

به خدا قسم که وقتی گرفتاری او را شنیدم، به قدری ناراحت شدم که قابل توصیف نیست. گذشته از همه این ها از خدا می خواهم که بر طول عمرش بیفزاید و نظر مُنَجّم را باطل کند؛ زیرا خداوند او را بر غیب خود آگاه نکرده است.

گفتن نام امام زمان(۹۱)

مَنْ سَمَّانِی فِی مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِی فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ؛

لعنت خدا بر کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی ببرد.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِی فِی مَحْفِلٍ مِنَ النَّاسِ(۹۲)

کسی که نام مرا در محافل عمومی مردم ببرد، ملعون است، معلون است.

إِنْ دَلَلْتُهُمْ عَلَى الِاسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَیْهِ(۹۳)

اگر نامم را بدانند، فاش می کنند و اگر از مکان زندگی ام باخبر شوند،(۹۴) سربازان حکومت را به آن راهنمایی می کنند.(۹۵)

تعیین زمان ظهور(۹۶)

كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛

کسانی که تعیین وقت می کنند، دروغ می گویند.

دعاهای امام زمان علیه السلام(۹۷)

دعا برای ظهور فرج

إِنَّا لِغَضَبِکَ غَاضِبُونَ وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِکَ مُشْتَاقُونَ وَلِإِنْجَازِ وَعْدِکَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِیدِکَ بِأَعْدَائِکَ مُتَوَقِّعُونَ؛

ما با غضب تو به غضب می آییم. ما بر یاری حق پافشاری می کنیم و به ورود امر تو در جنگ با آنان، مشتاقیم و منتظر تحقق وعده تو هستیم و توقع آن را داریم تا دشمنانت را در احاطه وعیدت قرار دهی.(۹۸)

یَا مَنْ لا یُخْلِفُ الْمِیعادَ أَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَاجْمَعْ لِی أَصْحَابِی وَصَبِّرْهُمْ وَانْصُرْنِی عَلَى أَعْدَائِکَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِکَ وَلا تُخَیِّبْ دَعْوَتِی فَإِنِّی عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ أَمَتِکَ أَسِیرُ بَیْنَ یَدَیْکَ سَیِّدِی أَنْتَ الَّذِی مَنَنْتَ عَلَیَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَیَّ دُونَ کَثِیرٍ مِنْ خَلْقِکَ؛

ای کسی که در وعده هایت تخلف نمی کنی، وعده ای را که به من داده ای محقق کن، اصحابم را جمع کن و صبرشان را بیشتر نما و مرا بر دشمنانم و دشمنان پیامبرت یاری کن و دعایم را برنگردان؛ زیرا من بنده و فرزند بنده و کنیز تو، در برابر اراده ات اسیر هستم. سرورم! تو بودی که مرا به این مقام مخصوص کردی و بر اکثر مخلوقاتت فضیلت دادی.

امام زمان و گلایه از شیعیان(۹۹)

لا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ؛

نه درباره اراده خدا اندیشه می کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی است که ابلاغ شده است. اما انذارها و ترساندن ها – برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند – سودی ندارد.»(۱۰۰) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا.

دعای مختصر و کامل

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ وَکَلِمَهِ نُورِکَ وَأَنْ تَمْلأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ وَصَدْرِی نُورَ الْإِیمَانِ وَفِکْرِی نُورَ النِّیَّاتِ وَعَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِی نُورَ الصِّدْقِ وَدِینِی نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَبَصَرِی نُورَ الضِّیَاءِ وَسَمْعِی نُورَ الْحِکْمَهِ وَمَوَدَّتِی نُورَ الْمُوَالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ حَتَّى أَلْقَاکَ وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَمِیثَاقِکَ فَتَسَعَنِی رَحْمَتُکَ یَا وَلِیُّ یَا حَمِیدُ؛

خدایا با پافشاری درخواست می کنم که بر محمّد که پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود فرست و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت های خیر و اراده ام را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت هایی که از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوش هایم را از نور حکمت و دوستی و علایقم را از نور محبت محمد و خاندانش علیهم السلام لبریز و مالامال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده ات وارد شوم. ای سرپرست و ای ستوده.

دعای فرج

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِیِّکَ وَابْنِ أَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً؛

خدایا بر جانشین و فرزند جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقشان را لازم دانستی و پلیدی را از آن ها دور کردی و آن ها را پاک شان گرداندی، درود فرست.

اَللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِینِکَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِیَاءَکَ وَأَوْلِیَاءَهُ وَشِیعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ؛

خدایا او را یاری کن و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیاء و شیعیانش بفرست

و ما را از آن ها قرار بده.

اَللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقسم [اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صلى الله عليه وآله؛

خدایا او را از شرّ ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده، و از تمام جوانب او را حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او، فرستاده خود و خاندانش را حفظ کن. و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاری اش کن و یارانش را پیروز گردان و دشمنانش را خوار ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفّار و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش های شرقی زمین باشند و چه در بخش های غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او از عدل و داد پر کن و دین پیامبرت را غالب گردان.

وَاجْعَلْنِی اَللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍعليهم السلام مَا يَأْمَلُونَ وَفِی عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ؛

خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار بده و خاندان محمّد را به تمام آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می ترسند، مبتلا کن.

سلام به امام زمان علیه السلام(۱۰۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرْأَى وَالْمَسْمَعِ الَّذِی بِعَيْنِ اللَّهِ مَوَاثِيقُهُ

وَبِيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ وَبِقُدْرَهِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِی لا تُعَجِّلُهُ الْعَصَبِیَّهُ وَالْکَرِیمُ الَّذِی لا تُبَخِّلُهُ الْحَفِیظَهُ وَالْعَالِمُ الَّذِی لا تُجَهِّلُهُ الْحَمِیَّهُ مُجَاهَدَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ مَشِیَّهِ اللَّهِ وَمُقَارَعَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرُکَ فِی اللَّهِ ذُو أَنَاهِ اللَّهِ وَشُکْرُکَ لِلَّهِ ذُو مَزِیدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ؛

سلام بر تو ای بینا و شنوایی که پیمان هایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست و سلطنتت با قدرت خدا محقق می شود. تو آن بردباری هستی که تعصّبات، او را به عجله نمی اندازد و بزرگواری هستی که ثبت و ضبط مسائل او را به بخل وا نمی دارد، تو آن عالمی هستی که تعصّبات کور او را به حماقت نمی اندازد. تلاش تو در راه خدا همان خواسته خداست. قلع و قمع کردنت در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه خدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن رحمت خداست.

السَّلامُ عَلَیْکَ یَا مَحْفُوظاً بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ وَیَمِینِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ یَا مَحْرُوزاً فِی قُدْرَهِ اللَّهِ نُورُ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَ یَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَهُ وَیَا مِیثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَوَکَّدَهُ؛

سلام بر تو ای آن که نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده ای که خدا ضمانت کرده است و ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است.

امام و اختیارات

أَنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لا شَکَّ فِیهَا یَوْمَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْراً؛

شهادت می دهم که رجعت شما حق است و شکی در آن نیست.

روزی که ایمان آوردن در آن، سودی ندارد اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد و عمل صالحی مطابق ایمانش انجام ندهد.

أَنَّکُمْ لِلشَّفَاعَهِ حَقٌّ لا تُرَدُّونَ وَلا تَسْبِقُونَ مَشِیَّهَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ؛

شهادت می دهم که شما حقّ شفاعت دارید و شفاعتتان رد نمی شود. البته شما نیز از خواسته خدا سبقت نمی گیرید و بر طبق آن عمل می کنید.

راز آفرینش

خَلَقَ الْجِنَّ وَالإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِیٌّ وَسَعِیدٌ قَدْ شَقِیَ مَنْ خَالَفَکُمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَکُمْ؛

او که جنّ و انس را برای عبادتش آفرید و از بندگانش چیزی غیر از عبادت نخواسته است. پس عده ای بدبخت و برخی سعادتمند شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادتمند کسی است که اطاعت نماید.

تولی و تبری

وَلِیّاً لَکَ بَرِیئاً مِنْ عَدُوِّکَ مَاقِتاً لِمَنْ أَبْغَضَکُمْ وَادّاً لِمَنْ أَحَبَّکُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِیتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْکَرُ مَا نَهَیْتُمْ عَنْهُ؛

معامله با خدا

من شما را دوست دارم و از دشمنانتان بیزارم. دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم. حق آن است که از آن راضی باشید و باطل آن است که بر آن غضب کنید. خوب آن است که به آن امر کنید و بد آن است که از آن نهی کنید.

أَنَا یَا مَوْلایَ مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَیْعَهِ الَّتِی أَخَذَ اللَّهُ عَلَی شُرَطِهِ قِتَالاً فِی سَبِیلِهِ اشْتَرَی بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِینَ فَنَفْسِی مُؤْمِنَهٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَبِکُمْ یَا مَوْلایَ أَوَّلِکُمْ وَآخِرِکُمْ وَنُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّهٌ وَمَوَدَّتِی خَالِصَهٌ لَکُمْ وَبَرَاءَتِی مِنْ أَعْدَائِکُمْ أَهْلِ الْحَرَدَهِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَهٌ لِثَأْرِکُمْ أَنَا وَلِیٌّ وَحِیدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ یَجْعَلُنِی کَذَلِکَ آمِینَ آمِینَ؛

مولایم؛ من از معامله ای که خدا با مجاهدان راه خود انجام داده و در آن جان های مؤمنین را خریداری کرده است، خوشحالم. زیرا جان من به خدای واحدی که شریکی ندارد، و به رسول خدا و امیرالمؤمنین و به همه شما ایمان دارد، مولایم، من به همه شما، از اول تا آخرتان ایمان دارم و یاری ام را برایتان مهیا و دوستی ام را خالص و بیزاری از دشمنانتان را برای قیامتان، آماده کرده ام و دوست یگانه تان هستم بی تردید خداوند معبود حقیقی است و مرا همان طور قرار بدهد. خدایا! اجابت فرما، اجابت فرما.

مصونیت از شر دشمنان(۱۰۲)

اَللَّهُمَّ احْجُبْنِی عَنْ عُیُونِ أَعْدَائِی وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ أَوْلِیَائِی وَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَاحْفَظْنِی فِی غَیْبَتِی إِلَی أَنْ تَأْذَنَ لِی فِی ظُهُورِی

وَأَحْيِ بِی مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِکَ وَسُـنَنِکَ وَعَجِّلْ فَرَجِی وَسَـهِّلْ مَخْرَجِی وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُـلْطَاناً نَصِیراً وَافْتَحْ لِی فَتْحاً مُبِیناً وَاهْدِنِی صِرَاطاً مُسْتَقِیماً وَقِنِی جَمِیعَ مَا أُحَاذِرُهُ مِنَ الظَّالِمِینَ وَاحْجُبْنِی عَنْ أَعْیُنِ الْبَاغِضِینَ النَّاصِبِینَ الْعَدَاوَهَ لِأَهْلِ بَیْتِ

نَبِيِّكَ وَلا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ.

فَإِذَا أَذِنْتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتْبَعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ وَوَفِّقْنِي لِإِقَامَهِ حُدُودِكَ وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ وَانْصُرِ الْحَقَّ و أَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كانَ زَهُوقاً

وَأَوْرِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَأَنْصَارِي [وَ] مَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأُزُرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

خدایا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده ای راکه به من داده ای، عملی نما. و مرا در دوره غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدهی، حفظ کن. فرائض و سنن(۱۰۳) پایمال شده ات را به دست من زنده کن.

ظهورم را سریع و خروجم را آسان نما و با سلطنت و نصرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه راستت هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه های عداوت باخاندان رسولت را محکم کردند، مخفی نما تا از هیچ یک از آن ها، بدی به من نرسد.

زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا به سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در بر پاداشتن احکام و حدودت، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعّدی کند، یاری کن. خدایا حق را یاری و باطل را از بین ببر، چرا که باطل از بین رفتنی است.

شیعیان و

یاران و کسانی را که دیدارشان مرا شاد و مستحکم می کند، به من برسان و آن ها را در قلعه حمایت خود حفظ کن. با رحمت و کرمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان(۱۰۴)

إِلَهِی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَهِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّهِ وَعَلَى أَحْیَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْکَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِینَ غَانِمِینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِینَ؛

الهی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو مناجات کردند و دعا خواندند، با ثروت بر فقرای مؤمنین، با شفا بر بیماران، با لطف و بزرگواری بر زنده ها و مرده های ایشان، با مغفرت و رحمت بر مرده هایشان، با برگشتن همراه با سلامتی و موفقیت بر مسافران ایشان، تفضل کن به حقّ محمّد و آل آن حضرت.

حرز(۱۰۵) امام زمان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا مَالِکَ الرِّقَابِ وَیَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ یَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ یَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَباً لا نَسْتَطِیعُ لَهُ طَلَباً بِحَقِّ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِینَ؛

بنام خدای بخشنده مهربان ای خدای مسلط بر انسان ها و ای در هم کوبنده حزب ها، ای گشاینده درها، ای سبب ساز عالم، سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نیستیم. به حق لااله الاـ اللّه و محمّـد رسول اللّه که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

دعای در زمان غیبت(۱۰۶)

اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی اَللَّهُمَّ لا تُمِتْنِی مِیتَهً جَاهِلِیَّهً وَلا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی؛

خدایا خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت.

خدایا فرستاده ات را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، حجّت بعد از او را نخواهم شناخت.

خدایا حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.

خدایا مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن(۱۰۷) و دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

دعای فرج

اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِی عَلَى دِینِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَلَیِّنْ قَلْبِی لِوَلِیِّ أَمْرِکَ وَعَافِنِی مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَکَ وَثَبِّتْنِی عَلَى طَاعَهِ وَلِیِّ أَمْرِکَ الَّذِی سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِکَ فَبِإِذْنِکَ غَابَ عَنْ بَرِیَّتِکَ وَأَمْرَکَ یَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَیْرُ مُعَلَّم بِالْوَقْتِ الَّذِی فِیهِ صَلاحُ أَمْرِ وَلِیِّکَ فِی الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَکَشْفِ سِرِّهِ وَصَبِّرْنِی عَلَى ذَلِکَ حَتَّى لا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَلا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ وَلا أَکْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلا أَبْحَثَ عَمَّا کَتَمْتَهُ وَلا أُنَازِعَکَ فِی تَدْبِیرِکَ وَلا أَقُولَ لِمَ وَ کَیْفَ وَمَا بَالُ وَلِیِّ أَمْرِ اللَّهِ لا یَظْهَرُ وَقَدِ امْتَلأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأُفَوِّضُ أُمُورِی کُلَّهَا إِلَیْکَ؛

خدایا؛ مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را برای ولایت ولی امرت، نرم کن و مرا از امتحانات خَلقت، عافیت بخش. و در اطاعت ولی امری که او را پوشانده ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقات، غایب شده

و منتظر امر توست و تو بهتر از همه می دانی که مناسب ترین وقت برای ظهور او چه وقت است، تا امامتش را آشکار و سرّش را آشکار کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدّم شدن آنچه به تأخیر انداختی و تأخیر آنچه را که مقدّم داشتی را نخواهم. آنچه را که پوشاندی باز نکنم و درباره آنچه که کتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیرت مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آن ها و این که چرا ولیت ظهور نمی کند با این که زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امورم را به تو می سپارم.

دعا برای مصونیت از شر آخرالزمان

اَللَّهُمَّ وَلا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِی غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَلا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِی ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلاهَ عَلَيْهِ حَتَّی لا يُقَنِّطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِی ذَلِكَ كَيَقِينِنَا فِی قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ قَوِّ قُلُوبَنَا عَلَی الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّی تَسْلُكَ بِنَا عَلَی يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَی وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَی وَالطَّرِيقَهَ الْوُسْطَی وَقَوِّنَا عَلَی طَاعَتِهِ وَثَبِّتْنَا عَلَی مُشَايَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِی حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِی حَيَاتِنَا وَلا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّی تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَی ذَلِكَ غَيْرُ شَاكِّينَ وَلا نَاكِثِينَ وَلا مُرْتَابِينَ وَلا مُكَذِّبِينَ؛

خدایا یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدّت غیبت و بریده شدن اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدّت یقین در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبر. تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهورش مأیوس نکند و یقین ما در قیام

او مانند یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دل هایمان را در ایمان به او قوی کن تا ما را به دست او در راه روشن هدایت و راه وسط و اعتدال (صراط مستقیم)، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتش تقویت و در همراهی اش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به کارهایش قرار بده.

و این توفیق را چه در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر تا در نتیجه ما، در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم.

شکایت از یتیمی

اَللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَهَ وَلِيِّنَا وَشِدَّهَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَهَ عَدُوِّنَا وَقِلَّهَ عَدَدِنَا؛

خدایا ما در پیشگاه تو از نبودن پیامبرمان از یک سو و غیبت ولی مان از سوی دیگر و سخت گیری زمانه با ما و بروز و ظهور فتنه های گوناگون و تسلّط و فراوانی دشمنان و کمی تعدادمان شکایت می کنیم.

اَللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِصَبْرٍ مِنْكَ تُيَسِّرُهُ وَإِمَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛

خدایا همه این گرفتاری ها را با پیروزی سریعی از جانب خودت و صبری از تو که آن را برایمان آسان کنی و امام عادلی که آشکار کنی، برطرف کن. ای معبود حق پروردگار جهانیان!

پیروزی در دنیا و آخرت

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت آن ها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

دعای فرج(۱۰۸)

اَللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛

خدایا وعده ای را که به من داده ای، عملی کن.

در خواست انتقام

اَللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ؛

خدا به دست من از دشمنانت انتقام بگیر.

دعای فرج(۱۰۹)

أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَکَ فَکَلٌّ لَکَ مُذْعِنُونَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِی أَمْرِی وَتُعَجِّلَ لِی فِی الْفَرَجِ وَتَکْفِیَنِی وَتَقْضِیَ حَوَائِجِی السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّیْلَةَ اللَّیْلَةَ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ؛

از تو درخواست می کنم به حرمت اسمی که موجودات را آفریدی و همه به آن اقرار می کنند.

از تو درخواست می کنم که به محمّد و خاندان او درود فرستی و کار مرا محقّق کنی و در فرجم تعجیل نمایی و مرا کفایت کنی و از شر دشمنان، عافیت بخشی و نیازهایم را برآورده سازی.

همین الآن همین الآن، همین امشب همین امشب؛ زیرا تو توانایی هرکاری را داری.

امام زمان روضه خوانی می کند

ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام(۱۱۰)

السَّلامُ عَلَیْکَ سَلامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِکَ الْمُخْلِصِ فِی وَلایَتِکَ الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِکَ الْبَرِی ءِ مِنْ أَعْدَائِکَ سَلامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِکَ مَقْرُوحٌ وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِکْرِکَ مَسْفُوحٌ سَلامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِینِ الْوَالِهِ الْمُسْتَکِینِ؛

سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می شناسد و در وصیت خالص شده است و با محبت تو به خدا تقرب می جوید و از دشمنانت بیزار است.

سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح و اشکش به هنگام یاد تو جاری است.

سلام داغداری که محزون و دلداده و برجای مانده است.

آرزوهای امام زمان علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام

سَلامَ مَنْ لَوْ کَانَ مَعَکَ بِالطُّفُوفِ لَوَقَاکَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّیُوفِ وَبَذَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَکَ لِلْحُتُوفِ وَجَاهَدَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَنَصَرَکَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَیْکَ وَفَدَاکَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَرُوحُهُ لِرُوحِکَ فِدَاءٌ

وَأَهْلُهُ لِأَهْلِکَ وِقَاءٌ؛

سلام کسی که اگر در میدان جنگ با تو بود، تو را با سپر کردن خود در برابر شمشیرها محافظت می کرد؛

و جانش را برای تو فدا می کرد؛

و در مقابلت مجاهدت می نمود؛

و در برابر متجاوزان، تو را یاری می کرد؛

و جان و جسم و مال و فرزند را فدای تو می کرد.

آری روحش را فدای روحت،

و خانواده اش را فدای خانواده ات می نمود.

حسرت امام زمان علیه السلام درباره شهدای کربلاء

فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِی الدُّهُورُ وَعَاقَنِی عَنْ نَصْرِکَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَکُنْ لِمَنْ حَارَبَکَ مُحَارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَکَ الْعَدَاوَهَ مُنَاصِباً

فَلأَنْدُبَنَّکَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَأَبْکِیَنَّ لَکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً حَسْرَهً عَلَیْکَ وَتَأَسُّفاً عَلَی مَا دَهَاکَ وَتَلَهُّفاً حَتَّی أَمُوتَ بِلَوْعَهِ الْمُصَابِ وَغُصَّهِ الِاکْتِیابِ؛

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری در حد مقدور، محروم کرد. در نتیجه نتوانستم با دشمنانت، دشمنی و با کسانی که پایه گذاران خصومت با تو بودند، خصومت نمایم، در مقابل، صبح و شام برایت ندبه و مرثیه می خوانم و به جای اشک خون حسرت می گریم. حسرت و تاسف بر فاجعه ای که برایت رخ داد و غم و غصه تا زمانی که از شدت مصیبت تو بسوزم و بمیرم.

سیمای امام حسین علیه السلام در کلام امام زمان علیه السلام

أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاهَ وَآتَیْتَ الزَّکَاهَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَالْعُدْوَانِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَیْتَهُ وَتَمَسَّکْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَیْتَهُ وَخَشِیتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ وَسَنَنْتَ السُّنَنَ وَأَطْفَأْتَ الْفِتَنَ وَدَعَوْتَ إِلَی الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ وَجَاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ

وَکُنْتَ لِلَّهِ طَائِعاً وَلِجَدِّکَ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله تَابِعاً وَلِقَوْلِ أَبِیکَ سَامِعاً وَإِلَی وَصِیَّهِ أَخِیکَ مُسَارِعاً وَلِعِمَادِ الدِّینِ رَافِعاً وَلِلطُّغْیَانِ قَامِعاً وَلِلطُّغَاهِ مُقَارِعاً وَلِلْأُمَّهِ نَاصِحاً وَفِی غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحاً وَلِلْفُسَّاقِ مُکَافِحاً وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً وَلِلإِسْلامِ وَالْمُسْلِمِینَ رَاحِماً وَلِلْحَقِّ نَاصِراً وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً وَلِلدِّینِ کَالِئاً وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرَامِیاً

تَحُوطُ الْهُدَی وَتَنْصُرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّینَ وَتُظْهِرُهُ وَتَکُفُّ الْعَابِثَ وَتَزْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدَّنِیِّ مِنَ الشَّرِیفِ وَتُسَاوِی فِی الْحُکْمِ بَیْنَ الْقَوِیِّ وَالضَّعِیفِ کُنْتَ رَبِیعَ الْأَیْتَامِ وَعِصْمَهَ الْأَنَامِ وَعِزَّ الإِسْلامِ وَمَعْدِنَ الْأَحْکَامِ وَحَلِیفَ الإِنْعَامِ سَالِکاً طَرَائِقَ جَدِّکَ وَأَبِیکَ مُشَبَّهاً فِی الْوَصِیَّهِ لِأَخِیکَ وَفِیَّ الذِّمَمِ رَضِیَّ الشِّیَمِ ظَاهِرَ الْکَرَمِ مُتَهَجِّداً فِی الظُّلَمِ قَوِیمَ الطَّرَائِقِ کَرِیمَ الْخَلائِقِ عَظِیمَ السَّوَابِقِ شَرِیفَ النَّسَبِ مُنِیفَ الْحَسَبِ رَفِیعَ الرُّتَبِ کَثِیرَ

الْمَنَاقِبِ مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ إِمَامٌ شَهِيدٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ حَبِيبٌ مَهِيبٌ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صلی الله علیه وآله وَلَداً وَلِلْقُرْآنِ مُنْقِذاً وَلِلْأُمَّهِ عَضُداً وَفِی الطَّاعَهِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ وَالْمِیثَاقِ نَاکِباً عَنْ سُبُلِ الْفُسَّاقِ وَبَاذِلاً لِلْمَجْهُودِ طَوِیلَ الرُّکُوعِ وَالسُّجُودِ زَاهِداً فِی الدُّنْیَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاظِراً إِلَیْهَا بِعَیْنِ الْمُسْتَوْحِشِینَ مِنْهَا آمَالُکَ عَنْهَا مَکْفُوفَهٌ وَهِمَّتُکَ عَنْ زِینَتِهَا مَصْرُوفَهٌ وَإِلْحَاظُکَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَهٌ وَرَغْبَتُکَ فِی الْآخِرَهِ مَعْرُوفَهٌ

حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ وَدَعَا الْغَیُّ أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِی حَرَمِ جَدِّکَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِینَ مُبَایِنٌ جَلِیسُ الْبَیْتِ وَالْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَّاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنْکِرُ الْمُنْکَرَ بِقَلْبِکَ وَلِسَانِکَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِکَ وَإِمْکَانِکَ ثُمَّ اقْتَضَاکَ الْعِلْمُ لِلْإِنْکَارِ وَلَزِمَکَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ

فَسِرْتَ فِی أَوْلادِکَ وَأَهَالِیکَ وَشِیعَتِکَ وَمَوَالِیکَ وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَیِّنَهِ وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَأَمَرْتَ بِإِقَامَهِ الْحُدُودِ وَالطَّاعَهِ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْیَانِ وَوَاجَهُوکَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الإِیعَازِ لَهُمْ وَتَأْکِیدِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِمْ؛

شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و معصیتش را نکردی و به او و دستاویزش چسبیدی. در نتیجه او را از خود راضی کردی و ترسیدی و مراقب اطاعتش بودی و اوامرش را اجابت کردی و سنت هایش را سنّت کردی و فتنه ها را خاموش نمودی و به سوی رشد و بالندگی هدایت کرده و راه های پایداری را روشن و در مسیر او جهاد نمودی.

مطیع خدا و پیرو جدت و گوش به حرف پدرت و عمل کننده به وصیت برادرت و بلند کننده ستون های دین و قلع و قمع کننده طاغیان و درهم کوبنده سرکشان

و خیرخواه امت و شـناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان و قیام کننده با ادله الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و صبور در بلا و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن بودی.

و یـاریگر هـدایت و گسترش دهنـده عـدالت و پشتیبـان دین و نهی کننـده از بیهودگی هـا و بازدارنـده از تعرض افراد پست به انسان های شریف و عدالت پیشه در حکم میان قوی و ضعیف.

تو پناه یتیمان و نگهـدار انسان ها و عزت اسـلام و معـدن احکام و مهمان نواز، رونـده راه جدّ و پدرت، عمل کننده به وصـیت برادرت، خوش عهد، خوشرفتار، بزرگوار، شب زنده دار، سالک راه های مطمئن، بخشنده به بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شـریف، بلنـد مرتبه، صـاحب فضایل فراوان، نیک سـرشت، بسـیار بخشـنده، بردبار جوانمرد، نیک رفتار، بخشـنده، دانای مستحکم، امام شهید، متضرع، انابه کننده، دوست با هیبت بودی.

تو برای رسول خـدا، فرزنـد و برای قرآن، تابع و برای امّت، بازو بودی. در اطاعت خدا تلاشـگر، حافظ عهد و وفا کننده پیمان بودی، تو اهل رکوع و سـجده های طولانی بودی، در دنیاماننـد کسـی که به زودی عبور می کنـد، زهد می ورزیدی و از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای تزئین آن تلاش نمی کردی و چشـمانت از خوشی های آن بسته شده و علاقه ات برای آخرت معروف است. حـتی زمـانی که ظلم دسـتش را گشـود و نیزه اش را برهنه کرد و یـارانش را جمـع کرد، تو در حرم جدّت نشسـته بودی و از آن ها فاصـله گرفته بودی. همنشـین خانه و محراب شدی از لذت ها و شـهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب

و زبـانت، در حـد توانت، نهی می کردی. بعـد از آن علم تو بـاعث انکـار شـد و واجب شـد که بـا ظالمـان جهاد کنی. در نزد خـانواده و شـیعیان و دوسـتانت رفتی و ظالمـان را با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خـدا دعوت کردی و از آن ها خواستی تا احکامت را عملی کننـد و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی ها و طغیانگری نهی کردی. آن ها در مقابل با ظلم و دشـمنی با تو روبه رو شدند. در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجت با آن ها جنگیدی.

روضه روز عاشورا

فَنَكَثُوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ وَبَدَءُوكَ بِالْحَرْبِ فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجَّارِ وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبَارِ مُجَالِداً بِذِی الْفَقَارِ كَأَنَّكَ عَلِیٌّ الْمُخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَأْشِ غَيْرَ خَائِفٍ وَلا خَاشٍ نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوُرُودَهُ وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ وَعَاجَلُوكَ النُّزَّالَ وَرَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ وَالنِّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكُفَّ الِاصْطِلَامِ وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمَاماً وَلا رَاقَبُوا فِيكَ أَثَاماً فِی قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهْبِهِمْ رِحَالَكَ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِی الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيَّاتِ قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلائِكَةُ السَّمَاوَاتِ فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثْخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّوَاحِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلادِكَ حَتَّى نَكَسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً تَطَؤُكَ الْخُيُولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالِانْقِبَاضِ وَالِانْبِسَاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ تُدِيرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَالِيكَ وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً إِلَى خِيَامِكَ قَاصِداً مُحَمْحِماً بَاكِياً فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءُ جَوَادَكَ مَخْزِيّاً وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلْوِيّاً بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لاطِمَاتٍ لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ

دَاعِيَاتٍ وَبَعْيدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ وَإِلَى مَصْرَعِكَ مبَادِرَاتٍ وَالشِّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَمُولِغٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ قَدْ سَكَنَتْ حَوَاسُّكَ وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ وَرُفِعَ عَلَى الْقَنَاهِ رَأْسُكَ وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ وَصُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاهِ الْفُسَّاقِ؛

در عهدی که بسته بودند، پیمانشکنی کردند، و پروردگار و جدّت را غضبناک و جنگ با تو را آغاز کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان فاسق را در هم کوبیدی و در میان گرد و غبار فرو رفتی و با ذوالفقار جنگیدی. گویا که تو علی هستی.

زمانی که آن ها متوجّه ثُبات قدم و نترسی تو شدند، از در مکر وارد شدند و با حیله هایی که در سر داشتند با تو جنگیدند. آن لعین امر کرد تا لشکریانش راه تو به آب را بستند و با تو قتال نمودند، و به جنگ و مبارزه با تو شتافتند، و تیرها و خدنگ ها به سوی تو پرتاب نمودند، و برای زمین گیر کردنت اقدام کردند، و حُرمتی برای تو مراعات نکردند، و از هیچ گناهی در مورد تو خودداری ننمودند، چه در کشتن دوستانت، و چه در غارت اثاثیه خیمه ها. آری تو در گَرد و غُبار جنگ پیش تاختی، و آزار و اذیّت های فراوانی تحمّل نمودی، آن چنان که فرشتگانِ آسمان ها از صبر و شکیبایی تو به شگفت آمدند، پس دشمنان از همه طرف به تو هجوم آوردند، و تو را به سبب زخم ها و جراحت ها ناتوان نمودند، و راه خلاص و رفتن را بر تو بستند، تا

آن که هیچ یاوری برایت نماند، ولی تو حسابگر (عمل خویش برای خدا) و صبور بودی، از زنان و فرزندانت دفاع و حمایت می نمودی، تا این که تو را از مرکبت انداختند، پس با تنی مجروح بر روی زمین افتادی. اسب ها با سم هایشان تو را زیر دست و پا له کردند و طاغیان و فاسقان بی ارزش بالای سر تو ایستادند. پیشانی ات برای مرگ عرق کرده بود و راست و چپ تنت – از شدت درد – منقبض و منبسط می شدند. چشمانت را به آرامی چرخاندی و به سوی خیمه گاه نگاه کردی، در حالی که فکر تو از جانب آن ها پریشان شده بود. اسبت با سرعت به سوی خیمه ها فرار کرد در حالی که شیهه می کشید و گریه می کرد.

زمانی که زن ها اسب تو را در آن حال پریشانی یافتند و زینش را خالی از تو دیدند، از خیمه ها بیرون ریختند. در حالی که موهای خود را پریشان ساخته بودند. با دست بر صورتشان می زدند. روبندهایشان افتاده بود و صدایشان به واویلا بلند شده بود. بعد از عزّت به ذلّت افتادند و به سوی مقتل تو می دویدند. در همان حال شمر بر روی سینه تو نشسته بود، و شمشیر خویش با خون گلویت سیراب می کرد، با دستی مَحاسنِ شریفت را در مُشت می فِشرد، (و با دست دیگر) با تیغِ آخته اش، سر از بدنت جدا می کرد، تمام اعضا و حواسّ از حرکت ایستاد، نَفَس هایِ مبارکت در سینه پنهان شد، و سرِ مقدّست بر نیزه بالا رفت، اهل و عیالت چون بردِگان به اسیری رفتند، و در غُل و زنجیر آهنین بر فراز جهازِ شتران دربند شدند، گرمای (آفتابِ) نیمروز

چهره هایشان را می سوزاند، در صحراها و بیابان ها کشیده می شدند، دستانشان را به گَردَن هایشان زنجیر کرده و در بازارها می گرداندند. ای وای بر این سرکشان گناهکار!

حسین تجسم اسلام

لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِکَ الإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّیَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْکَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الإِیمَانِ وَحَرَّفُوا آیَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمْلَجُوا فِی الْبَغْیِ وَالْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله مَوْتُوراً وَعَادَ کِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُوراً وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً وَفُقِدَ بِفَقْدِکَ التَّکْبِیرُ وَالتَّهْلِیلُ وَالتَّحْرِیمُ وَالتَّحْلِیل وَالتَّنْزِیلُ وَالتَّأْوِیلُ وَظَهَرَ بَعْدَکَ التَّغْیِیرُ وَالتَّبْدِیلُ وَالإِلْحَادُ وَالتَّعْطِیلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِیلُ وَالْفِتَنُ وَالْأَبَاطِیلُ؛

به تحقیق که با کُشتنِ تو اسلام را کُشتند، و نماز و روزه (خدا) را بدون یاور رها نمودند، و سُنّت ها و احکام (دین) را از بین بردند، و پایه هایِ ایمان را منهدم نمودند، و آیاتِ قرآن را تحریف کرده، در (وادیِ) جنایت و عداوت پیش تاختند.

به راستی رسولِ خدا «که درود خدا بر او و آل او باد» (با شهادتِ تو) تنها ماند! (یا مظلوم واقع شد)، و کتاب خداوندِ عزّوجلّ مَتروک گردید، و آن گاه که تو مقهور و مغلوب گشتی، حقّ و حقیقت موردِ خیانت واقع شد، و به فقدانِ تو تکبیرِ خدا و کلمه توحید، حرام و حلالِ دین، و تنزیل و تأویلِ قرآن جملگی از بین رفت، و پس از تو تغییر و تبدیلِ (احکام)، کفر و اِلحاد وبی سرپرستیِ دین، هوی و هوس ها و گمراهی ها، فتنه ها و باطل ها جملگی (بر صفحه روزگار) ظاهر شد.

عزای کل هستی برای امام حسین علیه السلام

فَقَامَ نَاعِیکَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّکَ الرَّسُولِ صلی الله علیه وآله فَنَعَاکَ إِلَیْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلاً یَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُکَ وَفَتَاکَ وَاسْتُبِیحَ أَهْلُکَ وَحِمَاکَ وَسُبِیَتْ بَعْدَکَ ذَرَارِیکَ وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِکَ وَذَوِیکَ فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَکَی قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَّاهُ بِکَ الْمَلائِکَةُ وَ الْأَنْبِیَاءُ وَفُجِعَتْ بِکَ أُمُّکَ الزَّهْرَاءُ وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ تُعَزِّی أَبَاکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَأُقِیمَتْ لَکَ الْمَأْتَمُ فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ وَلَطَمَتْ عَلَیْکَ الْحُورُ الْعِینُ

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكّانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُزَّانُهَا وَالْهِضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيتَانُهَا وَالْجِنَانُ وَ وِلْدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَالْحِلُّ وَالإِحْرَامُ؛

پس پیکِ مرگ نزدِ قبرِ جدّت رسول خدا «که رحمتِ بی پایانِ خداوندی بر او و آلِ او باد» ایستاد، و با اشکِ ریزان خبرِ مرگِ تو را به وی داد، و این گونه گفت: ای رسول خدا! دخترزاده جوانمردت شهید شد، خاندان و حَریمَت مُباح گردید، پس از تو فرزندانت به اسیری رفتند، و وقایع ناگواری به عترت و خانواده ات وارد شد. پس (از شنیدنِ این خبر) رسول خداصلی الله علیه وآله مضطرب و پریشان گردید، و قلبِ هراسناکَش بگریست، و فرشتگان و انبیاء (به خاطر مصیبتِ تو) او را تسلیت و تعزیت گفتند، و مادرت زهرا (از اندوهِ مصیبتِ تو) دردناک شد، و دسته هایِ ملائکه مقرّبین درآمد و شد بودند، پدرت امیرمؤمنان را تعزیّت می گفتند، مجالسِ ماتم و سوگواری برایِ تو در اعلا، علیّین برپا شد، و حورالعین به جهت تو به سر و صورت زدند، (در عزایِ تو) آسمان و ساکنانش، بهشت ها و نگهبانانش، کوه ها و کوهپایه ها، دریاها و ماهیانش، [شهر مکّه و پایه هایش فردوس ها و جوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم، و مشعرالحرام، و حلّ و حَرَم جملگی گریستند.

توسل به خاک کربلاء

اَللَّهُمَّ فَبِحُرْمَهِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلِّ [عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْشُرْنِى فِى زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِى الْجَنَّهَ بِشَفَاعَتِهِمْ؛

بار خدایا! به حُرمتِ این مکانِ رفیع، بر محمّد و آلِ او رحمت فرست و مرا در زمره آنان محشور فرما، و به شفاعت و وساطتِ آن ها مرا داخلِ بهشت گردان.

توسل به معصومین علیهم السلام

اَللَّهُمَّ إِنِّى أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِفَاطِمَهَ سَيِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَهِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهَدِينَ وَبِأَوْلادِهِ الْمَقْتُولِينَ وَبِعِتْرَتِهِ الْمَظْلُومِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَهِ الْأَوَّابِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَهِ الْمُهْتَدِينَ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ وَالْحُجَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبَرِّينَ آلِ طَهَ وَيس وَأَنْ تَجْعَلَنِى فِى الْقِيَامَهِ مِنَ الْآمِنِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ اَللَّهُمَّ اكْتُبْنِى فِى الْمُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنِى بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِى لِسانَ صِدْقٍ فِى الْآخِرِينَ وَانْصُرْنِى عَلَى الْبَاغِينَ وَاكْفِنِى كَيْدَ الْحَاسِدِينَ وَاصْرِفْ عَنِّى مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَاقْبِضْ عَنِّى أَيْدِىَ الظَّالِمِينَ وَاجْمَعْ بَيْنِى وَبَيْنَ السَّادَهِ الْمَيَامِينِ فِى أَعْلَى عِلِّيِّينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بار خدایا! من به تو توسّل می رجویم ای سریع ترینِ حسابگران، و اِی بخشنده ترینِ کَریمان، و اِی فرمانروای حاکمان، به حق محمّد آخرینِ پیامبران، و فرستاده تو به سویِ تمامِ جهان ها، و به حقِّ برادرش و پسر عمویش، آن بلند پیشانیِ میان پُر، آن دانشمندِ عالی مرتبه، یعنی

علیّ فرمانروایِ مؤمنان، و به حقِّ فاطمه سروَرِ بانوانِ جهانیان، و به حقِّ حسنِ مجتبی که پاک و مبرّا و پناهگاه مُتّقین است، و به حقِّ أبی عبدالله الحسین گرامی ترینِ شهدا، و به حقِ فرزندانِ مقتولش، و خانواده مظلومش، و به حقّ علی بن الحسین زیورِ عابدان، و به محمّد بن علی قبله توبه کنندگان، و جعفر بن محمّد راستگوترینِ صادقان، و موسی بن جعفر آشکار کننده دلایل و براهین، و علی بن موسی یاورِ دین، و محمّد بن علی اُسوه و الگویِ هدایت شوندگان، و علی بن محمّد زاهدترینِ پارسایان، و حسن بن علی وارثِ جانشینان، و حُجّتِ خدا بر تمامِ آفریدگان، این که درود فرستی بر محمّد و آلِ او، آن راستگویانِ نیکوکار، همان آلِ طه و یاسین، و این که مرا در قیامت از کسانی قرار دهی که (از عذابِ تو) ایمن و با آرامشِ خاطر و رستگار و مسرور و بشارت یافته اند.

بار خدایا! نامِ مرا در زُمره مسلمین نوشته، و مرا به صالحین ملحق فرما، و نامِ مرا بر زبان اُمّت های آتیه نیکو قرار ده، و مرا بر علیه ظالمین یاری ده، و از مکرِ حسودان حفظ فرما، و نیز حیله حیله گران را از من برگردان، و دست ستمکاران را از من دور نگه دار، و بینِ من و آن سرورانِ با میمنت در اعلا، علیّین جمع بفرما، همراه باکسانی که برآن ها اِنعام فرمودی، یعنی پیامبران، راستگویانِ در عمل و گفتار، و شهدا و نیکان، به رحمتت ای مهربان ترینِ مهربانان.

توسل به پیامبر و قبر امام حسین علیه السلام

اَللَّهُمَّ إِنِّی أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ الْمُوَسَّدِ فِی كَنَفِهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ أَنْ تَكْشِفَ مَا بِی

مِنَ الْغُمُوم وَتَصْرِفَ عَنِّی شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُوم وَتُجیرَنی مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُوم اَللَّهُمَّ جَلِّلْنی بِنِعْمَتِکَ وَرَضِّنی بِقِسْمِکَ وَتَغَمَّدْنی بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَبَاعِدْنی مِنْ مَکْرِکَ وَنَقِمَتِکَ اَللَّهُمَّ اعْصِمْنی مِنَ الزَّلَلِ وَسَدِّدْنی فِی الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَافْسَحْ لی فی مُدَّهِ الْأَجَلِ وَأَعْفِنی مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ وَبَلِّغْنی بِمَوَالِیَّ وَبِفَضْلِکَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ؛

بار خدایا! تو را سوگند می دهم به حقّ پیامبرِ معصومت، و به حقّ حُکمِ حتمی و قطعی ات، و به حقّ نهیِ پنهانی ات، و به حقّ این آرامگاهی که مردم از هر طرف به جهت زیارت بر او گِرد می آیند، واین امامِ معصومِ مقتولِ مظلوم که در جانبِ آن تکیه زده، این که غم و غصّه ها را از من برطرف فرمایی، و شُرورِ قضا و قَدَرِ حتمی را از من برگردانی، و مرا از آتش عذابت که دارای بادهای سوزان است پناه دهی و نگه داری.

بار خدایا! مرا با نعمت خود احاطه کن، و به عطایای خود راضی وخوشحال فرما، و به جود و کَرَمَت مرا بپوشان، و از مکر و انتقام خود دورَم ساز

خواسته های روز عاشورا

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتی وَارْحَمْ عَبْرَتی وَأَقِلْنی عَثْرَتی وَنَفِّسْ کُرْبَتی وَاغْفِرْ لی خَطیئَتی وَأَصْلِحْ لی فی ذُرِّیَّتی اَللَّهُمَّ لا تَدَعْ لی فی هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْمُکَرَّمِ ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلا عَیْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلا غَمّاً إِلَّا کَشَفْتَهُ وَلا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ وَلا جاهاً إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلا فَسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلا أَمَلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ وَلا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلا مُضَیَّقاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلا شَمْلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلا أَمْراً إِلَّا أَتْمَمْتَهُ وَلا مَالاً إِلَّا کَثَّرْتَهُ وَلا خُلُقاً إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلا إِنْفَاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ وَلا حالاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلا عَدُوّاً إِلَّا أَرْدَیْتَهُ

وَلا شَرّاً إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلا مَرَضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلا بَعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلا شَعِثاً إِلَّا لَمَمْتَهُ وَلا سُؤَالاً إِلَّا أَعْطَيْتَهُ اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَيْرَ الْعَاجِلَهِ وَثَوَابَ الْآجِلَهِ.

اَللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِحَلالِکَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِکَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عِلْماً نَافِعاً وَقَلْباً خَاشِعاً وَيَقِيناً شَافِياً وَعَمَلاً زَاكِياً وَصَبْراً جَمِيلاً وَأَجْراً جَزِيلاً

اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شُکْرَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَزِدْ فِی إِحْسَانِکَ وَكَرَمِکَ إِلَیَّ وَاجْعَل قَوْلِی فِی النَّاسِ مَسْمُوعاً وَعَمَلِی عِنْدَکَ مَرْفُوعاً وَأَثَرِی فِی الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعاً وَعَدُوِّی مَقْمُوعاً؛

بارخدایا! بر محمّد و آلِ او رحمت فرست و توبه مرا قبول فرما، و بر اشکِ چشمم ترحّم نما، و لغزش مرا چشم پوشی فرما، و حُزن و اندوه مرا زایل کن، و گناهم را بر من ببخشای، و خاندان و نسلِ مرا برایم اصلاح فرما.

بارخدایا! در این مشهدِ والامقام و در این محلّ گرامی، برایم مَگُذار گناهی را مگر آن که ببخشی، و نه عیبی را مگر آن که مستور نمایی، و نه غم وغصّه ای را مگر برطرف فرمایی، و نه رزقی را مگر گسترش دهی، و نه قدر و منزلتی را مگر باقی بداری، و نه فسادی را مگر اصلاح فرمایی، و نه آرزویی را مگر نایل کنی، و نه دعایی را مگر اجابت فرمایی، و نه تنگنایی را مگر بگشایی، و نه امور پراکنده ای را مگر جمع و برقرار نمایی، و نه امری را مگر تمام فرمایی، و نه مالی را مگر فراوانی بخشی، و نه خُلق و زشتی را مگر نیکو گردانی، و نه انفاقی را مگر جایگزین فرمایی، و نه حالی را مگر آباد فرمایی، و نه حسودی را مگر ذلیل نمایی، و نه دشمنی را مگر هلاک گردانی، و

نه شرّی را مگر منع فرمایی، و نه بیماریی را مگر شفا بخشی، و نه دوری را مگر نزدیک فرمایی، و نه اختلافی را مگر جمع و اصلاح نمایی، و نه خواهشی [خواسته ای را مگر عطا فرمایی.

بار خدایا! من از تو درخواست می کنم خیرِ دنیا و ثوابِ آخرت را.

بارخدایا! مرا به سبب حلالت از حرام مستغنی کن، و به فضل و احسانت از جمیع خلق بی نیاز فرما.

بارخدایا! از تو درخواست می کنم دانشی مفید، قلبی خاشع، یقینی سلامت بخش، عملی صالح و پاک، صبری زیبا، و اجری عظیم را.

بارالها! شکر نعمتت را بر من روزی ام کن، و احسان و کَرَمَت را بر من زیاد فرما، و گفته مرا درمیان مردم شنوده نما، و عمل مرا به نزد خویش بالا بَر، و سنّت باقیمانده مرا در امورِ خیر مورد پیروی قرار ده، و دشمنم را خوار و ذلیل گردان.

توسل به امام حسین علیه السلام

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَـٰذَا الْإِمَـامِ فَرَجـاً قَرِیبـاً وَصَبْراً جَمِیلاً وَنَصْـراً عَزِیزاً وَغِنىً عَنِ الْخَلْقِ وَثَبَاتاً فِی الْهُـدَى وَالتَّوْفِیقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَـى وَرِزْقاً وَاسِـعاً حَلَالاً طَیِّباً مَرِیئاً دَاراً سَائِغاً فَاضِـلاً مُفْضِلاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَیْرِ کَدٍّ وَلا نَکَدٍ وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ وَعَافِیَةً مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَسُـقْمٍ وَمَرَضٍ وَالشُّکْرَ عَلَى الْعَافِیَةِ وَالنَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا یَکُونُ لَکَ طَاعَةً عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِینَ حَتَّى تُؤَدِّیَنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِیمِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ؛

بارخدایا! از تو درخواست می کنم به حقِ این امامِ بزرگوار، گشایشی نزدیک را، و صبری نیکو را، و پیروزی ای توأم با عزّت را، و بی نیازی از خلایق را، و دوام و استمرار در طریقِ هدایت را، و توفیق را بر آنچه تو دوست

داری و رضایت تو در آن است، و روزی ای که واسع، و حلال، پاک، و گوارا و ریزان و خوش گوار، فراوان و برتر و پی در پی باشد، بدون هیچ زحمت و مشقّتی، و خالی از هرگونه منّتی از اَحَدی. و (نیز درخواست می کنم) تندرستی از هر بلاء و ناخوشی و بیماری را. و شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را. و هنگامی که مرگ ما فرا رسید بر نیکوترین حالِ طاعت، ما را قبض روح فرمایی، و در حالتی که نگاهبانِ دستورات تو باشیم، تا آن که ما را به بهشت های پُر نعمت برسانی، به رحمتت ای مهربان ترینِ مهربانان!

رابطه با دنیا و آخرت

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنِسْنِي بِالآخِرَهِ فَإِنَّهُ لا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَلا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَهِ إِلَّا رَجَاؤُكَ؛

بارخدایا! بر محمّد و آل او رحمت فرست، و مرا از دنیا در وحشت و هراس قرار ده و به آخرت انیس فرما، چرا که فقط خوف از تو دنیا را وحشت زا می کند، و فقط امید و دلبندی به تو آخرت را انس بخش می کند.

فقیر و غنی

اَللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ اسْتَغْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ وَالْفَقِيرُ مَنِ اسْتَغْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لا يَبْسُطُ كَفّاً إِلَّا إِلَيْكَ؛

بارالها! غنیّ آن کسی است که به سبب تو بی نیازی جوید و به سوی تو محتاج باشد، و فقیر و درمانده کسی است که از تو (روگردان شده) به جانب مخلوقت بی نیازی طلبد، پس رحمت نما بر محمّد و آل او، و مرا از خَلقِ خودت به سبب خودت بی نیاز فرما، و مرا چنان قرارده که هیچگاه دستی جز بسوی تو دراز نکنم،

بیچاره و بدبخت واقعی

اَللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنِطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَهُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَهُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيُّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّهِ أَمَلِي؛

بارالها! بدبخت کسی است که با این که راه توبه وبازگشت جلوی او و رحمت تو پشتیبانِ اوست ناامید شود، اگرچه عملِ من ضعیف و سُست است، لکن امیدِ رحمتِ تو در من قویّ است، پس ضعف عملِ مرا در قبال قوّت امیدم، برمن ببخشای.

بدترین بنده و بهترین خدا

اَللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْباً مِنِّي وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْباً فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا مَوْلى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلاً وَأَوْسَعُ رَحْمَهً وَعَفْواً فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدُ فِي رَحْمَتِهِ اغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدَ فِي خَطِيئَتِهِ؛

بارخدایا! اگر تو چنان دانی که در میان بندگانت از من سنگدل تر و پرگناه تر نیست، (در عوض) من هم به یقین می دانم که

هیچ مولا و سرپرستی فضل و عطایش از تو بیشتر نیست، و رحمت و عفوش از تو وسیع تر نیست، پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه ای، ببخشای کسی را که در جُرم و گناهش تنها و یگانه نیست.

بی حیایی!

اَللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِی إِیَّاکَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَی مَا نُهِیتُ قِلَّهُ حَیَاءٍ وَتَرْکِیَ الِاسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِی بِسَعَهِ حِلْمِکَ تَضْیِیعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ؛

بار خدایا! این کم حیاییِ من است که (از طرفی) درِ خانه تو استغفار می کنم و (از طرف دیگر) بر مناهیِ تو پافشاری می ورزم، چنانچه اگر استغفار نکنم با این که و سعت حلمِ تو را آگاهم، این تباه نمودنِ حقِ امیدواری است.

توسل به امام حسین علیه السلام

اَللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِهَذَا الصِّدِّیقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُکَ بِالْحَقِّ الَّذِی جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِکَ وَلِأَبَوَیْهِ عَلِیٍّ وَفَاطِمَهَ أَهْلِ بَیْتِ الرَّحْمَهِ إِدْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِی بِهِ قِوَامُ حَیَاتِنَا وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِیَالِنَا فَأَنْتَ الْکَرِیمُ الَّذِی تُعْطِی مِنْ سَعَهٍ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَهٍ وَنَحْنُ نَسْأَلُکَ مِنَ الرِّزْقِ مَا یَکُونُ صَلَاحاً لِلدُّنْیَا وَبَلَاغاً لِلْآخِرَهِ؛

خدایا ما به واسطه این بنده خالص و امام به تو متوسل می شویم و به خاطر حقّی که برای او و جدّش رسول خدا و والدینش علی و فاطمه که اهل بیت رحمت هستند، در خواست می کنم که روزی لازم برای ادامه زندگی و رسیدگی به معاش خانواده مان را پیوسته عنایت کنی؛ زیرا تو آن کریمی هستی که از وسعت نعمتش می بخشد و از با قدرتت مرا عذاب نمی کنی. آری ما آن قدر روزی می خواهیم که صلاح دنیا و آخرتمان در آن است.

دعای عمومی

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَیْنَا وَلِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَفِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛

خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به همراه والدین و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان، چه زنده باشند و چه مرده، ببخش و در دنیا و آخرت حسنات خود را عنایت کن و ما را از عذاب آتش نگه دار.

دعای امام برای شیعیان(۱۱۱)

وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَحْیِهِمْ فِی عِزِّنَا وَمُلْکِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا

خدایا آن ها را در دوران عزت و حکومت ما، نگه دار، یافرمودند: زنده کن.

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان(۱۱۲)

اَللَّهُمَّ بِرَحْمَتِکَ فِی الصَّالِحِینَ فَأَدْخِلْنَا وَفِی عِلِّیِّینَ فَارْفَعْنَا وَبِکَأْسٍ مِنْ مَعِینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِینِ بِرَحْمَتِکَ

فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّهِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا

وَلَيْلَهَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنَا

وَ صَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَهَ فَاسْتَجِبْ لَنَا

يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا

وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَارْحَمْنَا

وَبَرَاءَهً مِنَ النَّارِ وَأَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا

وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تُقْرِنَّا

وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تَقْلِبْنَا

وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا

وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا

وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا

وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا؛

خدایا به واسطه رحمتت، ما را در زمرمه صالحان وارد کن و به مقام علّیین بالا ببر و با کاسه ای از آب زلال از چشمه سلسبیل سیراب و با حورالعین تزویج و از پسران ماندگار بهشتی که مانند لؤلؤ می درخشند، برایمان خادم و از میوه های بهشت و گوشت های پرندگان آن، غذا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده.

توفیق درک شب قدر و حج بیت اللّه الحرام و شهادت در راه خودت را به همراه ولی خودت عنایت فرما.

دعاهای صالح و درخواست های خوبمان را اجابت کن.

ای خالق ما دعاهایمان را بشنو و مستجاب کن.

زمانی که اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع کردی، به ما رحم کن.

نجات از آتش و امان از آن را برایمان ثبت کن.

در جهنم واردم

نکن و با شیاطین همنشین ننما.

در خواری و عذابت ما را نگردان.

از زقوم و چرک های دوزخ نخوران.

با صورت ما را در دوزخ نینداز.

از لباس ها آتشین و مس های گداخته نپوشان.

ای کسی که جز تو خدایی نیست، به حق خودت ما را از هر بدی نجات بده.

اقرار به گناهان(۱۱۳)

اَللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُکَ فَالْمَحْمَدَهُ لَکَ وَإِنْ عَصَیْتُکَ فَالْحُجَّهُ لَکَ مِنْکَ الرَّوْحُ وَمِنْکَ الْفَرَجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَکَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ؛

خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و ثنا برای توست.(۱۱۴) و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما دلیل داری. راحتی و گشایش از توست. پاک و منزه است کسی که نعمت می دهد و تشکر می کند.(۱۱۵) پاک و منزه است کسی که مقدر می کند و می بخشد.(۱۱۶)

معصیت و انواع آن

قَدْ عَصَیْتُکَ یَا إِلَهِی عَلَی غَیْرِ وَجْهِ الْمُکَابَرَهِ وَلا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِیَّتِکَ وَلا الْجُحُودِ بِرُبُوبِیَّتِکَ وَلَکِنْ أَطَعْتُ هَوَایَ وَأَزَلَّنِی الشَّیْطَانُ فَلَکَ الْحُجَّهُ عَلَیَّ وَالْبَیَانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِذُنُوبِی غَیْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی فَإِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ؛

خدایا از سر لجبازی و با قصد خروج از عبودیت و انکار به ربوبیت تو، گناه نکرده ام. بلکه فریب هوای نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می توانی مرا محکوم کنی.

اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم و جود توست.

امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیرعلیه السلام(۱۱۷)

السَّلامُ عَلَی الشَّجَرَهِ النَّبَوِیَّهِ وَالدَّوْحَهِ الْهَاشِمِیَّهِ الْمُضِیئَهِ الْمُثْمِرَهِ بِالنُّبُوَّهِ الْمُونِعَهِ بِالإِمَامَهِ السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی ضَجِیعَیْکَ آدَمَ وَنُوحٍ السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْمَلائِکَهِ الْمُحْدِقِینَ بِکَ وَالْحَافِّینَ بِقَبْرِکَ؛

سلام بر درخت نبوت و عظمت هاشمی تابان که ثمره اش از نبوت و رسیدگی آن از امامت است.(۱۱۸)

سلام بر تو و بر دو پیامبری که در کنارت خوابیده اند؛ یعنی آدم و نوح علیهما السلام.

سلام بر تو و اهل بیت پاکت.

سلام بر تو و بر ملائکه گرداگرد و زائر تو.

عظمت امام(۱۱۹)

لا فَرْقَ بَیْنَک وَبَیْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُک وَخَلْقُک فَتْقُهَا وَرَتْقُهَا بِیَدِک بَدْؤُهَا مِنْک وَعَوْدُهَا إِلَیْک أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَزْوَادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُوَّادٌ فَبِهِمْ مَلأْتَ سَمَاءَک وَأَرْضَک حَتَّی ظَهَرَ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

میان تو و آن ها هیچ فرقی نیست. مگر این که آن ها بنده و مخلوق تو هستند. رتق و فتق و آغاز و بازگشت آن ها به سوی توست. آن ها یاوران و شاهدان و هادیان و ذخایر و حافظان و رهبران هستند. تو زمین و آسمانت را از آن ها پر کردی تا روشن شود که خدایی جز تو نیست.(۱۲۰)

معجزات امام زمان علیه السلام

وظایف شیعیان و کسب حلال(۱۲۱)

أُخْرُجْ وَکُدَّ عَلَی عِیَالِک؛(۱۲۲)

برو و برای خانواده ات کسب و کار کن.

امام و یاری یاران(۱۲۳)

أَنْتَ نَصَرْتَنَا فَنَصَرْنَاک وَلَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ نَصَرَهُ؛(۱۲۴)

تو ما را یاری کردی، ما هم تو را یاری کردیم، «و خداوند یاوران خود را، یاری می کند.»(۱۲۵)

دیدار با امام زمان علیه السلام

منم مهدی(۱۲۶)

أَنَا الْمَهْدِیُّ أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ أَنَا الَّذِی أَمْلَؤُهَا عَدْلاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً إِنَّ الْأَرْضَ لا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ؛

من مهدی هستم، همان کسی که قیام می کند و زمین را بعد از پر شدن از ظلم، مملّو از عدل می کند. زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نمی ماند.

مدت واقعی غیبت

لاـ يَبْقَى النَّاسُ فِى فَتْرَهٍ أَكْثَرَ مِنْ تِيهِ بَنِى إِسْـرَائِيلَ وَقَدْ ظَهَرَ أَيَّامُ خُرُوجِى فَهَـذِهِ أَمَـانَهٌ فِى رَقَبَتِـكَ فَحَـدِّثْ بِهَـا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ؛(۱۲۷)

مردم بیش از ایام سرگردانی قوم بنی اسرائیل،(۱۲۸) از امامت محروم نخواهند ماند و من ظهور خواهم کرد. این دیدار امانتی است که باید آن را حفظ کنی. آن را به برادران شیعه خود، برسان.

غصب زمین مسجد جمکران(۱۲۹)

قَلْ لَهُ إِنَّكَ تَعْمُرْ هذِهِ الأَرْضَ مُنْذ سِنِينَ وَتَزْرَعُها وَنَحْنُ نَخْرِبُها؛

تو سال هاست که این زمین را می کاری و ما آن را خراب می کنیم.(۱۳۰)

جمکران، مکانی جدا شده و استثنایی

إِنَّ هذِهِ أَرْضُ شَرِيفَهُ قَد اخْتارَهَا اللَّهُ تَعالی مِنْ غَيْرِها مِنَ الأَراضِى وَشَرَّفَها؛

این زمین شرافت خاصی دارد و خداوند آن را برای عبادت خودش انتخاب کرده است.

امام و تشویق به عبادت در مسجد جمکران

قُلْ لِلنّاسِ لَيرغَبوا إِلى هذَا الْموضِعِ وَيْعَزِّرُوهُ وَيَصَلُّوا هنا أَرَبَع رَكعاتٍ؛

به مردم بگو: تا به این مکان آمده و آن را گرامی بدارند و در آنجا چهار رکعت نماز بخوانند.

روش خواندن نماز تحیت مسجد

رَكعَتانِ لِلتَحِيه فِى كُلّ رَكْعَه يَقْرأُ سُورَهُ الْحَمْد مَرَّهً وَسُورَهُ الإِخْلاصِ سَبْعَ مَرّاتَ وَيَسَبح فِى الرّكُوعِ وَالسّجُودِ سَبْعَ مَرّاتٍ؛

دو رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید و ذکر رکوع و ذکر سجود هر کدام هفت مرتبه بخواند.

روش خواندن نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران

رَكْعَتـانِ لِلْإِمـامِ صـاحِبِ الزّمـانِ علیه السـلام هكَـذا يَقْرَآء الفـاتِحَه فَإذا وَصَلَ إِلى إِيَّاكَ نَعْبُـدُ وَإِيَّاكَ نَسْـتَعِينُ كَرَّرهُ مِائَه مَرَّه ثُمَّ يَقْرؤها إِلى آخِرِها وَهكَذا يَصْنَعُ فِى الرَّكْعَهِ الثّانِيَهِ وَيُسَبَّح فِى الُّركُوعِ وَ الّسـجُودِ سَبْع مَرّاتِ فَإذا أَتَمَّ الصّلاهَ يُهَلّلُ وَيُسَبّحُ تَسْبِيحَ فاطِمَهَ الزّهراءعلیها السلام فَإِذا فَرَغَ مِنَ التَّسْبِيحَ يَسْجُدُ وَيُصَلّى عَلَى النَّبى وَآلِهِ مِائَه مَرَهٍ

ثّم قال علیه السلام: فَمَنَ صَلاّهَا فكَأَنّما فِى الْبيْتِ العَتيقِ؛

دو رکعت هم نماز صاحب الزمان است. در هر رکعت ایاک نعبد و ایاک نستعین صدبار تکرار می شود. بعد از اتمام نماز، لا اله اللّه گفته و تسبیحات حضرت زهرا را می گوید. بعد از آن در سجده صدبار صلوات می فرستد.

سپس فرمود: کسی که این نماز را در این مکان بخواند، مانند آن است که در داخل کعبه خوانده است.

ملحقات

امام زمان علیه السلام در روزهای اوّل ظهور

امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم(۱۳۱)

یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ وَإِنَّا أَهْلُ بَیْتِ نَبِیِّکُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله؛

ای مردم ما از خدا و کسانی که ما را اجابت کنند، یاری می طلبیم. ما اهل بیت پیامبرتان محمّدیم. ما نزدیک ترین افراد به خدا و محمّدیم.

من عصاره تمام پیامبرانم

مَنْ حَاجَّنِی فِی النَّبِیِّینَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِالنَّبِیِّینَ أَلَیْسَ اللَّهُ یَقُولُ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَنُوحاً وَآلَ إِبْراهِیمَ وَآلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ فَأَنَا بَقِیَّهٌ مِنْ آدَمَ وَذَخِیرَهٌ مِنْ نُوحٍ وَمُصْطَفًی مِنْ إِبْرَاهِیمَ وَصَفْوَهٌ مِنْ مُحَمَّدٍعلیهم السلام؛

اگر کسی درباره انبیاء با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن ها هستم.

آیا در گفته های من تردید دارید؟ مگر خدا در محکمات قرآن نفرموده است: «همانا خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر سایر عالمیان برتری داد، نسلی بعد از نسلی دیگر و خداوند شنوا و داناست».(۱۳۲) پس بدانید که من یادگار آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و جانشین محمّدعلیهم السلام هستم.

نزدیک ترین به قرآن

أَلا وَمَنْ حَاجَّنِی فِی کِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِکِتَابِ اللَّهِ بدانید اگر کسی درباره قرآن با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

نزدیک ترین به سنت

أَلا وَمَنْ حَاجَّنِی فِی سُنَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِسُنَّهِ رَسُولِ اللَّهِ؛

بدانید که اگر کسی درباره سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

به حرمت خدا و رسول او و خودم

وَأَسْـأَلُکُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّی فَإِنَّ لِی عَلَیْکُمْ حَقَّ الْقُرْبَی مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْنْتُمُونَا وَمَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ یَظْلِمُنَا فَقَـدْ أُخِفْنَا وَظُلِمْنَا وَطُرِدْنَا مِنْ دِیَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَبُغِیَ عَلَیْنَا وَدُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ [فَافْتَرَی أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَیْنَا

فَاللَّهَ اللَّهَ فِینَا لا تَخْذُلُونَا وَانْصُرُونَا یَنْصُرْکُمُ اللَّهُ؛

به حق خدا و رسول او و خودم که حقّ ذوی القربی را بر عهده شـما دارم، از شما یک چیز می خواهم و آن این است که ما را یاری کنیـد و جلوی ظالمان حقوقمان را بگیریـد؛ زیرا ما همیشه در ترس و ظلم و تبعید و محرومیت از حقوقمان زندگی کرده ایم و ظالمان همیشه بر ما مسلط بوده اند. خدا را، خدا را نسبت به ما در نظر بگیرید، ما را خوار نکنید بلکه ما را یاری کنید تا خدا شما را یاری کند.

من محمّد و علیم!(۱۳۳)

أَلا ـ وَمَـنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی مُحَمَّدٍ وَأَمِیرِ الْمُـؤْمِنِینَ صَـلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَـا فَهَـا أَنَـا ذَا مُحَمَّدٌصـلی الله علیه وآله وَأَمِیرُ الْمُـؤْمِنِینَ علیه السلام؛

بدانید که اگر کسی بخواهد محمّد و امیرمؤمنان را ببیند، این منم محمّد و امیرمؤمنان.

من حسن و حسینم!

أَلا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ علیهما السلام فَهَا أَنَا ذَا الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به حسن و حسین نگاه کند، این منم حسن و حسین علیهما السلام.

من ائمه بعد از حسینم!

أَلا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَهَا أَنَا ذَا الْأَئِمَّهُعلیهم السلام؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به امامانی که از نسل حسین هستند، نگاه کند، این منم امامان بعد از حسین.

أَجِیبُوا إِلَی مَسْأَلَتِی فَإِنِّی أُنَبِّئُکُمْ بِمَا نُبِّئْتُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تُنَبَّئُوا بِهِ؛

درخواست مرا اجابت کنید؛ زیرا من تمام آنچه را که تا به حال به شما گفته بودند و بیش از آن را خواهم گفت.

ما وعده قرآن هستیم(۱۳۴)

أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِی كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوُا الزَّكاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛

ای مردم ما همان كسانی هستيم كه خداوند وعده آن ها را در قرآن داده است: «كسانی كه اگر به آن ها تمكّن و قدرت بدهيم، نماز را برپا می كنند و زكات می دهند و امر به معروف و منهی از منكر می كنند و عاقبت امور در نزد خداست». (١٣٥)

دستور العمل كلی(١٣٦)

اذكركم أيّها النَّاس ومقامكم بين يدِی ربكم وقد اكد المحجه وبعث الانبيآء وانزل الكتاب يامركم ان لا تشركوا به شيئا وان تحافظوا علی طاعته وطاعه رسوله صلی الله عليه وآله وان تحيوا ما احيا القرآن وتميتوا ما امات وتكونوا اعوانا علی الهدی ووزرآء علی التقوی؛

فَان الدنيا قد دنا فناؤها ووالها واذنت بالوداع ونی ادعوكم الی اللَّه و رسوله صلی الله عليه وآله والعمل بكتابه وماته الباطل واحياء السنه؛

ای مردم! خدا را به يادتان می اندازم و اين كه الآن در محضر خدا هستيد. خداوند متعال حجت هايش را اقامه كرده و انبياء را مبعوث و كتاب را نازل نموده و از شما خواسته تا چيزی را شريك او قرار ندهيد و بر اطاعت او و رسولش اهميّت دهيد و هر آنچه را كه قرآن آن را زنده كرده، زنده كنيد و هرآنچه را كه ميرانده است، بميرانيد. ياور نور و هدايت و طرفدار تقوا باشيد.

زيرا فنای دنيا نزديک است و إعلام وداع كرده است و همانا من شما را به سوی خدا و رسول و عمل به كتابش و ميراندن باطل و احيای سنت های الهی دعوت می كنم.

دليل غيبت(١٣٧)

«فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِی رَبِّی حُكْماً وَجَعَلَنِی مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛

از شما فرار كردم به خاطر ترسی كه از شما داشتم و در مقابل، پروردگارم به من حكمت داد و مرا از مرسلين قرار داد.(١٣٨)

فهرست منابع و مأخذ

١) إعلام الوری، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دار الكتب الإسلاميه تهران.

٢) إقبال الأعمال، سيدعلی بن موسی بن طاوس، دارالكتب الإسلاميه تهران، ١٣٦٧ ه.ش.

٣) الإحتجاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی مشهد مقدس، ١٤٠٣ ه.ق.

٤) الإختصاص، شيخ مفيد، انتشارات كنگره جهانی شيخ مفيد قم، ١٤١٣ ه.ق.

۵) البلدالأمین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، چاپ سنگی عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر، جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی.

۶) التهذیب، شیخ طوسی، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.

۷) الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ۳ جلد، مؤسسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۹ه.ق.

۸) العدد القویه، رضی الدین علی بن یوسف حلی، انتشارات کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی قم، ۱۴۰۸ ه.ق.

۹) الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی قم، ۱۴۱۱ ه.ق.

۱۰) الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ه.ق.

۱۱) الکافی ثقه الاسلام کلینی، ۸ جلدی، دارالکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.

۱۲) المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، انتشارات رضی قم، ۱۴۰۵ ه.ق.

۱۳) بحار الأنوار، علامه مجلسی، ۱۱۰ جلدی، مؤسسه الوفاء بیروت – لبنان، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۴) ترجمه کلمه الامام المهدی، مرحوم آیت اللّٰه سیّد حسن شیرازی.

۱۵) تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۶) تفسیر قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، ۲ جلد، مؤسسه دارالکتاب قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۷) جمال الأسبوع، سید علی بن موسی بن طاوس، انتشارات رضی قم.

۱۸) رجال الشیخ الطوسی، شیخ طوسی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ه.ق.

۱۹)

رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش.

۲۰) فرج المهموم، سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر قم.

۲۱) کمال الدین، شیخ صدوق، ۲ جلد در یک مجلد، دار الکتب الإسلامیه قم، ۱۳۹۵ ه.ق.

۲۲) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، ۱۴۰۸ ه.ق.

۲۳) منتخب الأنوار المضیئه، علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، چاپخانه خیام قم، ۱۴۰۱ ه.ق.

۲۴) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۲۵) مهج الدعوات، سید علی بن موسی بن طاوس، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۱ ه.ق.

۲۶) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

پی نوشت ها

۱تا۵۴

۱) بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته»؛ الاحتجاج، ص ۴۶۶ ج ۲؛ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی.

۲) زیرا ایشان در حد توان تلاش کردند تا با غاصبان خلافت مبارزه کنند و زمانی که از آن مأیوس شدند، صبر و شکیبایی پیش ساختند. مقصود امام آن است که من نیزمانند مادرم چنین خواهم کرد.

۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۴۵ «ذکر التوقیعات الوارده»؛ بحارالأنوار ج ۵۳، ص ۱۸۵ باب ۳۱ «ماخرج من توقیعاته»؛ منتخب الأنوارالمضیئه، ص ۱۲۵، الفصل التاسع فی ذکر توقیعاته.

۴) الاحتجاج ص ۴۷۳ ج ۲ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی بحارالأنوار ص ۲۶۶ ج ۲۵ باب ۱۰- نفی الغلو فی النبی و الأئمه.

۵) علم غیب به معنای علم مطلق الهی قطعاً جزو مختصات الهی است و احدی سعه وجودی تحمل آن را ندارد. اما به معنای نازل تر آن، با اراده و اذن خداوند متعال قابل درک برای اولیای الهی می باشد.

۶) محمد بن علی بن هلال کرخی، او غیر از احمد بن

هلال کرخی است که یکی از مدعیان دروغین نیابت بوده است.

۷) مثال که امام زده اند. یا از این جهت است که استحکام بال های مگس از استحکام اعتقادات برخی از شیعیان بیشتر است. یا از این جهت است که سنگینی بال های مگس از دین داری برخی از شیعیان بیشتر است.

۸) مقصود از نفی علم غیب یا از جهت علم مطلق الهی بودن است. یا از جهت استقلال است؛ یعنی ایشان اگر از غیب هم باخبر بوده اند، به اذن خدا بوده است.

۹) مقصود ملائکه، انبیاء و اولیا می باشد که در جای جای نامه از آن ها نام بردند.

۱۰) کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۰ توقیع من صاحب الزمان علیه السلام کان خرج بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۹۰ باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته علیه السلام»

۱۱) مقصود آن است که سنت خدا از گذشته بر آن بوده است که انسان ها خود سرنوشت خود را رقم بزنند و از آنجا که انسان ها انتخاب های بدی انجام دادند. از نعمت امام محروم گردیدند. والا اگر انسان فاقد اختیار بود یا خدا می خواست خلاف مسیر ساخته شده به دست انسان عملی انجام دهد، غیبت پیش نمی آمد.

۱۲) خداوند اراده کرده است که انسان در عالم حجاب و با وجود محدودهای آن به عالم غیب که شامل ایمان به خدا، ملائکه و انبیاء و ائمه است، ایمان بیاورند. الذین یومنون بالغیب و اجازه نداده است که ایشان با اسباب غیر طبیعی پرده ها را بردارند و زمینه امتحان را از ایشان سلب کنند. امام علیه السلام می فرماید: اگر خداوند چنین اراده ای نداشت، حقیقت امامت را به آن ها نشان می دادم. در آن صورت احدی در حقانیت من شک نمی کرد. موید این مطلب

توقیعات دیگری است که در آن ها به این مطلب اشاره شده است.

۱۳) اعتقاد به امام.

۱۴) در روایات فراوانی داریم که خداوند متعال آنچه را که لازم می دیده است، بیان کرده است. اگر با مسئله ای مواجه شدید که خداوند درباره آن به طور خاص حکمی نداده بود، شما نیز آن را مسکوت عنه بگذارید و درباره آن بحث و بررسی نکنید. زیرا اگر دانستن آن به صلاح شما بود، خداوند متعال آن را بیان می کرد.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيُّ الْمُوسَوِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلاغَهِ عَنْ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ لَكُمْ حُدُوداً فَلا تَعْتَدُوهَا وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلا تَنْتَهِكُوهَا وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَلَمْ يَدَعْهَا نِسْيَاناً فَلا تَتَكَلَّفُوهَا (وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۲۶۰، باب ۲۴ «وجوب أداء الفرائض».)

بی شک خداوند واجباتی را بر شما واجب کرده است و حدودی را تعیین کرده است؛ پس از آن ها نگذرید و شما را از اموری نهی کرده است که آن ها را نشکنید. در این میان از بیان برخی چیزها سکوت کرده است و نگفتن آن ها به خاطر جهل و فراموشی نبوده است، بلکه مصلحت نبوده است. بنابراین خودتان را درباره آن ها به زحمت نیندازید.

شاید بهترین نمونه و مثال برای به تکلف انداختن ماجرای گاو بنی اسرائیل باشد. زیرا زمانی که یکی از آن ها دیگری را کشت و قتل رخ داده می رفت تا به یک معضل اجتماعی و اختلافات قومی شود. خداوند از حضرت موسی علیه السلام خواست تا از مردم بخواهد که گاوی را بکشند و استخوان آن را به مُرده بزنند تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. خداوند در این

دستور گاو خاصی را تعیین نکرده بود. از این رو آن ها به راحتی می توانستند هرگاوی را که خواستند قربانی کنند. اما مردم از رنگ و سن و سال و انواع آن سؤالات فراوانی کردند. خداوند نیز برای این که آن ها را تنبیه کند. مدام بر شرایط گاو اضافه کرد. گاوی که رنگش طلایی باشد، نه مسن باشد و نه بچه، گاو شخم زن نباشد و ... شرایط به اندازه ای سخت شد که در کل بنی اسرائیل تنها یک گاو واجد همه این شرایط بود و آن ها مجبور شدند برای خرید آن هزینه هنگفتی پرداخت کنند. بنابراین اگر آن ها طبق امر اولیه امام علیه السلام اقدام به قربانی گاو می زندند. این همه مکافات و زحمت برای خودشان درست نمی شد.

۱۵) یعنی هیچ کس از آن خبر ندارد و اگر بخواهد آن را بگوید. دروغ خواهد گفت.

۱۶) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام وآه»؛ بحارالأنوار ج ۵۲ ص ۴۲ باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات اللَّه علیه».

۱۷) زیرا امام زمان و مادر بزرگوارشان تنها وارثان امام حسن عسکری علیه السلام بودند.

۱۸) طبعاً ایشان مادر جعفر نیز خواهند بود.

۱۹) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸ «احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی»؛ بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۹۳؛ الغیبه للطوسی ص ۲۸۷.

۲۰) جعفر کذاب.

۲۱) در اغلب آیات و روایات قلب به معنای روح به کار می رود، روحی که در بردارنده تمام استعدادهای انسانی است، روحی که منشاء فطرت خاص انسانی است.

۲۲) مقصود حضرت سلیمان علیه السلام است.

۲۳) پیامبر و حضرت امیرعلیهما السلام صیغه اخوت خوانده و برادر صیغه ای همدیگر بودند.

۲۴) معلوم می شود که امام علیه السلام قبل از دیگران و به واسطه علم الهی از این

مسئله باخبر شده است.

۲۵) جعفر کـذاب عموی امام زمان و برادر امام حسن عسـکری علیه السـلام بود. از آنجا که او ادعا می کرد که امامت بعـد از ایشان به برادرش منتقل شده است امام زمان علیه السلام در اینجا به این مسأله اشاره می کند.

۲۶) مقصود زمان ظهور ایشان است.

۲۷) کمال الدین ج ۲ ص ۴۵۴ ۴۳، باب ذکر من شاهـد القائم علیه السـلام و رآه بحارالأنوار ص ۷۸ ج ۵۲ باب ۱۹ «خبر سعد بن عبد اللّٰه و رؤیته».

۲۸) در روایاتی از پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام آمده است که بعد از مرگ من، هر کدام از زنانم را که خواستی طلاق بده. سـعد بن عبداللّٰه از امام علیه السـلام سؤال کرد، مرگ نوعی طلاق است که زن و مرد را از همدیگر جـدا می کند، به همین جهت نیز زن بعد از مرگ شوهر می تواند ازدواج کند. بنابراین طلاق بعد از مرگ پیامبرصـلی الله علیه وآله چه معنایی خواهد داشت؟ امام در این جملات سرّ مسأله را بیان می کنند.

۲۹) از جمله محکمـات دین اسـلام که جـای هیـچ شک و تردیـدی در آن نیست، محبت به همسـر و فرزنـد است. شایـد کمتر چیزی در اسـلام به انـدازه مـدارا با خانواده و محبت به آن ها و خصوصاً همسـر، مورد تأکید قرار گرفته است که برخی از این موارد را می آوریم:

وَقَالَ علیه السـلام: عِيَالُ الرَّجُلِ أُسَـرَاؤُهُ وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحْسَـنُهُمْ صُـنْعاً إِلَى أُسَـرَائِهِ (من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۵۵ باب النوادر)

خانواده مرد در مانند اسیران او هستند، محبوب ترین مخلوقات بندگان نزد خدا کسی است که به آن ها بهتر رسیدگی کند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ علیه السلام: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِیَاءِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰ «کِتَابُ النِّکَاحِ بَابُ حُبِّ النِّسَاءِ».)

دوست داشتن همسر از جمله اخلاق تمام انبیا است.

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا أَظُنُّ رَجُلًا یَزْدَادُ فِی الْإِیمَانِ خَیْراً إِلَّا ازْدَادَ حُبّاً لِلنِّسَاءِ؛

هر کس که ایمان واقعیش افزایش یابد، به همان اندازه به همسرش علاقمندتر می شود.

بنابراین علاقه به همسر و فرزند با محبّت به خدا قابل جمع است. به شرطی که برای امتثال امر خدا بوده باشد. امّا آنچه در روایت مذکور گذشت، از دو حالت خارج نیست:

حسنات الابرار، سیئات المقربین؛ یعنی آنچه که مایه قرب برای خوبان است، برای مقربین معصیت حساب می شود. به عبارتی اگرچه محبت خانواده از عبادات خوبان است، اما اگر ولو اندکی آن ها را از یاد خدا غافل کند، جزو گناهان مقربین خواهد بود.

شاید آن حضرت نتوانسته بودند هماهنگی کاملی که شایسته مقام پیامبران اولی العزم است، را ایجاد کنند. یعنی محبت ایشان نسبت به همسر و فرزندان ایشان را اگرچه به اندازه بسیار کمی از یاد خدا غافل می کرد. از این رو خداوند متعال از ایشان می خواهد تا این حالت را نیز از بین ببرد. مؤید این مطلب آن است که پیامبران همه نسبت به خانوادشان دلسوز بودند و آن ها را بسیار دوست داشتند.

۳۰) البته میان آن دو بزرگوار شباهت های دیگری نیز وجود دارد؛ مانند این که سر هر دو توسط سلاطین زمان خودشان بریده شد.

خون حضرت یحیی جوشید و

انتقام قاتلانش را گرفت و بعد از این که بخت النصر آن زن بدکاره ای را که باعث قتل ایشان شده بود، کشت، خون ایشان آرام گرفت. خون امام حسین علیه السلام اگر چه به صورت ظاهری نجوشید. امّا جوشش عجیبی در دل ها ایجاد کرد و منتهی به قیام های مختلفی شد و حکومت اموی را سرنگون ساخت. از جمله منجر به قیام مختار گردید و تمام قاتلان ایشان مانند حرمله و شمر و امثال ایشان، به بدترین شکل ممکن به قتل رسیدند.

۳۱) یکی از سلاطین خونخوار بنی اسرائیل است که بر آن ها مسلط شد و به شدت به سرکوبشان پرداخت.

۳۲) الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغیبه للطوسی ص ۳۶۱، «ذکر أبی جعفر محمد بن عثمان بن سعید»؛ بحارالأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸، باب ۱۶ «أحوال السفراء...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰ باب ۴۵ «باب ذکر التوقیعات الوارده».

۳۳) فقرات این نامه بیانگر عظمت شأن و جلالت فرزند عثمان بن سعید است؛ زیرا کمتر مشاهده شده است که امام علیه السلام درباره شخصی چنین سخن براند و او را تا این اندازه بستاید.

۳۴) الغیبهللطوسی ۳۶۲ ذکر أبی جعفر محمد بن عثمان بن سعید بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۳۴۹ باب ۱۶- أحوال السفراء

۳۵) وسائل الشیعه، ج ۲۷ ص ۱۴۰ باب ۱۱ «باب وجوب الرجوع ...»؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹ «احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی»؛ إعلام الوری، ص ۴۵۲ «الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات».

۳۶) بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۶ «ذکر إقامه أبی جعفر محمّد بن عثمان...»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۷۲ «ذکر إقامه أبی جعفر محمد بن عثمان...».

۳۷) بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰ ذکر إقامه أبی جعفر محمد بن عثمان ... الاحتجاج ج ۲ ص ۴۷۸

احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۹۵ «ذکر أمر أبی الحسن علی بن محمّد ...».

۳۸) یکی از سؤالات جدی که در اینجا مطرح می شود، آن است که اگر مدعیان دیدار امام علیه السلام دروغگو هستند و امام علیه السلام خودشان را به کسی نشان نخواهند داد، در این صورت دیدارهای بسیاری که از علما و عرفا نقل شده است، چه تکلیفی خواهند داشت؟ آیا آن ها همه دروغگو بوده اند!؟ یا این که مقصود امام علیه السلام چیز دیگری است؟

در پاسخ از این سؤال باید اضافه کنیم که اصل تحقق دیدار با امام زمان علیه السلام امری کاملاً مسلم است و به تواتر ثابت شده است. کسانی ادعای دیدار داشته اند که احدی در وثاقت و راستگویی آن ها کوچک ترین تردیدی ندارد، اشخاصی مانند سیّد بن طاووس، علّامه حلّی و هزاران عارف والا مقام که کسی در صدق گفتار ایشان کوچک ترین تردیدی به خود راه نمی دهد.

اساساً دیدار امام زمان علیه السلام با این بزرگان جزو امدادهای غیبی الهی به سایرین است؛ زیرا اگر این دیدارها نبود، ایشان به کلی از یادها می رفتند و اعتقاد به مهدویت از هم می گسست. از این رو امام علیه السلام با ملاقات این اشخاص اعتقادات ایشان را تقویت می کنند.

بنابراین اصل دیدار قطعی است. از سوی دیگر توقیع صادره نیز به اندازه ای شهرت دارد که کسی در آن تردید نکرده است.

زمانی که هر دو مطلب را در کنار هم قرار دهیم و اندکی در محتوای نامه دقت به خرج دهیم، مقصود واقعی امام روشن خواهد شد؛ زیرا همان طور که امام علیه السلام پیش بینی کرده بودند، بعد از سمری عدّه ای از شیعیان مدعی بابیت شدند و افراد زیادی را به

ضلالت و گمراهی کشاندند. مقصود امام علیه السلام مشاهده خالی نیست. بلکه مشاهده همراه با ادعای بابیت و نیابت است. چنین شخصی دروغگو است. زیرا امام کسی را بعد از سمری به نیابت انتخاب نکردند.

این مطلب زمانی روشن تر خواهد شد که ما فضای حاکم در شرایط زمانی نامه را در نظر بگیریم؛ زیرا

مردم پیوسته پی گیر آن بودند که آیا سمری جانشینی برای خود تعیین خواهد کرد؟ او کیست؟ در این فضا بحث فقط مشاهده تنها نبوده، بلکه همه سؤال ها و ذهن ها متوجه نیابت است. از این رو مقصود امام علیه السلام نیز کسانی است که مدعی نیابت باشند.

دیگر مؤید این مسأله آن است. که هیچ یکی از افراد عامی و عالم کسی را که واجد شرایط دیدار با حضرت باشد، و ادعای دیدار داشته باشد، تکذیب نکرده اند. در حالی که همه از مضمون نامه خبر داشته اند.

۳۹) بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۷۳ «ذکر إقامه أبی جعفر محمد بن عثمان».

۴۰) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۷۴؛ «احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۹۷ «ذکر المذمومین الذین ادعوا البابیه»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸۰، باب ۱۷ «ذکر المذمؤمین الذین ادعوا البابیه».

۴۱) مخاطب امام علیه السلام سومین سفیر ایشان؛ یعنی حسین بن روح نوبختی رحمه الله می باشد.

۴۲) یعنی ما تسلیم قضا و قدر الهی هستیم. اگر سنت خدا بر آن است که انسان ها با اختیارات خود چنین مصیبت هایی را به بار آورند و وسیله امتحان برای خودشان و دیگران باشند، ما نیز می پذیریم و به فرمان او عمل می کنیم.

۴۳) بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۰ باب ۳۱- ما خرج من توقیعاته علیه السلام..... الغیبهللطوسی

ص ۳۷۳ ذکر إقامه أبی جعفر محمـد بن عثمان ۴۴) بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۳۶۲ «ذکر إقامه أبی جعفر محمـد بن عثمان»؛ الغیبه للطوسی، ص ۴۱۳ ذکر المذمومین الذّین ادّعوا البابیه».

۴۵) الخرائـج والجرائح، ج ۱ ص ۴۶۶ «البـاب الثالث عشـر فی معجزات الإمام؛ بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۳۱۳ باب ۱۵ «ما ظهر من معجزاته»؛ الغیبه للطوسی ص ۳۰۸.

۴۶) خطاب به حسن فرزند قاسم بن علاء وکیل امام علیه السلام در آذربایجان.

۴۷) حسن جوانی شـرابخوار بود که قبل از وفات پـدرش موفق به توبه شد و امام زمان علیه السـلام در نامه ای که برای تسـلیت پدرش فرستاده بود، برای او دعا کرد و او را به جای پدرش نصب کرد.

۴۸) ظاهر این سـخن و فرسـتادن نامه به حسن آن است که امام او را به جای پدرش نصب کرده بود. به همین خاطر می فرماید که پدرت را الگوی عملی تو قرار دادم، تو هم باید مانند او عمل کنی.

۴۹) الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغیبه للطوسی، ص ۶۱ «ذکر أبی جعفر محمّد بن عثمان بن سـعید»؛ بحارالأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸ باب ۱۶ «أحوال السفراء؛ الاحتجاج ج ۲ ص ۴۸۱ «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان؛ کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۰ باب ۴۵ «باب ذکر التوقیعات الوارده».

۵۰) یعنی خداوند متعال با قوانینی که در عالم قرار داده است، همه مسائل را رهبری می کند و طبق اراده خودش کارها را پیش می برد.

۵۱) ابو اسـحاق نقل می کند که قبل از وداع با امام دیدار کردم و خواسـتم پنج هزار دیناری که به همراه داشـتم خدمت ایشان تقدیم کنم، امام نپذیرفتند و برای این که من ناراحت نشوم این کلمات را بیان کردند.

۵۲)

محمّد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد دیده به جهان گشود.

شخصیت علمی شیخ مفید از چهره های بسیار درخشان شیعه در جهان اسلام می باشد.

او هم متکلم است و هم فقیه.

ابن نـدیم در فن دوم از مقاله پنجم «الفهرست» که درباره متکلمان شـیعه بحث می کنـد، از او به عنوان «ابن المعلم» یاد کرده و او را ستایش می نماید. کتاب معروف او در فقه نیز «المقنعه» است.

ابو یعلی جعفری که دامـاد مفیـد بوده است، می گویـد: «مفیـد شب ها مختصـری می خوابیـد و بقیه شب را به نماز یا مطالعه یا تدریس یا تلاوت قرآن مجید می گذرانید.»

آغاز تحصـیلات شـیخ مفید از شاگردان ابن ابی عقیل است. و در حومه بغداد دیده به جهان گشود و دانش های ابتدایی را در خانواده و زادگاه خویش به پایان برد.

او در یک خانواده پر سابقه و اصـیل در تشـیع و از سلاله نیکان و پاکان به دنیا آمد. سراسر وجود خاندان او مالامال از عشق به اهل بیت رسالت علیهم السلام بود.

وی راهی بغداد گردید و در آنجا از محضـر اساتید و دانشمندان کسب علم و دانش نمود تا در علم کلام، فقه و اصول سرآمد دانشمندان گردید.

شیخ مفید و بزرگان شـیخ مفید از دیدگاه دانشـمندان شـیعه و سـنی دارای جایگاهی رفیع است که به کلماتی از بزرگان اشاره می کنیم:

شیخ طوسی، شاگرد ارزنده مکتب او، درباره استاد در «فهرست» می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان، معروف به ابن المعلم، از متکلمان امامیه است. در عصـر خویش ریاست و مرجعیت شـیعه به او منتهی گردیـد. در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقـدم بود. حافظه خوب و

ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سؤالات، حاضر جواب بود او بیش از ۲۰۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد.»

عماد حنبلی، یکی از دانشمندان اهل سنت درباره او می گوید: «او بزرگی از بزرگان امامیه و رئیس بخش فقه و کلام و مباحثه می باشد. او با پیروان هر عقیده به مباحثه و مناظره می پرداخت. موقعیت شایان توجهی در تشکیلات دولت آل بویه داشت. او صدقه فراوان می داد. بسیار اهل خشوع و تهجد و اهل نماز و روزه و خوش لباس بود.

او مورد زیارت و ملاقات عضد الدوله قرار می گرفت. نزدیک ۷۶ سال عمر کرد و بیش از ۲۰۰ جلد تألیف دارد. تشییع جنازه او شهرت دارد. در تشییع او بیش از ۸۰ هزار نفر از شیعیان شرکت جستند و درگذشت او در ماه رمضان بود. رحمت خدا بر او باد...».

اساتید

از جمله اساتید اویند:

۱ – ابن قولویه قمی ۲ – شیخ صدوق ۳ – ابن ولید قمی – و ...

شاگردان ۱ – سید مرتضی علم الهدی ۲ – سید رضی ۳ – شیخ طوسی ۴ – نجاشی – و ...

وفات شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری، در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم و قدردانی علما و فضلا قرار گرفت. به نقل از برنامه نرم افزاری جامع الاحادیث نور.

۵۳) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۵، «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان»؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...»

۵۴) این مطلب نشانگر آن است که قرار نبود، غیبت امام علیه السلام تا فراتر از مرز هزار و صد و شصت سال ادامه پیدا کند.

بلکه از برخی از فرمایشـاتی که در ادامه خـواهیم آورد معلـوم می شود که قرار بر آن بوده است که قیـام آن حضـرت در دوره غیبت صغری اتفاق بیفتد.

بعـد از شـروع دوره جدیـدی از غیبت نیز تقـدیر الهی بر آن نبوده است که غیبت آن حضـرت الزاماً تا هزار سال به تأخیر افتد؛ زیرا همان طور که گـذشت، امام علیه السـلام مژده نزدیک شـدن زمان ظهور و دیـده شدن نشانه های آن را به شـیخ مفید می دهد.

این مطلب نشـانگر آن است که ظهور آن حضـرت چیزی نیست که تنهـا بـا دعا حاصل شود. بلکه مسأله ای است که کاملاً در اختیار خود ما است. یعنی اگر ما بخواهیم و آستین همت را بالا بزنیم و در مسـیر سازندگی قرار بگیریم. ظهور آن حضـرت در یـک چشم به هم زدن محقق می شود. امّا اگر در زنـدگی به یاد همه چیز غیر از ظهور باشـیم. در این صورت معلوم نیست که دعاهـای ناچاریمـان موثر باشـد! بایـد کار کنیم. برنامه بریزیم. جای تعجب است که ما برای برنامه بیست ساله کشورمان برنامه ریزی می کنیم. برای مـدارس، دانشـگاه هـا و حوزه ها برنامه ریزی می کنیم و می دانیم که کارهای بزرگ بـدون برنامه پیش نمی رود. امـا آیـا برای ظهـور مهـدی امّت که در واقع ظهور بخت و اقبـال خودمـان است، برنـامه ای می ریزیم؟! راسـتی قیـام جهـانی آن حضـرت کمتر از برنامه یک کشور و یا یک نهاد است؟ راستی چرا ما عادت کرده ایم که مهم ترین کارهای خود را به دست تقدیرات بسپاریم و برای کارهای درجه دو و سه برنامه ریزی کنیم؟!

چه می شد که در برنامه زندگی خودمان تجدید نظر کنیم و آن حضرت را در سرلوحه تمام برنامه های خودمان

قرار دهیم؟ راستی تا به حال چند بار برنامه زندگیمان را برای آن حضرت ریخته ایم؟ چند بار حرکتی را انتخاب کرده ایم که اگر دیگران هم آن طور حرکت می کردند، امام ظهور می کرد و ما را مهمان آغوش امامت می نمود. بعد از سال های سال یتیمی دیدن و بی دست نوازش پدر سر بر بالش غم نهادن، دست نوازشش را بر روی سرمان احساس می کردیم. راستی چه لحظه های خاطره انگیزی است.

امّا با بروز انقلاب اسلامی در ایران اسلامی که با مجاهدت شهدا و حضرت امام رحمه الله رخ داد، عامل مهمی در زمینه سازی ظهور ایشان می باشد. ما نصف راه را رفته ایم؛ انقلاب ما پایگاه خوبی برای تکیه امام زمان خواهد بود. انقلاب ما باعث بیداری عجیبی در میان ملّت ها شده است. انقلاب ما

]تنها انقلابی است که پرچم آن به مهدی تقدیم خواهد شد. انقلاب ما تنها انقلابی است که بهترین های امّت رسول خدا بر عریکه حکومتش تکیه زده اند. والیان صالحی که تاریخ اسلام کمتر شاهد امثال آن ها بوده است. ما باید آن ها را قدر بدانیم و دقیقاً آن طور که می فرمایند عمل کنیم. بارها با خود اندیشده ام اگر عدّه قابل توجهی از ما طبق دستورات رهبری معظم انقلاب عمل می کردیم، قطعاً ظهور محقق می شد. البته ما خیلی وقت ها مدّعی تبعیت می شویم. امّا در رفتارمان کوچک ترین تغییری دیده نمی شود.

بنابراین باید نصفه دیگر راه را ما که وارث انقلاب هستیم بپیماییم. تا زمینه های ظهور آن حضرت را به طور کامل فراهم نماییم.

۵۵تا۹۶

۵۵) صف/۸؛ البته آخر آیه و لو کره الکافرون است.

۵۶) البته ممکن است که خود جریان از نسل امویان نباشد. اما از آنجا که روح حرکت و تفکر حاکم بر آن

اموی است، امام آن ها را به امویان نسبت می دهد.

۵۷) تقیه در لغت به معنای برحذر بودن است و در اصطلاح به معنای پنهان کردن عقاید خود از دشمن به کار می رود. حضرات معصومین علیهم السلام تقیه را به عنوان سلاحی کارا در مقابل دشمنان تشیع به کار می بردند تا جان خود و شیعیانشان را در دوره های مالامال از خطر و خفقان حفظ نمایند. تقیه از ضروریات مذهب شیعه است و ادله فراونی در مشروعیت آن وارد شده است.

«رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إيمانَه» (غافر/ ۲۸).

مرد مؤمنی از خاندان فرعون که دین خودش را مخفی می کرد...این آیه دلالت بر وجود حکم تقیه در امّت های سابق می کند.

يَا مُعَلَّى! إِنَّ التَّقِيَّةَ مِنْ دِينِي وَدِينِ آبَائِي وَلا دِينَ لِمَنْ لا تَقِيَّةَ لَهُ. يَا مُعَلَّى! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلانِيَهِ. يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمُذِيعَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاحِدِ لَهُ.

](الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳، باب الکتمان).

ای معلی! تقیه از دین من و پدران من است. کسی که تقیه ندارد، در واقع دین ندارد. ای معلی خدا همان طور که عبادت آشکار را دوست دارد، عبادت سری را هم دوست دارد. ای معلی! کسی که تشیع را آشکار کند، مانند کسی است که با آن می جنگد.

این روایت در عصری صادر شده است که افراد را به جرم تشیع از هستی ساقط می کردند؛ برخی را می کشتند. برخی را روانه سیاه چال ها می کردند. برخی دیگر را نیز جریمه می کردند. در این شرایط ترویج تشیع باعث افزایش حساسیت حکومت نسبت به آن می شد و همین امر بارها و بارها باعث بر زمین ریخته شدن خون های پاک و بی خانمانی کودکان

و زنان فراوانی گردید.

۵۸) همین مطلب، سرّ ظهور است؛ یعنی هر انسانی در هر جایگاهی که هست، کاری کند که او را به ولایت ایشان نزدیک کند و سنخیت و همرنگی میان او و اهل بیت علیهم السلام افزایش یابد؛ به گونه ای که اهل بیت از نسبت دادن او به خودشان احساس شرم نکنند.

۵۹) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۸، ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان؛ بحارالأنوار، ج ۵۳ ص ۱۷۶، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته.....».

۶۰) ظاهراً مقصود امام آن است که دعاهای تو را در تعجیل فرج شنیدم. زیرا امام علیه السلام در ادامه از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می دهد.

۶۱) همان طور که گذشت، فرج امام زمان علیه السلام بارها و بارها تا مرز وقوع پیش رفته بود.

۶۲) بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۵۵؛ الحکایه الخامسه و العشرون مجالس المومنین ص ۲۰۶.

۶۳) یعنی چنین نیست که با مرگ تو، تنها تنت از دیدگان پنهان شده باشد. بلکه علم دین و توحید آسیب فراوانی از این مرگ دیدند. این بیت دلالت بر عظمت علمی و میزان تأثیرگذاری ایشان داشته است.

۶۴) قبول این حکایت از جهاتی مشکل است؛ زیرا کسی حضرت صاحب الامر را ندیده است. بلکه دیده اند که این ابیات بر روی قبر ایشان نوشته شده است. از این رو معلوم نیست خود حضرت آن را نوشته است یا این که یکی از آشنایان و شاگردان شیخ این کار را کرده است. کسانی که گمان کرده اند این ابیات منسوب به حضرت است، به بیت آخر آن توجه کرده اند که مهدی قائم وقتی که صدای درس و بحث تو را می شنید، خوشحال می شد. در حالی که این بیت هیچ

نوع دلالتی بر صدور سخن از امام علیه السلام ندارد؛ زیرا ممکن است که کس دیگری همین مطلب را بیان کرده باشد؛ مانند این که ما بگوییم. امام زمان علیه السلام در مرگ امام خمینی رحمه الله گریست. یا بگوییم: زمانی که امام زمان علیه السلام سخنرانی های انقلابی امام رحمه الله را می شنید خوشحال می شد.

۶۵) ترجمه کتاب کلمه الامام المهدی.

۶۶) اگر چه مخاطب نامه مرحوم آیت اللّه اصفهانی است، امّا این دستور العمل شامل تمام مراجع تقلید می شود.

۶۷) الاحتجاج؛ ج ۲، ص ۴۶۹گ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدی بحارالأنوار؛ ج ۵۳، ص ۱۸۰ باب ۳۱- ما خرج من توقیعاته علیه السلام...إعلام الوری ص ۴۵۲ الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات.

۶۸) یعنی این طور نیست که انتساب به خاندان عصمت نوعی قرابت و فامیلی با خدا ایجاد کند و در نتیجه باعث مصونیت از خطا و یا دوزخ شود. بلکه هر انسانی طبق عملکرد خود رشد می کند. از این رو نیز حتی اگر کسی از خاندان ما منحرف شود به عذاب الهی مبتلا خواهد شد.

۶۹) هر یک از «امّا»هایی که می آید، پاسخ از سؤالی است که اسحاق بن یعقوب از امام سؤال کرده است.

۷۰) یعنی همان طور که برادران یوسف به او حسادت ورزیدند و تصمیم به از میان برداشتن او گرفتند، عمویم جعفر نیز به من حسادت برده و قصد از بین بردن مرا دارد.

۷۱) این سخن بدان معنا نیست که می توان وجوهات شرعیه را نداد. بلکه بدان معناست که وجوهات شرعی منتی برای ما نیست. بلکه ما در حق شما لطف می کنیم و اموالتان را پاک می کنیم. نقل می کنند که قبل از انقلاب یکی از تجار خدمت حضرت امام رحمه الله وجوهات آورده بود

و بـا حـالتی متکبرانه آن هـا را پرداخت کرده بود. حضـرت امـام پول ها را با بی اعتنایی به خودش پس داده بود و فرموده بود: شما در حق من لطف نمی کنید. بلکه من در حق شما لطف می کنم و خیال شما را از جهت وجوهات آسوده می کنم و خودم مسؤولیت خرج و مخارج آن را به عهده می گیرم.

۷۲) نکته جالب آن است که امام علیه السـلام در این روایت نفرموده اند: در مسائلی که برایتان پیش می آید، بلکه فرموده اند: در حوادثی که برایتـان اتفاق می افتـد به فقها مراجعه کنیـد. این مسأله نشانگر آن است که فقها از سوی آن حضـرت به عنوان ولی اجتماعی نصب شده اند. به همین جهت این روایت یکی از ادله تئوری ولایت فقیه و حکومت اسلامی می باشد.

۷۳) این روایت بیانگر آن است که حتی نـذر و احسان و سـفره هایی که به نام ایشان و خانـدانشان برپا می باشد و ای بسا پول هـای هنگفتی در آن هـا صـرف می شود، تنهـا در صورتی مهر قبولشان به پای این مخارج خواهـد خورد که از مال حلال تهیه شده باشد و همراه با حرام نباشد.

۷۴) غناء در اصـطلاح فقهی به صدایی گفته می شود که منجر به تحریک شهوت شده و زمینه فحشاء را فراهم می آورد. معیار تشخیص غناء، مناسبت با مجالس رقص و پایکوبی می باشد.

۷۵) او یکی از کسـانی بود که در مورد امـام صادق علیه السـلام غلو کرد و مورد لعن و نفرین ایشان قرار گرفت. نام اصـلی او محمّـد بن مقلاص الأسـدی و کنیه او ابا اسـماعیل و ابا خطاب است. در روایات فراوانی مورد لعن قرار گرفته است که در ادامه یکی از آن ها آورده می شود.

حمدویه وإبراهیم ابنا نصیر

قالا حدثنا الحسين بن موسى عن إبراهيم بن عبد الحميد عن عيسى بن أبی منصور قال سمعت أبا عبد اللَّه علیه السلام وذکر أبا الخطاب فقال: اللّهمّ العن أبا الخطاب فإنه خوفنی قائماً وقاعداً وعلی فراشی اللّهمّ أذقه حر الحدید.

خدایا ابوالخطاب را از رحمت خویش دور کن. زیرا او مرا در همه احوال اعم از ایستاده و نشسته و خوابیده، ترسانیده است. خدایا طعم شمشیر را به او بچشان.

رجال الکشی، ص ۲۹۰؛ رجال الطوسی، ص ۲۹۶.

۷۶) مائده/۱۰۱؛ مقصود امام آن است که شما نباید درباره مسائلی که اهمیت زیادی ندارند، سؤالات زیادی کنید. زیرا آنچه که مهم است، این است که با اطاعت از ما و فراهم سازی زمینه ظهور به وظیفه خودتان عمل کنید. اما اگر قرار باشد، این مسائل را رها کنید و مدام پی گیر مسائل کم فایده باشید، مصداق آیه قرآن خواهید بود.

۷۷) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۵، ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان؛ بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۹، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...».

۷۸) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۱ «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان»؛ بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۱ باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۷۴ «ذکر إقامه أبی جعفر محمد بن عثمان»

۷۹) دعای امام به حمیری و دوستانش.

۸۰) الاحتجاج ص ۴۸۷ ج ۲ «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان»؛ بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۶۲؛ باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...».

۸۱) زخرف/۷۱.

۸۲) البته روشن است که کودک خلق شده اگر چه به صورت انسان باشد، اما انسان نخواهد بود.

] همان طور که حور العین و خدمتکاران بهشتی در صورت انسان و مورد پسند انسان هستند. اما انسان نیستند. از نظر عقلی نیز

انسـان موجودی است که بایـد از خـاک خلق شود و همین سـیر متعارف را طی نمایـد. این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

۸۳) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۱ باب ۹ «وجوب إیصال حصه الإمام من الـخ»؛ بحارالأنوار، ج ۵۳ ص ۱۸۳، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...».

۸۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان»؛ الغیبهللطوسی ص ۲۹۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰ «الدعاء فی غیبه القائم علیه السلام...» .

۸۵) الاحتجـاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذکر طرف ممـا خرج أیضـا عـن صـاحب الزمـان»؛ بحارالأـنوار ج ۸۰ ص ۶۰ بـاب ۸ «وقت العشاءین...».

۸۶) فرج المهموم ص ۱۱۴ الباب الرابع؛ بحارالأنوار، ج ۵۵، ص ۲۵۵، باب ۱۰ «علم النجوم والعمل به وحال».

۸۷) این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبّت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

۸۸) این مطالب در سـرزنش یکی از وکلای امام که در یاری یکی از شـیعیان به نام معلقه بن اسـحاق کوتاهی کرده بود و امام را به موقع در جریان مشکل او نگذاشته بود، صادر شده است.

۸۹) این دسـتور العمل متعلق به معلقه بن اسـحاق از اصـحاب شایسته امام علیه السلام می باشد. طبق خبر منجمی ایشان احساس کرده بودنـد کـه زمـان مرگشـان نزدیـک شـده اسـت. از ایـن رو بـه یکی از وکلای امـام علیه السـلام نـامه می نویسـد و از او درخواست می کند که از امام دستور العملی برای ایام پایانی زندگی اش بگیرد.

۹۰) امام این مطلب را در مورد معلقه بن اسحاق فرموده اند.

۹۱) کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱ «الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات»؛ کمال الدین ج ۲، ص ۴۸۳

باب ۴۵ «ذکر التوقیعات الوارده».

۹۲) وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۴۲ باب ۳۳ «تحریم تسمیه المهدی علیه السلام»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲ باب ۴۵ «ذکر التوقیعات الوارده».

۹۳) الکافی ج ۱ ص ۳۳۳ «باب فی النهی عن الاسم...»؛ وسائل الشیعه ج ۳۳ ص ۲۴۰ باب ۱۶ «تحریم تسمیه المهدی علیه السلام».

۹۴) البته فاش کردن و یا راهنمایی سربازان همیشه به خاطر دشمنی و جاسوسی نیست. بلکه از سر شوق همه روانه دیدار خواهند شد و نام ایشان را در مجالس خود به جهت تبرک خواهند برد، در نتیجه در اثر محبت و علاقه فراوان آن حضرت را گرفتار خواهند کرد.

۹۵) یکی از سؤالاتی که در ذهن هر خواننده ای ایجاد می شود و از سوی دیگر محل ابتلا است، این است که آیا اکنون نیز آوردن نام ایشان حرمت دارد، یا این که این حرمت مخصوص عصر غیبت صغری بوده است؟ آیا مقصود از حرمت نام بردن از آن حضرت منحصراً کلمه «محمّد» است یا این که هر اسمی که به نحوی دلالت بر ایشان کند، شامل این روایات می شود؟ به عبارتی آیا کلمات مهدی، ابا القاسم، ابا صالح و اموری از این قبیل نیز داخل در این روایات هستند، یا از محدود آن ها خارج می باشند؟

برای این که جواب این سؤال ها به وضوح روشن شود، مقدمه ای را ذکر می کنیم:

عصر امام حسن عسکری علیه السلام از سویی مردم از ظلم و جور خاندان عباسی خسته شده بودند و از سوی دیگر یاد و خاطره حکومت عدل علوی همچون رؤیایی دلنشین در اذهان مردمان، یادآور مدینه فاضله ای بود که همه به دنبال آن بودند. این دو عامل باعث توجه روز افزون مردم به خاندان عصمت و سلاله پاک

علوی شده بود. با وجود تبلیغات شکننده ای که در مورد ایشان صورت می گرفت، عملکرد روشن و پر جذبه ایشان باعث گرایش همگان می شد. همین عامل نیز باعث شد تا حساسیت حکومت های وقت نسبت به ایشان افزایش یابد. توجه به کاهش عمر ائمه بعد از امام رضاعلیه السلام گواه این مطلب می باشد.

امام محمد تقی تنها بیست و پنج سال امام علی النقی تنها چهل سال امام حسن عسکری بیست و هشت سال با وجود موارد ذکر شده، امام حسن عسکری علیه السلام از یک ویژگی ممتازی برخوردار بود که باعث افزایش مراقبت ها نسبت به ایشان شده بود. آری ایشان پدر امامی بودند که پیامبر اسلام در اخبار متواتری بشارت تولدش را داده بود. همان طور که با آشکار شدن علایم تولد حضرت موسی علیه السلام فرعون مراقبت های خود را افزایش داد. عباسیان نیز با نزدیک شدن زمان تولد یگانه منجی عالم، مراقبت های خود را به شدت افزایش دادند. مانند این که امام را در داخل پادگانی محصور کردند و در یک محیط بسته ایشان را تحت نظر گرفتند. در حالی که چنین حساسیتی در مورد هیچ یک از ائمه قبل از ایشان نظیر نداشت. یا این که به صورت مداوم قابله هایی را به خانه حضرت می فرستادند تا وضعیت همسر ایشان را از نظر حاملگی بررسی کنند.

حساسیت حکومت نسبت به ایشان به حدّی بود که برخی از نزدیکان و اصحاب خاص امام برای دیدار ایشان، مجبور به شغل دست فروشی می شدند و به بهانه روغن فروشی و غیره خود را به خدمت امام می رساندند!

زندگی امام زمان در عصر غیبت صغری امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری مأمور بودند تا در میان

مردم زندگی کنند و ارتباط نسبتاً ملموسی با ایشان داشته باشند. از این رو مجبور بودند که در اختفای کامل بسر ببرند.

از سوی دیگر ایشان دارای نوّابی بودند که واسطه میان ایشان و سایر مردمان بودند. از این رو در صورت بی احتیاطی ممکن بود که دستگیر شده و به قتل برسند. لذا دوره غیبت صغری دوره ای مالامال از خطر برای ایشان و نوّاب ایشان بود. از این رو باید در نهایت اختفاء زندگی می کردند و از هرکاری که منجر به ایجاد حساسیت در مورد ایشان می شد، پرهیز می کردند.

تحریم نام بردن از ایشان با بیان مقدمه مذکور دلیل حرمت نام بردن از ایشان روشن می شود. زیرا در صورتی که اصحاب و شیعیان نام ایشان را ذکر می کردند، باعث ایجاد حساسیت می شد و توجه عمال حکومت را نسبت به ایشان و نواب ایشان افزایش می داد. همان طور که در برخی از موارد حکومت موفق به یافتن محل اختفای امام زمان شده بود. چنان که در بخش معجزات آمده است، باری که ایشان در سرداب مشغول مناجات بودند، مأموران حکومت موفق به شناسایی ایشان می شوند و منطقه را به محاصره خود در می آورند. البته امام به طرز معجزه آسایی نجات پیدا می کنند.

مؤید این مطلب نوع بیان روایاتی است که از خود ایشان نقل شده است.

در روایت اوّل ایشان می فرمایند کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی مردم ببرد، ملعون است. این بدان معناست که صرف نام بردن از ایشان در محافل خصوصی که خطر ایجاد حساسیت نباشد، حرام نیست.

در روایت دوم نیز فرموده اند که اگر نام مرا بدانند، (در میان مردمی که اکثراً سنی بوده اند) فاش می کنند و

اگر محل زندگی مرا بدانند، به همدیگر نشان می دهند.

نکته جالب آن است که در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی آمده است که نام ایشان را کسی غیر از کافر نمی برد! حال سؤال آن است که نام بردن از ایشان چه جرمی است که منجر به کفر شود؟ آیا کسی که نام ایشان را مثلاً در زمان ما از روی محبّت و ارادت ببرد، کافر می شود؟ یا کسی که در عصر غیبت صغری با ذکر نام ایشان باعث به خطر افتادن ایشان و نوابشان شود، دچار کفر می شود.

نکته بعدی آن است که وقتی حضرات معصومین علیهم السلام می فرمودند که نباید اسم ایشان را ببرید، کسی تعجب نمی کرد. زیرا آن ها در همان اوضاع خطرناک زندگی می کردند، از این رو این حرمت و تحریم با همه تأکیدهایی که داشت، برایشان قابل درک بود.

با توجه به همه این مسائل به صورت قطع و یقین روشن می شود که این حرمت به زمان غیبت صغری منحصر می شود و در زمان ما نه تنها حرمتی ندارد، بلکه مانند نام های سایر حضرات معصومین علیهم السلام جزو مستحبات است.

پاسخ از سؤال دوم:

مقصود از نام چیست؟ آیا کلمه محمّد است یا هر اسمی که به نحوی بر ایشان دلالت کند، حتی اگر لقب و یا کنیه باشد؟

با توجه به مطلب قبلی روشن می شود که کلمه محمّد خصوصیتی ندارد. بلکه مقصود حضرات از تحریم ذکر نام ایشان، حفظ و مصونیت خود آن حضرت و واسطه های ایشان بوده است. از این نظر تفاوتی میان این که محمّد گفته شود یا مهدی و یا هر نام دیگری، وجود ندارد. زیرا خطر ایجاد حساسیت و توجه دادن افراد به

ایشان در همه این موارد به یک اندازه وجود داشته است. بنابراین در عصر غیبت صغری چه نام مهدی و چه نام محمّد و هر نام دیگری که علم بر آن حضرت بوده باشد، حرام بوده است و در زمان ما هر نامی ولو کلمه شریف محمّد جایز و مستحب است.

مؤید قطعی این مطلب روایتی است از امام حسن عسکری علیه السلام که در طی آن به یکی از اصحاب می فرمایند: بر شما حلال نیست که نام او را ببرید. راوی سؤال می کند که پس او را چگونه خطاب کنیم؟ امام نفرمودند کنیه او را بگویید و یا از القابی چون مهدی که مخصوص به ایشان است استفاده کنید. بلکه فرمودند: بگویید: حجتی که از آل محمّد است.

دلیل این فرمایش امام آن است که حجتی که از آل محمّد است، لقبی است که بر تمام ائمه صدق می کند. بنابراین مردم گمان می کنند که منظور ائمه قبلی هستند. از این رو ایجاد حساسیت نمی کند و ابداً معلوم نمی کند که ایشان مقصود هستند.

۹۶) کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱، الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳ - باب ۴۵ ذکر التوقیعات الوارده.

۱۳۸تا۹۷

۹۷) مهج الدعوات، ص ۶۷ قنوت مولانا الحجه محمد بن الحسن علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳ باب ۳۳- فی القنوتات الطویله المرویه.

۹۸) وعده زمانی به کار برده می شود که چیزی خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می شود.

۹۹) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲ «ذکر طرف مما خرج أیضا عن صاحب الزمان»؛ بحارالأنوار ج ۵۳، ص ۱۷۱، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...».

۱۰۰) قمر/۵.

۱۰۱) بحارالأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶ باب

۲۸ «الاستشفاع بمحمد وآل محمّد».

۱۰۲) المصباح للکفعمی ص ۲۱۹، الفصل السادس والعشرون فی الحجب؛ بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۷۸ باب ۵۲ «الاحتجابات المرویه»؛ مهج الدعوات ص ۳۰۲ «حجاب مولانا صاحب الزمان علیه السلام...».

۱۰۳) در اصطلاح روایات، فرایض به احکام قرآنی، و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده اند، اطلاق می شود.

۱۰۴) مهج الدعوات ص ۲۹۴؛ بحارالأنوار ج ۹۲، ص ۴۵۰ باب ۱۳۰ «فی ذکر بعض الأدعیه».

۱۰۵) حرز در لغت به معنای قلعه ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می شود. از این رو به ادعیه ای که جهت ایجاد مصونیت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری ها، حیوانات درنده، ساحران و اجنه و امثال آن ها، صادر شده است، حرز گفته می شود.

بحارالأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰ «بعض أدعیه القائم علیه السلام و احرازه»؛ مهج الدعوات ص ۴۵ «حرز لمولانا القائم علیه السلام...».

۱۰۶) کمال الدین ج ۲، ص ۵۱۲ «الدعاء فی غیبه القائم علیه السلام....»؛ بحارالأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۷ باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته علیه السلام...».

۱۰۷) روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است.

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله مَنْ مَاتَ لا یَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً. قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِیَّهً جَهْلاءَ أَوْ جَاهِلِیَّهً لا یَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِیَّهَ کُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلالٍ.

الکافی ج ۱، ص ۳۷۷ «باب من مات و لیس له إمام من أئمه».

۱۰۸) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰ «باب نوادر الحج...».

۱۰۹) بحارالأنوار ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰، «بعض أدعیه

القائم علیه السلام و احرازه» العددالقویه ص ۷۴ «نبذه من أحوال الإمام الحجهعلیه السلام...».

۱۱۰) بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، باب ۲۴ «کیفیه زیارته صلوات اللَّه علیه».

۱۱۱) بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۱ باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات اللَّه علیه»؛ مهج الدعوات ص ۲۹۶.

۱۱۲) بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ باب ۴۸ «أنهم خلفاء اللَّه»؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۱۰ «دعاء أول یوم من شهر رمضان...»؛ إقبال الأعمال، ص ۶۰ «فصل فیما نذکره من دعاء الافتتاح».

۱۱۳) تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۱۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷۵، باب ۳۷ «استحباب الصلاه المرغبه».

۱۱۴) یعنی ما از لطف تو توفیق عبادت یافتیم.

۱۱۵) مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهرمند می کند. اما به جای این که انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

۱۱۶) به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می کند. امّا زمانی که انسان این حدود را می شکند، می بخشد.

۱۱۷) بحارالأنوار، ص ۲۱۲ ج ۹۹؛ زیاره أمیرالمؤمنین علیه السلام جمال الأسبوع ۳۱ زیاره أمیرالمؤمنین علیه السلام.

۱۱۸) به این معنا که میوه درخت از نبوت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود.

۱۱۹) إقبال الأعمال، ص ۶۴۶ «فصل فیما نذکره من الدعوات»؛ البلد الأمین، ص ۱۷۹ «شهر رجب ...». المصباح للکفعمی، ص ۵۲۹ «الفصل الثالث و الأربعون»؛ بحارالأنوار، ج ۹۵، ص ۳۹۲،باب ۲۳ «أعمال مطلق أیام شهر رجب».

۱۲۰) مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام در

اثر عبادت و استعدادهای ذاتی تجسم صفات خدا شده اند. از این رو توحید مجسم هستند. یعنی توحید خدا با وجود آن ها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید، آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده اید. خدا با چشمان شما می بیند و با دستانتان کار می کند و با پاهایتان قدم بر می دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو را زد!

۱۲۱) بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۷۰، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات اللّٰه علیه».

۱۲۲) امام علیه السلام این جمله را خطاب به ابو راحج حمامی فرمودند.

۱۲۳) بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۷۵، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات اللّٰه علیه».

۱۲۴) خطاب به یکی از شیعیان وفادارشان فرمودند.

۱۲۵) حج/۴۰.

۱۲۶) الغیبه للطوسی، ص ۲۵۳ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۴، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه»؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات اللّٰه علیه».

۱۲۷) البته به خاطر سستی شیعیان و مهیا نشدن شرایط این مدت تا بیش از هزار و صد و پنجاه سال، افزایش یافته و ممکن است که باز هم افزایش بیابد.

۱۲۸) طبق تصریح قرآن، سرگردانی قوم بنی اسرائیل چهل سال طول کشیده است.

«قالَ فَإِنَّها مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعينَ سَنَةً يَتيهُونَ فِی الْأَرْضِ فَلا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفاسِقينَ» (مائده/۲۶).

۱۲۹) مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۴۴۷ باب ۵۴ «نوادر»؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ج ۲۳۰، «الحکایه الثامنه».

۱۳۰) خطاب به حسن بن مسلم

که زمین مسجد جمکران را غصب کرده بود.

۱۳۱) الاختصاص، ۲۵۵ «حدیث فی زیاره المؤمن للّه»؛ الغیبه للنعمانی ص ۲۷۹، باب ۱۴ «ما جاء فی العلامات». بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ باب ۲۵- علامات ظهوره صلوات اللّه.

۱۳۲) آل عمران/۳۳ و ۳۴.

۱۳۳) بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹، باب ۲۸ «ما یکون عند ظهوره علیه السلام».

۱۳۴) بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳ باب ۲۷ «سیره و أخلاقه و عدد أصحابه»؛ تفسیر فرات الکوفی ص ۲۷۴.

۱۳۵) حج/۴۱.

۱۳۶) عقد الدرر، ص ۱۴۵.

۱۳۷) الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱ باب ۲۶ «یوم خروجه».

۱۳۸) شعراء/۲۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹